
ترجمه
صحیفه
سجادیه


مولف : احمد سجادی



ترجمه صحیفه سجادیه

نویسنده:

سید احمد سجادی

ناشر چاپی:

اسوه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ترجمه صحیفه سجادیه

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه سجادیه.ترجمه.لغتنامه.نمایه [علی بن حسین (ع)] / مولف احمد سجادی، ۱۳۴۳.

مشخصات نشر: قم سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه ، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۵۸۴ ص.

شابک: ۵-۱۵۵-۵۴۲-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: علی بن حسین (ع)، امام چهارم ، ۳۸ - ۹۴ق. . صحیفه سجادیه -- نقد و تفسیر

موضوع: Ali ibn Hosayn, Imam IV. Sahifeh Sajjadieh-- Criticism and interpretation

موضوع: دعاها

موضوع: Prayers

شناسه افزوده: Ali ibn Hosayn, Imam IV. Interpretation. Sahife Sajadiyeba

شناسه افزوده: سازمان اوقاف و امور خیریه. انتشارات اسوه

رده بندی کنگره: BP۲۶۷/۱ /ع۸ص۳۰۴۲۲۴۵ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۶۱۵۶۳

دعای ۰۱- و از دعای امام علیه السلام بود، موقعی که شروع به نیایش کرد و با سپاس خداوندِ ارجمند و بزرگ، و ستایش بر او، (دعا را) آغاز نمود:

(۱) سپاس خدای را، اوّلی که پیش از او اوّلی نبوده و آخِری که پس از او آخری نباشد.

(۲) همان که چشم های بینندگان از دیدنش قاصر، و پندارهای وصف کنندگان از وصفش عاجز است.

(۳) به قدرت خویش آفریدگان را بی هیچ نمونه ای آفرید و ایشان را به خواست خود از هیچ به وجود آورد.

(۴) سپس آنها را در راهی که می خواست روان ساخت و در راه دوستی به خود، برانگیخت. آنها توانایِی عقب انداختن آنچه (خدا) آنان را به سوی آن جلو انداخته، نداشته و نمی توانند آنچه را که آنها را از آن عقب انداخته، جلو اندازند.

(۵) و برای هر جانداری از ایشان، معلومِ قسمت شده ای از رزقش قرار داد. از کسی که (خدا) به او فراوانی داده، کاهنده ای نمی کاهد و از کسانی که کاسته، افزاینده ای نمی افزاید.

(۶) سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود، و برایش زمانی محدود قرار داد که با روزهای زندگی اش، به سوی آن گام بردارد، و با سال های روزگارش، به آن نزدیک می شود. زمانی که به پایان عمرش رسد و حساب زندگی اش

را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد. تا کسانی را که بد کرده اند، به سبب آنچه که به جا آورده اند، سزا دهد و آنان را که به سبب نیکویی، نیکویی نمودند را، جزا دهد.

(۷) و این از عدل اوست. نام هایش مقدّس و نعمت هایش آشکار و پی درپی است. از آنچه او انجام می دهد، بازخواست نشود و ایشان (آفریدگان) بازخواست شوند.

(۸) و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر بخشش های پی درپی که به ایشان داده و نعمت های آشکار که برای آنها تمام کرده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند و از روزی ای که عطا فرموده، فراوان استفاده می برند و شکرش به جا نمی آوردند.

(۹) و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیّت خارج شده، به مرز حیوانیّت رو می آوردند. پس چنان بودند که (خداوند) در کتاب محکم خود وصف کرده: «آنها جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه ترند.»

(۱۰) و سپاس خدای را که خودش را به ما شناساند و شکرش را به ما الهام نمود و درهایی از علم به پروردگاری اش را بر ما گشود و ما را به اخلاص در یگانگی اش راهنمایی نمود و از کج روی و شک در امر خود، دور ساخت.

(۱۱) سپاسی که با آن، بین آفریدگان سپاس گزارش، عمر طولانی نماییم و با آن، بر پیشی گرفتگان به سوی خوشنودی و بخشایش او، پیشی گیریم.

(۱۲) سپاسی که با آن، تاریکی های برزخ را برای ما روشن نماید و با آن راه رستاخیز را بر ما آسان سازد و با آن سپاس، منزلت ما را در جایگاه های

گواهان، شرافت (و آبرو) دهد، «روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبینند». «روزی که هیچ دوست، به کار دوست نیاید و یاری نمی شوند».

(۱۳) سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها(ی بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده ای که مقرّبان الهی گواه آنند».

(۱۴) سپاسی که به وسیله آن چشمانمان روشن شود، هنگامی که دیده ها، خیره می شود. و چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست ها سیاه می گردد.

(۱۵) سپاسی که به سبب آن از آتش دردناک خداوند آزاد شده، به جوار ارجمند خدا، واصل شویم.

(۱۶) سپاسی که به سبب آن، جا را بر فرشتگان مقرّب تنگ نماییم و با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است و محل کرامتی که همیشگی است.

(۱۷) و سپاس خدایی را که زیبایی های آفرینش را برای ما برگزید و روزی های پاکیزه را برایمان جاری ساخت.

(۱۸) و با دادن قدرت به ما، (ما را) بر همه آفریدگان برتری داد. پس به قدرت او، همه آفریدگانش برای ما فرمانبردار بوده و به عزّت او، به اطاعت از ما درمی آیند.

(۱۹) و سپاس خدایی را که درِ نیازمندی را جز به سوی خود، بر ما بست. پس چگونه سپاس او را به جا آوریم یا چه زمان توانیم شکرش گزاریم؟ نه! چه زمان (هیچ گاه)؟

(۲۰) و سپاس خدای را که آلات بسط و گشادن را در ما به هم پیوست و افزارهای قبض و در هم کشیدن را برای ما قرار داد و ما را به نسیم های زندگی بهره مند ساخت و اعضای (کار و) کردارها را در ما ثابت ساخت و با روزی های پاکیزه،

پرورشمان داد و ما را به فضل خود، بی نیاز گرداند و به نعمت خویش، سرمایه مان داد.

(۲۱) سپس ما را فرمان داد تا اطاعت پذیریمان را بیازماید، و نهیب مان نمود تا شکر گزاریمان را آزمایش کند. پس از راه فرمانش، مخالفت کردیم و بر پشت (مرکب) های نهیش سوار شدیم. پس او در کیفرِ ما، شتاب نکرد و در سرکوب ما عجله ننمود. بلکه به رحمتش از روی کرامت، به ما مهلت داد و به مهربانی اش از روی بردباری، بازگشت ما را انتظار کشید.

(۲۲) و سپاس خدای را که ما را به توبه ای ره نمود که جز به فضل او، آن را به دست نیاوردیم. پس اگر از فضل او، جز همان توبه را به شمار نیاوریم، مسلّماً نعمتش بر ما نیکو و احسانش بر ما بزرگ و فضلش بر ما تمام است.

(۲۳) البته روش او در (قبول) توبه، برای کسانی که پیش از ما بودند، این چنین نبوده و از (دوش) ما آنچه به آن طاقت نداریم برداشته و جز به اندازه توان، بر ما تکلیف ننموده و ما را جز به کار آسان نگماشته و برای احدی از ما، برهان و عذری به جا ننهاده.

(۲۴) پس هلاک شونده از ما کسی است که به خاطر نافرمانی او هلاک شود و نیک بخت از ما کسی است که به سوی او رغبت ورزد.

(۲۵) و سپاس خدای را، به هر سپاسی که نزدیک ترین فرشتگانش و گرامی ترین آفریدگانش و پسندیده ترین سپاس گویانش، او را ستوده اند.

(۲۶) سپاسی که بر سایر سپاس ها، برتری یابد، همانند برتری پروردگارمان، بر همه آفریدگانش.

(۲۷) پس سپاس او را، به جای هر نعمتی که او

بر ما و بر همه بندگانش -گذشتگان و باقی ماندگان- دارد. به شماره آنچه علمش -از همه چیزها- به آن احاطه دارد و به جای هر یک از آنها به شماره چندین برابر، همیشه و جاوید تا روز قیامت.

(۲۸) سپاسی که حدّش بدون انتها و عددش بی حساب و آخِرش بدون نهایت و مدّتش نامقطوع می باشد.

(۲۹) سپاسی که به سوی طاعت و بخشایش او پیوند خوریم و سببی به سوی خوشنودی اش و وسیله ای به سوی آمرزشش و راهی به سوی بهشتش و پناه دهنده ای از عذابش و ایمنی از خشمش و پشتیبانی بر طاعتش و مانعی از معصیتش و یاوری بر ادای حقّ و وظائفش باشد.

(۳۰) سپاسی که با آن در بین سعادتمندان از دوستانش به سعادت برسیم و با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم. به درستی که او یاری دهنده ستوده است.

دعای ۰۲– و از دعای امام علیه السلام بود، پس از این سپاس، در درود بر رسول خدا «صلی اللّه علیه و آله»

(۱) و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد -که درود خدا بر او و خاندانش باد- بر ما منّت نهاد، نه بر امّت های گذشته و مردمان پیشین، به قدرتش که از چیزی -اگر چه بزرگ باشد- ناتوان نیست و چیزی -اگر چه خرد باشد- از او رهایی نمی یابد.

(۲) پس به وسیله ما به همه آفریدگانش پایان داد، و ما را بر کسانی که انکار کرده اند، شاهد گرداند. و ما را با احسان خود، بر کسانی که اندک بودند، فزونی بخشید.

(۳) خداوندا بر محمّد -امین وحیت و برگزیده از آفریدگانت و دوست تو از بندگانت، آن پیشوای رحمت و رهبر خیر و کلید برکت- درود فرست.

(۴) همچنان که او برای فرمان تو خود را به تلاش انداخت.

(۵) و به خاطر

تو، بدنش را در معرض سختی قرار داد.

(۶) و در دعوت به سوی تو با خویشانش، آشکارا به ستیز پرداخت.

(۷) و در (راه) خوشنودی تو، با قبیله اش جنگید.

(۸) و در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست.

(۹) و نزدیکان را بر اثر انکارشان، دور نمود.

(۱۰) و دورتران را بر اثر پذیرفتنشان -برای تو- نزدیک نمود.

(۱۱) و به خاطر تو، با دورترین (مردم) دوستی کرد.

(۱۲) و به خاطر تو با نزدیک ترین (اشخاص)، دشمنی نمود.

(۱۳) و در تبلیغ پیام تو، خود را به رنج انداخت.

(۱۴) و با دعوت به دین تو، خود را خسته کرد.

(۱۵) و خود را به نصیحت کردن به پذیرندگانِ دعوتت مشغول ساخت.

(۱۶) و از جایگاه اقامتش و قدمگاهش و زادگاهش و جای انس گرفتنش، به شهرهای غربت و محل دور هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزّت دهد و بر (ضد) کافرانِ به تو یاری طلبد.

(۱۷) سرانجام آنچه درباره دشمنانت می خواست، برایش به دست آمد.

(۱۸) و آنچه او درباره دوستانت می اندیشید، برایش کامل گردید.

(۱۹) پس با امید به پیروزی به یاری تو، و با قوّت بخشیدن ضعف خود به کمک تو، به سوی آنان تاخت.

(۲۰) پس در وسط دیارشان به جنگ آنها رفت.

(۲۱) و در میان قرارگاه شان، بر آنان هجوم برد.

(۲۲) تا اینکه فرمان تو آشکار شد و سخن تو، بلند گردید. اگر چه مشرکان نمی پسندیدند.

(۲۳) خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر.

(۲۴) تا آنکه کسی در منزلت با او یکسان و در مقام همتا نباشد و نزد تو هیچ فرشته مقرّبی و پیامبر فرستاده شده ای

با او برابری نکند.

(۲۵) و او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش و مؤمنان امّتش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن.

(۲۶) ای به انجام رساننده وعده، ای وفا کننده گفتار، ای تبدیل کننده بدی ها به چندین برابر آن از خوبی ها. به درستی که تو دارای فضل بزرگی.

دعای ۰۳– و از دعای امام علیه السلام بود، در درود بر نگهداران عرش الهی و هر فرشته مقرّب

(۱) خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند، و از تقدیس تو دلتنگ نمی شوند و از پرستشت درمانده نمی گردند، و در فرمان تو کوتاهی را بر کوشش اختیار نمی کنند و از شیفتگی به سوی تو غافل نمی شوند،

(۲) و اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه و رسیدن فرمان توست، تا با دمیدنْ مردگانِ گروِ گورها را بیدار کند،

(۳) و میکائیل که نزد تو دارای مقام والا است، و از اطاعتت جایگاهی بلند دارد،

(۴) و جبرئیل که امین وحی توست، فرمانروا در میان اهل آسمان هایت، ارجمند در پیشگاه تو و مقرّب نزد توست،

(۵) و روح، همان که او بر فرشتگان حجاب ها گماشته شده،

(۶) و روح، که از عالم امر تو می باشد، پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند، در آسمان هایت ساکنند و بر رساندن پیام هایت امانت دارند.

(۷) و همانها که از کوشش دائمی دلتنگ نمی شوند، و از خستگیِ زیاد، وامانده و سست نمی گردند، و خواهش های نفسانی، آنها را از تسبیح تو باز نمی دارد، و فراموشیِ غفلت ها، آنها را از تعظیم تو جدا نمی سازد،

(۸) (آنان که) دیدگان را به زیر افکنده و قصد نگریستن سوی تو را ندارند و چانه ها را به زیر انداخته اند. آنهایی که به آنچه در نزد توست مشتاق

بودنشان بسیار است و به ذکر نعمت های تو حریص می باشند، و در پیشگاه با عظمت، بزرگ و بلند تو فروتنند،

(۹) و همانهایی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران شعله می کشد، گویند: منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم.

(۱۰) پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و آنها که نزدت مقرّبند، و آنها که رسانندگان اخبار نهانی بر رسولانت می باشند و بر وحی تو امانت دارند.

(۱۱) و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای و آنان را به ذکر تقدیس خود از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای، و در دل طبقه های آسمان هایت، سکونتشان داده ای.

(۱۲) و آنها که بر اطراف آن آسمان هایند، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود،

(۱۳) و خزانه داران باران و حرکت دهندگان ابر،

(۱۴) و آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد،

(۱۵) و بر همراهی کنندگان برف و تگرگ، و فرود آمدگان به همراه قطره های نازل شده باران، و زمامداران بر گنجینه بادها، و گمارده شدگان به کوه ها تا فرونپاشد،

(۱۶) و آنها که وزن آب ها و پیمانه باران های شدید و رگبارهای متراکم را به آنان شناسانده ای،

(۱۷) و بر فرستادگانت از فرشتگان، که بلای ناخوشایند و آسایش خوشایند به سوی اهل زمین می فرستی،

(۱۸) و سفیران بزرگوارِ نیکوکار و حافظان گرامی نویسنده (اعمال)، و فرشته مرگ و یارانش و بر منکر و نکیر و رومانْ آزمایش کننده (مردگان) قبرها و طواف کنندگان بیت المعمور و مالك و خزانه دار دوزخ و رضوان و کلیددار بهشت ها،

(۱۹) و آنان که خدا را در آنچه

به آنان امر کرده، سرپیچی نمی کنند و آنچه به آنان فرمان داده شده، انجام می دهند،

(۲۰) و آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای،

(۲۱) و آن پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند و مهلتش ندهند،

(۲۲) و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم و جایگاهش را در پیشگاه تو و مأموریّتی را که به او سپرده ای، نمی دانیم،

(۲۳) و ساکنان هوا و زمین و آب و هر کدام از آنان که بر خلق مشغولند،

(۲۴) پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.

(۲۵) و بر آنان درود فرست، درودی که کرامتی بر کرامتشان و پاکی ای بر پاکیشان بیفزاید.

(۲۶) خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست. به درستی که تو بسیار بخشنده و بزرگواری.

دعای ۰۴– از دعاهای امام علیه السلام است در درود بر پیروان پیامبران و تصدیق کنندگان ایشان

(۱) خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پنهانیِ پیامبران از اهل زمین، در هنگامی که با تکذیب ستیزه جویان روبرو می شدند و هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند،

(۲) در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی و برای اهل آن راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمّد –که درود خدا بر او و خاندانش باد–، از امامانِ رستگاری و پیشوایان اهل پرهیزکار –که بر همه آنها درود باد– پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.

(۳)

خداونـدا و بخصوص یاران محمّـد، آنان که همراهانی نیکو بودنـد و آنان که در یاری او از آزمایش خوب برآمدنـد و به وی کمـک رساندنـد و به سـوی پیـامش شـتافتند و به سوی دعـوتش پیشـی گرفتنـد و هنگـامی که دلیـل رسـالت هـای خود را به گوششان رساند اجابت کردند،

(۴) و در راه آشـکار نمودن دین او، از زنان و فرزنـدان خود جـدا شدنـد و در پایـدار ساختن نبوّت او با پـدران و فرزنـدانشان جنگیدند، و به همراه او پیروز شدند،

(۵) و آنها که محبّت او را در دل پرورانده، در دوستی اش امید به تجارتی بدون کساد داشتند،

(۶) و آنان که چون به دسـته آن حضـرت آویختند، قبیله ها یشان از آنها دوری نمودند و آنگاه که در سایه خویشـی او ساکن شدند خویشاوندان، آنها را بیگانه دانستند،

(۷) پس خداونـدا آنچه را برای تو و در راه تو رهـا کردنـد برای آنان از نظر دور نـدار و به خوشـنودی خود ایشان را خوشـنود ساز که مردمان را بر تو گرد آوردند و برای تو با پیامبرت دعوت کننده به سوی تو بوده اند.

(۸) و ایشـان را به خاطر آنکه در راه تو از شـهرهای خویشان هجرت کردنـد و از زنـدگی راحت به سـختی افتادنـد و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم ها دیدند پاداش عنایت کن.

(۹) خداونـدا بهترین پـاداش خود را به تابعینِ نیکو کارِ ایشان برسان. همانها که می گوینـد: پروردگارا! ما و برادرانمان را، که در ایمان، بر ما پیشقدم شدند بیامرز.

(۱۰) آنان که راه ایشان را قصد نمودند و به سوی جهت آنها رو آوردند و به روش آنها رفتار نمودند.

(۱۱) آنان که

عقیده یشان را شکّی بر نگرداند و تردیدی ایشان را از پیروی نشانه های آنها و اقتدا به چراغ هدایت ایشان آشفته نساخت.

(۱۲) در حالی که بر ایشان یاری کننده و کمک دهنده می باشند، دین آنان را پیروی می کنند، به راهنمایی آنها راه می یابند، با ایشان موافقت دارند و به آنچه آنها رساندند، تهمت نمی زنند.

(۱۳) خداوندا از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین و زنان و فرزندانشان و بر هر کسی از آنها که فرمان تو را برده، درود فرست.

(۱۴) درودی که به سبب آن ایشان را از معصیت نگه داری و در باغ های بهشتت بر ایشان وسعت دهی، و آنان را از حیله شیطان بازداری، و بر خواسته های نیک آنان، کمک رسانی و آنها را از حوادث شب و روز -مگر خیری که پیش آید- حفظ نمایی.

(۱۵) درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به تو و طمع در آنچه نزد تو است و ترک تهمت در آنچه که در دست بندگان است، برانگیزی.

(۱۶) بدین جهت که آنان را به درخواست سوی خود و ترس از خویش بازگردانی و در گشادگی دنیا آنان را بی میل نمایی، و عمل برای آخرت و آمادگی برای بعد از مرگ را در نظرشان محبوب کنی

(۱۷) و در آن روز که جان ها از تن بیرون رود، هر اندوهی را بر ایشان آسان گردانی.

(۱۸) و ایشان را از آنچه که به وجود آورنده آزمایش هایی از امور ترسناک و سختی آتش و همیشه ماندن در آتش است، عافیت بخشی.

(۱۹) و آنها را به جایگاهی آسوده که استراحتگاه پرهیزکاران است روانه کنی.

دعای ۰۵- از دعاهای امام علیه السلام است برای خود و دوستانش

(۱) ای کسی که شگفتی های بزرگی

او پایانی ندارد، بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از کج روی در عظمت خود بازدار.

(۲) و ای کسی که زمان پادشاهی او به پایان نمی رسد، بر محمّد و خاندانش درود فرست و گردن های ما را از عذابت آزاد کن.

(۳) و ای کسی که گنج های رحمت او نابود نمی شود بر محمّد و خاندانش درود فرست و از رحمت خود برای ما بهره ای قرار ده.

(۴) و ای کسی که چشم ها از دیدن او ناتوان است بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به قرب خود نزدیک فرما.

(۵) و ای کسی که در نزد قدر و منزلت او، قدر و منزلت ها کوچک می شود بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را نزد خود گرامی دار.

(۶) و ای کسی که اخبار پنهانی نزد او آشکار است بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را پیش خود رسوا نکن.

(۷) خداوندا ما را با عطای خود، از بخشش بخشندگان بی نیاز کن و با پیوستن به خود، ما را از وحشتِ دوری کنندگان، نگهدار. تا با بخشش تو از دیگران درخواست نکنیم و با احسانت از کسی نهراسیم.

(۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به سود ما نه به زیان ما تدبیر کن و برای (نفع) ما مکر فرما و بر (ضرر) ما مکر نکن و چیرگی را برای (نفع) ما قرار ده و بر ضرر ما قرار نده.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از (عذاب) خود حفظ کن و به وسیله خود نگهدارمان باش و ما را به سوی خود هدایت فرما و ما را از

خود دور نکن. زیرا هر کس را که حفظ کنی، سالم می مانـد و هر کس را که هـدایت کنی، دانا می شود و هر کس را که به خود نزدیک سازی، سود می برد.

(۱۰) خداونـدا بر محمّـد و خاندانش درود فرست و ما را از سـختی حوادث روزگار و شـرّ دام های شـیطان و تلخی قهر و غلبه پادشاه نگهدار.

(۱۱) خداونـدا به درستی که بی نیازان به فزونی نیروی تو بی نیاز می شونـد پس بر محمّـد و خاندانش درود فرست و ما را بی نیاز گردان. و به درستی که بخشـندگان از زیادی عطای تو می بخشند پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به ما عطا فرما. و به درستی که ره یافتگان به وسیله نور ذات تو راه می یابند پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را هدایت فرما.

(۱۲) خداونـدا هر کس را که تو یاری نمودی خواری خوار کننـدگان به او زیان نرسانـد و هر که را تو عطا فرمودی جلوگیری کردن منع کنندگان از او نکاست و هر که را تو راهنمایی نمودی گمراهی گمراه کنندگان او را گمراه نکرد.

(۱۳) پس بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و به عزّت خود مـا را از بنـدگانت حفظ کن و به یاری خود ما را از غیر خود بی نیاز گردان و به راهنمایی خود ما را به راه حق رهسپار ساز.

(۱۴) خداونـدا بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و سـلامتی دل هـای مـا را در یـاد بزرگی خود و آسـایش تن ها یمان را در سپاس گزاری نعمت خود و خوش سخنی ها یمان را در بیان نعمت بزرگ خود قرار ده.

(۱۵) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما

را از داعیـان دعوت کننـده به سوی خود و از هادیان راهنمایی کننـده به راه خود و از برگزیـدگان مخصوص خود قرار ده. ای مهربان ترین مهربانان.

دعای ۰۶– از دعاهای امام علیه السلام است هنگام بامداد و شامگاه

(۱) سپاس خدای را که شب و روز را به توانایی خود آفرید.

(۲) و به قدرت خویش بین آن دو فرق گذاشت.

(۳) و برای هر یک پایانی معین و زمانی معلوم مقرر فرمود.

(۴) بنا به تقدیرش هر یک از شب و روز را جای یکدیگر قرار می دهد تا برای بندگان روزی داده، آنها را پرورش دهد.

(۵) و شب را برای آنان آفریـد تا از حرکت های خسـته کننـده و جنبش های سـخت بیاساینـد و آن را پوشـش ساخت تا جامه راحتی و خواب را دربر کنند، که خواب برای آنان نشاط و نیروآور است، تا به سبب آن خوشی و کام دل یابند.

(۶) و روز را برای ایشان روشن گر آفریـد تا در آن فضل او را طلب کننـد و جهت دست یابی به روزی، وسـیله جویی کننـد و در زمین به تکاپو افتند، برای رسیدن به سود کنونی از دنیا و یافتن سود آینده در آخرت.

(۷) بدین گونه حالِ ایشان را اصلاح می نماید، و اخبار آنها را می آزماید، و می نگرد آنها در اوقات طاعت و جاهای واجبات و موارد احکامش چگونه اند. تا بدکاران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد و نیکوکاران را پاداش نیکو عنایت کند.

(۸) خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی و با آن ما را از روشنی روز بهره مند گرداندی، و ما را از جایی که بتوان روزی به دست آورد بینا نمودی، و در آن ما را از پیشامدها و

بلاها نگهداشتی.

(۹) صبح کردیم و صبح کردنـد همه چیز از آسـمان و زمینش، و آنچه در این دو پراکنـده ساختی، از آرام و جنبنده، ثابت و رونده و آنچه در هوا بالا رفته و آنچه در زیر زمین پنهان است و همه از آنِ تو هستیم.

(۱۰) ما در تحت قدرت تو صبح کردیم. سلطه و فرمانروایی توست که ما را فرامی گیرد و اراده توست که ما را جمع می کند، و از روی فرمان توست که دست به کاری می زنیم و به تدبیر توست که در کارها تصرّف می کنیم.

(۱۱) برای ما از اراده و خواسته، چیزی جز آنچه تو حکم کردی و از خیر، چیزی جز آنچه تو بخشیدی نیست.

(۱۲) و این روزی نو و تـازه و گواهی حاضـر بر ماست. اگر نیکی کردیم، با سپاس ما را بـدرود گویـد و اگر بـدی کردیم، با نکوهش از ما جدا شود.

(۱۳) خداونـدا بر محمّد و خاندانش درود فرست و نیکیِ همدم بودن با آن روز را نصـیب ما گردان و از بدیِ جدایی از آن بر اثر انجام گناهی یا مرتکب شدن گناه صغیره یا کبیره، حفظمان کن.

(۱۴) و در آن روز خوبی هـا را برای ما بسـیار گردان و ما را در آن از بـدی ها تهی ساز و دو طرف آن را برای ما از سپاس و ستایش و پاداش و ذخیره و فزونی و نیکی پر ساز.

(۱۵) خداوندا زحمت ما را بر نویسندگان (فرشتگان) گرامی آسان ساز، و نامه های اعمال ما را از نیکی هایمان پر کن، و ما را نزد آنها به سبب زشتی رفتارمان رسوا نگردان.

(۱۶) خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این

روز، بهره ای از بندگانت و سهمی از سپاس گزاری ات و گواه صادقی از فرشتگانت قرار ده.

(۱۷) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از پیش رویمان و از پشت سرمان و از طرف راستمان و از سمت چپمان و از همه اطرافمان نگهداری کن، نگهداری ای که ما را از نافرمانی تو بازدارد و به فرمانبرداریت راهنمایی کند و در جهت دوستی تو به کار برد.

(۱۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و ترک بدی و سپاس نعمت ها و پیروی از سنّت ها و ترک بدعت ها و امر به معروف و نهی از منکر و حفظ اسلام و نکوهش کردن و خوار نمودن نادرستی ها و یاری دادن و تقویت حق و راهنمایی گمراهان و کمک کردن ناتوان و یاری دادن ستم دیده، توفیق ده.

(۱۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. و آن را مبارک ترین روزی که با آن برخورد کرده ایم و برترین همراهی که با آن همراه شده ایم و بهترین زمانی که در آن به سر برده ایم قرار ده.

(۲۰) و ما را از خوشنود ترین آفریدگانت که شب و روز بر آنها گذشته، و شکرگزارترین آنان بر نعمتی که ارزانی داشته ای و پایدار ترین آنها به آئینی که مقدر نموده ای و خوددار ترین ایشان از حرام هایی که از آن بیم داده ای قرار ده.

(۲۱) خداوندا من تو را گواه می گیرم و گواهی تو کافی است و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگانت را در این روز و این ساعت و

این شب و این جایگاه شاهد می گیرم که من شهادت می دهم تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، برپا دارنده عدلی، دادگر در حکمی، با بندگان بسیار مهربانی، صاحب هر ملکی و رحم کننده بر آفریدگانی.

(۲۲) و گواهی می دهم همانا محمّد بنده تو و فرستاده ات و برگزیده تو از بین آفریدگانت است، رسالت خود را بر او دادی، پس آن را انجام داد. و او را به نصیحت کردن امّتش دستور دادی، پس آنها را نصیحت کرد.

(۲۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست بیش از آنچه بر کسی از آفریدگانت فرستادی، و از جانب ما برترین چیزی را که به یکی از بندگانت عطا نمودی، به او عطا کن و از طرف ما بهترین و گرامی ترین پاداشی را که به پیامبرانت از جانب امّتش دادی، به او پاداش ده.

(۲۴) به درستی که تو بسیار بخشنده نعمتِ بزرگ و آمرزنده برای (گناه) بزرگ هستی و تویی مهربان تر از هر مهربان. پس بر محمّد و خاندانش که پاک، پاکیزه، نیکوکار و شریف ترین اند، درود فرست.

دعای ۰۷– از دعاهای امام علیه السلام است آنگاه که کارِ دشواری به او روآوَرْد یا مصیبتی برایش رخ داد و هنگام اندوه

(۱) ای کسی که گره های سختی ها به واسطه او باز می شود، و ای کسی که شدّت دشواری ها با او آرام می گردد و ای کسی که رهایی و رفتن به سوی آسایشی فراخ، از او درخواست می شود.

(۲) سختی ها به توانایی تو آسان شد و به لطف تو وسیله ها فراهم گردید و تقدیر به قدرت تو اجرا شد و اشیاء بر وفق اراده تو تحقق یافته اند.

(۳) پس آن اشیا به خواست تو بدون سخنت فرمانبردارند و به اراده تو بدون نهیت بازداشته شده اند.

(۴) تویی خوانده شده برای دشواری ها و تویی فریادرس در سختی ها، از

آنها جز آنچه تو دور کنی، دور نمی گردد و از آنها جز آنچه تو برطرف کنی، برطرف نمی شود.

(۵) ای پروردگار من، بر من چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است و به من امری وارد شده که تحمّل آن مرا به مشقّت انداخته.

(۶) و تو به قدرتت آن را بر من وارد نمودی و به سلطه خویش آن را بر من فرستادی.

(۷) پس برای آنچه به من رساندی، باز گرداننده ای و برای آنچه بر من فرستادی، دور کننده ای و برای آنچه بستی، گشاینده ای و برای آنچه گشودی، بستنده ای و برای آنچه دشوار کردی، آسان کننده ای و برای آنکه خوار نمودی، یاری دهنده ای نیست.

(۸) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ای پروردگار من به فضل خود درِ آسایش را به رویم بگشای و به توانایی ات سلطه غم و اندوه را بر من بشکن و در آنچه شکوه دارم به من احسان داشته باش و شیرینی احسانت را در آنچه درخواست نمودم به من بچشان و از جانب خویش رحمت و گشایشِ گوارا به من ببخش، و نزد خود زود رها شدن را برای من مقرر کن.

(۹) و مرا به سبب غم و اندوه از رعایت واجبات و انجام سنّت خود باز مدار.

(۱۰) ای پروردگار من، طاقت آنچه بر من رسیده را ندارم و از آنچه برایم رخ داده از غم و اندوه پر گشته ام و تو بر دفع آنچه به آن گرفتار شده ام و برطرف کردن آنچه در آن افتاده ام توانایی. پس آن را برای من انجام ده. اگر چه از جانب تو شایسته آن نیستم، ای صاحب عرش و تخت

بزرگ.

دعای ۰۸– از دعاهای امام علیه السلام است در پناه بردن (به خدا) از سختی ها و اخلاق بد و کردارهای ناپسند

(۱) خداوندا به تو پناه می برم از برانگیخته شدن حرص و شدّت خشم و چیرگی حسد و سستی شکیبایی و کاستی قناعت و بد خلقی و زیاده روی شهوت و غلبه عصبیّت

(۲) و پیروی هوا و هوس و مخالفت رستگاری و خواب غفلت و انجام دادن کارِ با مشقّت و برتری دادن باطل بر حق و پافشاری بر گناه و کوچک شمردن نافرمانی و بزرگ شمردن طاعت و بندگی

(۳) و فخرفروشی ثروتمندان و تحقیر کردن تهی دستان و بدرفتاری با زیردستان و ناسپاسی از کسی که به ما نیکی کرده

(۴) یا اینکه ستمگری را کمک کنیم یا آنکه ستم دیده ای را خوار گردانیم یا آنچه حقّ ما نیست بخواهیم یا بدون داشتن آگاهی سخن بگوییم.

(۵) و پناه می بریم به تو از اینکه قصد خیانت به کسی داشته باشیم و در کارهایمان خودپسند باشیم و آرزوهایمان را دراز کنیم.

(۶) و پناه می بریم به تو از نیّت بد و ناچیز شمردن گناه کوچک و اینکه شیطان بر ما دست یابد یا زمانه ما را دچار سختی نماید یا پادشاه به ما ستم کند.

(۷) و پناه می بریم به تو از انجام اسراف و از نیافتن روزی کافی.

(۸) و پناه می بریم به تو از سرزنش دشمنان و از نیازمندی به هم نوعان و از زندگی در سختی و از مرگ ناگهانی.

(۹) و پناه می بریم به تو از حسرت بزرگ و بزرگ ترین مصیبت و بدترین تیره بختی و بدی سرنوشت و بی بهرگی از پاداش و فرود آمدن کیفر.

(۱۰) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا و همه مردان و زنان با ایمان را به رحمتت از آنچه گفته شد

پناه ده. ای مهربان ترین مهربانان.

دعای ۰۹– از دعاهای امام علیه السلام است در اشتیاق به طلب آمرزش از خدای بزرگِ با عزّت

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به سوی توبه پسندیده خود ببر و ما را از اصرار بر آنچه ناپسند توست، دور بدار.

(۲) خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا. پس زیان را در آن که زودگذر است و بازگشت را در آنکه دوامش طولانی است قرار ده.

(۳) و چون بر دو کار تصمیم گرفتیم، یکی تو را از ما خوشنود می سازد و دیگری تو را بر ما به خشم می آورد، پس ما را به آن کار که تو را از ما خوشنود می سازد برگردان و توانمان را از کاری که تو را بر ما خشمگین می سازد سست کن.

(۴) و در آنگاه، نفوس ما را به اختیار خود وا مگذار، چون آن باطل را برمی گزیند مگر تو توفیق دهی، و به بدی امر می کند مگر تو رحم کنی.

(۵) خداوندا و تو ما را از ناتوانی آفریده ای و بر سستی بنا نهاده ای و از آب ناچیز آغازمان نموده ای. پس جنبشی برای ما جز به قدرت تو و نیرویی برای ما جز به یاری تو نیست.

(۶) پس ما را به توفیق خود توانایی ده و به راه راست خود ثابت قدم گردان و چشم دل ما را از آنچه برخلاف دوستی توست کور گردان و اعضای ما را در نافرمانی ات نفوذناپذیر کن.

(۷) خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و رازهای دل هایمان و جنبش های اعضای مان و نگاه های زیرچشمی دیدگان مان و سخنان زبان هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار نیکی که به سبب آن سزاوار

پاداش تو شویم از دستمان نرود، و کار بدی که به وسیله آن مستوجب عذاب تو شویم برای ما نماند.

دعای ۱۰– از دعاهای امام علیه السلام است در پناه بردن به خداوند متعال

(۱) خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست و اگر بخواهی ما را عذاب کنی، از عدالت توست.

(۲) پس به منّت خود، بخشایشت را بر ما آسان گردان و به گذشت خود، ما را از عذابت ایمن ساز. زیرا ما طاقت عدالت تو را نداریم و بدون بخشایش تو، هیچ یک از ما نجات نمی یابیم.

(۳) ای بی نیازترین بی نیازان، اینک ما بندگانت در پیشگاه توایم و من نیازمندترین نیازمندان به توام، پس نیاز ما را به توانگری خود برطرف کن و به منع خویش، ما را ناامید مکن. وگرنه کسی که از تو نیکبختی خواسته، بدبخت کرده ای و آنکه از احسانت بخشش خواسته، محروم نموده ای.

(۴) پس در این هنگام از جانب تو به چه کسی رو آوریم؟ و از درِ خانه تو به کجا رویم؟ پاک و منزّهی تو! ما در ماندگانیم که اجابت آنها را واجب گردانده ای و ما گرفتارانیم که رفع گرفتاری آنها را وعده داده ای.

(۵) و شبیه ترین چیزها به اراده ات و سزاوارترین کارها به بزرگواری ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت خواسته و کمک به کسی است که از تو کمکی طلبیده. پس به زاری ما به درگاهت رحم کن و چون خویش را در پیشگاه تو افکنده ایم، بی نیازمان گردان.

(۶) خداوندا چون بر نافرمانی از تو، شیطان را همراهی نمودیم، او ما را شماتت کرد. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پس از آنکه به خاطر تو از او دوری کردیم و به درگاه تو روی

آوردیم، اندوهی به ما نرسان که او را شاد گرداند.

دعای ۱۱- از دعاهای امام علیه السلام است در عاقبت به خیری

(۱) ای که یاد او برای یاد کنندگان بزرگی است و ای که سپاس او برای سپاس گزاران پیروزی است و ای که اطاعت او برای فرمانبران رهایی است، بر محمّد و خاندانش درود فرست و دل های ما را به یاد خود از هر یادی و زبان های ما را به سپاس خود از هر سپاسی و اعضای ما را به اطاعت خود از هر اطاعتی مشغول ساز.

(۲) و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد و خستگی ای به ما نرسد. تا نویسندگان بدی ها با نامه ای خالی از کردار زشت از نزد ما بازگردند و نویسندگان خوبی ها -به سبب آنچه از نیکی های ما نوشته اند- شادمان برگردند.

(۳) و آن هنگام که روزهای زندگانی ما به سر رسید و اوقات عمرمان سپری شد و ما را دعوت تو -که چاره ای جز پذیرفتن آن نیست- فراخواند، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پایان آنچه نویسندگان کارهایمان برای ما می شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده که ما را پس از آن بر گناه و نافرمانی انجام شده توبیخ نکنی.

(۴) و در برابر گواهان، پرده ای که با آن ما را پوشانده ای کنار نزن، روزی که اخبار بندگانت را آشکار می کنی.

(۵) به درستی که تو مهربانی به هر که تو را خوانَد و اجابت کننده ای برای هر که تو را صدا زند.

دعای ۱۲- از دعاهای امام علیه السلام است در اقرار به گناه و درخواست بازگشت به سوی خدای تعالی

(۱) خداوندا سه خصلت مرا از درخواست از تو بازمی دارد و یک خصلت مرا بر آن می راند.

(۲) بازمی دارد مرا، امری که به آن فرمان دادی و من در انجام آن کندی کردم،

و کاری که مرا از آن باز داشتی و من به سوی آن شتافتم و نعمتی که به من بخشیدی و من در شکرگزاری آن کوتاهی کردم.

(۳) و وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضّل تو به آنکه رو به تو آورَد و با گمان نیک به سوی تو آید. چون همه نیکی های تو از روی تفضّل است و همه نعمت های تو ابتدا است.

(۴) پس ای خدای من، به درگاه عزّت تو همچون فرمانبری خوار، ایستاده ام. و با وجود شرمندگی ام همانند تهی دستی عیالمند از تو درخواست دارم.

(۵) اقرار می کنم به اینکه هنگام احسانت، جز با خودداری از معصیت تو، فرمان نبرده ام و در همه حال از احسان تو بی بهره نبوده ام.

(۶) ای خدای من آیا نزد تو اقرار به بدی ای که انجام داده ام، مرا سود می دهد؟ و آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه مرتکب شده ام، مرا رها می نماید؟ یا در جایگاهم خشم خود را بر من قرار داده ای؟ یا هنگامی که تو را می خوانم، دشمنی ات مرا لازم گشته است؟

(۷) پاک و منزّهی تو، از تو که درِ توبه را به رویم گشوده ای، ناامید نمی شوم. بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده و حرمت پروردگارش را سبک شمرده سخن می گویم.

(۸) آن که گناهانش بزرگ و رو به فزونی است و روزگارش (به او) پشت کرده و سپری شده، تا اینکه می بیند زمان عمل گذشته و مدّت عمر به پایان رسیده و باور کرده که پناهگاه و گریزگاهی از تو برایش نیست. با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند. پس با دلی پاک و پاکیزه به سوی تو

برخاسته و با صدای آهسته پنهانی تو را می خواند.

(۹) با حال فروتنی برای تو خم شـده و سـرش را کـج و به زیر افکنـده، و ترس پاهایش را به لرزه انـداخته و دو گونه اش غرق اشک شـده، تو را صـدا می زند: ای مهربان ترین مهربانان و ای بخشـنده ای که رحمت خواهان پی درپی نزد او می آیند و ای مهربانی که آمرزش خواهان گرد او می گردنـد و ای آنکه بخشایش او از کیفرش بیشتر است و ای کسـی که خوشـنودی او از خشمش افزون تر می باشد.

(۱۰) و ای آنکه با گذشت نیک، آفریدگانش را به سپاس خود واداشته و ای آنکه بندگانش را به قبول پشیمانی عادت داده و ای آنکه فاسـد ایشـان را با توبهْ اصـلاح کرده و ای آنکه از کردار انـدک ایشان، خرسـند شـده و ای آنکه کمِ ایشان را پاداش فراوان داده و ای آنکه روا شدن خواسته ها را برای ایشان ضـمانت کرده و ای آنکه ایشان را به فضل خود، پاداش نیک وعده داده است.

(۱۱) من گناهکارتر از آنکه نافرمانی تو کرده و تو او را آمرزیـده ای، نبوده ام. و نکوهیده تر از عذر آورنده به پیشگاهت که تو عذرش را پذیرفته ای، نیستم. و ستمکارتر از توبه کننده به درگاهت که تو به او نیکی نموده ای، نمی باشم.

(۱۲) در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو باز می گردم، بازگشت کسی که از آنچه از او سر زده، پشیمان است. و از آنچه بر او گرد آمده، ترسان. و از آنچه در آن افتاده، سخت شرمنده است.

(۱۳) می داند که بخشایش گناه بزرگ، بر تو بزرگ نیست و درگذشتن از معصیت بسیار، بر تو دشوار نیست و چشم پوشی از

جرم های بسیار زشت بر تو سخت نمی باشد، و محبوب ترین بندگانت نزد تو کسی است که بر تو گردنکشی نکند و پافشاری (بر گناه) را ترک کند و پیوسته آمرزش خواهد.

(۱۴) و من از گردنکشی بر تو سخت بیزارم و از اصرار (بر گناه) به تو پناه می برم. و برای آنچه کوتاهی کردم، از تو آمرزش می خواهم، و برای هر آنچه از انجامش ناتوانم، از تو یاری می طلبم.

(۱۵) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آنچه از تو بر من واجب است، به من ببخش. و مرا از آنچه از جانب تو سزاوارش هستم رها کن و از آنچه بدکاران وحشت دارند پناهم ده، که تو بر بخشایش نمودن توانایی، و برای آمرزش، امیدواری به توست و به گذشت مشهوری. برای حاجتم جز از تو درخواستی نیست و برای گناهم غیر از تو آمرزنده ای ندارم. تو از عیوب منزّه و دوری.

(۱۶) و من بر خود جز از تو نمی ترسم. زیرا تو سزاواری که از تو پروا کنند و سزاواری که بیامرزی، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و حاجتم را روا کن و در خواستم را برآور، و گناهم را بیامرز و ترسم را ایمنی ده. زیرا تو به هر چیز توانایی و آنچه خواستم بر تو آسان است. بپذیر، پروردگار جهانیان.

دعای ۱۳- از دعاهای امام علیه السلام است در طلب حاجت ها از خداوند بلندمرتبه.

(۱) خداوندا ای نهایت درخواستِ نیازها.

(۲) و ای آنکه رسیدن به خواسته ها نزد اوست.

(۳) و ای که نعمت هایش را به بها نمی فروشد.

(۴) و ای آنکه با منّت گذاشتن، بخشش هایش را تیره نمی سازد.

(۵) و ای که به او بی نیاز می گردند و از او بی نیاز نمی شوند.

(۶) و ای که به او رو می آورند

و از او روگردان نمی شوند.

(۷) و ای آنکه درخواست ها، گنجینه های او را فانی نمی سازد.

(۸) و ای آنکه ابزارها، حکمتش را دگرگون نمی کند.

(۹) و ای آنکه درخواست های نیازمندان از او قطع نمی گردد.

(۱۰) و ای آنکه دعای نیایشگران او را خسته نمی کند.

(۱۱) خود را به بی نیازی از آفریدگانت ستوده ای و خود شایسته بی نیازی از آنهایی.

(۱۲) و آنها را به تنگدستی نسبت داده ای و ایشان سزاوارند که به تو نیازمند باشند.

(۱۳) پس هر که دفع فقرش را از تو جوید، و برطرف کردن احتیاجش را به وسیله تو بخواهد، بی گمان نیازمندی اش را در جایگاه بایسته طلب کرده و از راهش به مراد خود رسیده.

(۱۴) و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده و نیافتن احسان تو را سزاوار گشته.

(۱۵) خداوندا به سوی تو حاجتی دارم که توان انجامش را ندارم و چاره جویی های زیرکانه ام در برابر آن گسسته و نفس من رفع آن را از کسی که حاجت هایش را از تو طلب کرده و در خواسته هایش از تو بی نیاز نیست، برایم می آراید. و این لغزشی از لغزش های خطاکاران و افتادنی از افتادن های گناهکاران است.

(۱۶) با یادآوری تو، از غفلتم آگاه شدم و با توفیق تو از لغزیدنم برخاستم و با راهنمایی تو برگشته و از لغزشم دست برداشتم.

(۱۷) و گفتم: منزّه است پروردگارم چگونه نیازمند از نیازمند درخواست کند؟ و کجا تهی دست به تهی دست روآورد؟

(۱۸) پس ای خدای من از روی میل آهنگ تو کرده و با اعتماد به تو امیدم را به سوی تو فرستادم.

(۱۹)

و دانستم هر چه از تو زیاد درخواست کنم نزد (دارایی) تو اندک است و هر چه از تو خواهش های بزرگ نمایم در برابر وسعتِ رحمت تو کوچک است و بخشش تو از درخواست کسی تنگ نمی گردد و دستِ عطای تو از هر دستی بالاتر است.

(۲۰) خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به فضل خویش با من به احسان رفتار نما و با دادگری ات بر آنچه سزاوارم رفتار نکن. پس من اوّلین رو آورنده نیستم که به تو رو آورده و به او بخشش کردی، با اینکه سزاوار منع است. و نه نخستین سؤال کننده که از تو درخواست کرده و به او تفضّل نمودی، با اینکه سزاوار بی بهرگی است.

(۲۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و در خواستم را اجابت کن و به آوازم نزدیک شو و به زاریم ترحم فرما و صدایم را شنوا باش.

(۲۲) و از خود ناامیدم نکن و رشته ارتباط مرا از خود قطع نگردان و در این حاجت و دیگر حاجتها، مرا به غیر خود وانگذار.

(۲۳) و به برآورده گشتن خواسته ام و روا شدن حاجتم، و یافتن خواسته ام، قبل از رفتنم از این مکان، با آسان کردن سختی و نیکی تقدیرت برای من، در تمامی امور یاری ام فرما.

(۲۴) و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی پیوسته و فزاینده که روزگار آن سپری نشود و مدّتش به پایان نرسد و آن را کمکی برای من و وسیله روا شدن حاجتم قرار ده. همانا تو دارای رحمت وسیع و بخشش بسیار هستی.

(۲۵) ای پروردگار من و از جمله خواسته ام چنین و چنان است (و حاجت خود

را نام می بری. پس سجده می کنی و در سجده ات می گویی:) فضل تو مرا آرام نمود و احسان تو مرا راهنمایی کرد، پس از تو می خواهم به حقّ خودت و به حقّ محمّد و خاندانش -که درودهای تو بر ایشان باد- مرا ناامید بر نگردانی.

دعای ۱۴- و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که به او ستم می شد یا از ستمگران آنچه دوست نمی داشت می دید

(۱) ای کسی که خبرهای دادخواهان بر او پنهان نیست.

(۲) و ای کسی که در سرگذشت های ایشان از گواهی شهادت دهندگان بی نیاز است.

(۳) و ای کسی که یاری او به ستم دیدگان نزدیک است.

(۴) و ای کسی که مددش از ستمگران دور است.

(۵) ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای و از من حرمت هایی شکسته که تو ممنوع کرده ای و این از سرکشی او در نعمت توست و بی باکی او از کیفر تو می باشد.

(۶) خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ستم کننده به من و دشمنم را با نیروی خود از ستم کردن به من بازدار. و با توانایی خود برّندگی اش را از من بردار. و او را به آنچه در خورش است مشغول دار. و او را در برابر آنکه با او دشمنی می کند ناتوان ساز.

(۷) خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست و ستم کردن او را بر من آسان نگردان و مرا در مخالفت با او به خوبی یاری فرما و مرا از انجام مانند کارهای او بازدار و در مانند حال او قرار نده.

(۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودنِ آماده ای که خشم من با آن بهبودی یابد و کینه ام را

بر او کامل نماید.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و در عوض ستمی که او به من نمود، مرا ببخش و به جای بد رفتاری اش، رحمتت را به من عطا کن. (زیرا) هر ناپسندی در مقابل خشم تو اندک و هر گرفتاری ای با غضب تو هموار شدنی است.

(۱۰) خداوند همچنان که ستم کشیدن را در نظرم ناپسند نمودی، مرا از ستم نمودن حفظ کن.

(۱۱) خداوندا به کسی جز تو شکوه نمی کنم و از حکم کننده ای جز تو یاری نمی جویم، پاک و منزّهی پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و درخواست مرا به روا شدن متّصل گردان و داد خواهیم را با دگرگونی پیوند ده.

(۱۲) خداوندا مرا به ناامیدی از عدلت و او را به ایمنی از کیفرت آزمایش نکن، تا به ستم نمودن بر من پافشاری کرده بر حقّم دست یابد. و آنچه ستمگران را به آن تهدید نمودی، بر او بنما. و اجابتی که بیچارگان را وعده داده ای، به من بشناسان.

(۱۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا توفیق ده تا آنچه بر سود و زیانم مقدّر نمودی، پذیرا باشم و مرا به آنچه برای من و از من گرفتی، خوشنود گردان. و مرا به راست ترین راه، راهنمایی کن و به آنچه سالم تر است، بگمارم.

(۱۴) خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حقّم و به کیفر نرسیدن ستمگرم تا روز رستاخیر و محل جمع شدن دشمنان می باشد، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.

(۱۵) و از خواهش بد و آز حریصان پناهم ده، و نمونه پاداشی

را که برایم ذخیره نمودی و مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار و آن را وسیله راضی شدنم به آنچه مقدّر نمودی و اعتمادم به آنچه انتخاب کرده ای قرار ده.

(۱۶) بپذیر، پروردگار جهانیان. همانا تویی صاحب فضل بزرگ و تو بر هر چیز توانایی.

دعای ۱۵– و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که بیمار شد یا دچار اندوه یا گرفتاری گردید

(۱) خداوندا ترا سپاس بر تندرستی تنم که همواره از آن برخوردار هستم. و تو را سپاس بر بیماری ای که در جسمم پدید آوردی.

(۲) ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ و کدامین یک از دو وقت، برای ستایش تو شایسته تر می باشد؟

(۳) آیا وقت تندرستی که در آن روزی های پاکیزه ات را بر من گوارا نمودی و مرا به وسیله آن برای درخواستِ خوشنودی و احسانت شادی بخشیدی و با آن بر طاعت خود توفیقم داده، توانایم گرداندی؟

(۴) یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی و نعمت هایی را به من هدیه نمودی تا خطاهایی را که پشت مرا سنگین کرده سبک نماید، و از بدی هایی که در آن فرورفته ام پاکم سازد و برای فراگرفتن توبه آگاهی و برای از بین بردن گناه به وسیله نعمت پیشین یادآوری باشد؟

(۵) و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که نه دلی در آن اندیشیده و نه زبانی به آن گویا گشته و نه اندامی آن را با مشقّت انجام داده. بلکه فضل و احسان توست که بر من است.

(۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آنچه برایم پسندیده ای را محبوب من گردان و آنچه بر من وارد نموده ای، برایم آسان کن

و مرا از پلیدی آنچه پیش فرستاده ام، پاک نما. و از من زشتی آنچه پیش فرستاده ام را بزدای و مرا از شیرینی تندرستی کامیاب فرما و گوارایی سلامتی را به من بچشان و بیرون شدنم از بیماری را به عفو و گذشت، و بازگشت از به زمین افتادنم را به گذشت خود، و رهایی از گرفتاریم را به بخشایشت، و تندرستی ام از این سختی را به گشایشت قرار ده.

(۷) همانا تویی که بدون سبب به نیکی رفتار می کنی و بدون استحقاق نعمت بزرگ می بخشی و تویی بسیار بخشنده که عطایت تمام نمی شود و تویی دارای بزرگواری و احترام.

دعای ۱۶– و از دعای امام علیه السلام بود هنگامی که از گناهان عفو و گذشت طلبید یا در درخواست بخشایش از ناپسندی ها زاری نمود.

(۱) خداوندا ای کسی که گناهکاران به رحمت او فریادرسی می جویند.

(۲) و ای کسی که بیچارگان به یاد نیکی اش پناه می برند.

(۳) و ای کسی که خطاکاران از ترس او سخت می گریند.

(۴) ای آرامِ دل هر وحشت زده دور از وطن، و ای گشایش دهنده هر دلتنگ اندوهگین، و ای فریادرس هر خوار شده تنها، و ای یاور هر نیازمند رانده شده.

(۵) تویی آنکه با رحمت و دانش، همه چیز را دربر گرفته ای.

(۶) و تو آنی که برای هر آفریده ای در نعمت هایت بهره ای مقرر داشته ای.

(۷) و تویی آنکه بخشایش او از کیفرش برتر است.

(۸) و تو آنی که رحمتش بر غضبش پیشی می گیرد.

(۹) و تویی آنکه عطا و بخشش او بیش از محروم نمودنش است.

(۱۰) و تویی آنکه همه آفریدگان در گستره قدرتش گنجیده اند.

(۱۱) و تویی آنکه به هر که نعمت داد، پاداش نمی خواهد.

(۱۲) و تویی آنکه در کیفر گناهکاران زیاده روی نمی کند.

(۱۳) و من –ای خدای من– بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی. پس گفت:

اطاعت می کنم و گوش به فرمانم. ای پروردگار من اینک منم که در پیش روی تو افتاده ام.

(۱۴) من همانم که خطاها پشتش را سنگین کرده و منم آنکه گناهان عمرش را به فنا داده و منم آن کسی که از روی نادانی تو را نافرمانی کرده و تو شایسته نافرمانی او نبودی.

(۱۵) ای خدای من آیا تو بر کسی که تو را بخواند رحم کننده ای تا من هر چه بیشتر در دعا بکوشم؟ یا گریه کننده ات را می آمرزی تا من در گریستن شتاب نمایم؟ یا از آنکه به خواری برای تو روی خود را به خاک مالید، در می گذری؟ یا هر کس را که از تهی دستی اش با توکّل، به سوی تو شکایت کرد، بی نیاز می سازی؟

(۱۶) خدای من کسی را که جز تو بخشنده ای نمی یابد ناامید نکن، و کسی را که از غیر تو بی نیاز نمی گردد، خوار نگردان.

(۱۷) خدای من بر محمّد و خاندانش درود فرست و از من که به تو رو آورده ام روی نگردان. و مرا که از تو درخواست کرده ام محروم نساز. و در حالی که در پیشگاه تو ایستاده ام دست رد بر پیشانی ام نزن.

(۱۸) تویی آنکه خود را به رحمت وصف نموده ای، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من رحم کن. و تویی آنکه خود را بخشاینده نام نهادی، پس از من درگذر.

(۱۹) ای خدای من، ریزش اشکم را از ترس خود و نگرانی دلم را از بیم خود و ناتوانی اندامم را از هیبت خود می بینی.

(۲۰) همه اینها از روی شرمی است که از بد کرداری خود دارم. و از همین جهت است که صدای زاریم به

درگاه تو گرفته و زبانم از مناجات با تو بند آمده.

(۲۱) ای خدای من، تو را سپاس. چه بسیار عیب هایی که بر من پوشاندی و رسوایم نکردی. و چه بسیار گناهانی که برای من در پرده داشتی و (به آن) مشهورم ننمودی. و چه بسیار زشتی هایی که به جا آوردم و پرده مرا ندریدی و طوق ناپسندی و زشتی آن را به گردنم نینداختی. و بدی های مرا پیش همسایگانم -که در جستجوی عیب های من می باشند و حسودانِ نعمتِ تو بر منند- آشکار نکردی.

(۲۲) آن همه (عنایت) مرا از شتافتن به سوی بدی -که تو از من می دانی- بازنداشت!

(۲۳) پس ای خدای من چه کسی به رستگاری خود نادان تر از من؟ و چه کسی از بهره خود فراموشکارتر از من؟ و کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد، آنگاه که روزی ات را که برایم رسانده ای، در نافرمانیت در آنچه بازداشته ای صرف می کنم؟ و چه کسی از من در نادرستی فرو رونده تر و بر اعمال زشت بی باک تر، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم با آنکه در شناخت او کور و در شناخت بدی های او فراموشکار نیستم؟

(۲۴) و من در همان هنگام باور دارم که فرجام دعوت تو به سوی بهشت و پایان دعوت او به سوی آتش است.

(۲۵) پاک و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم. و کار پنهانی خویش را می شمارم.

(۲۶) و شگفت تر از آن بردباری تو با من و درنگ تو از زود به کیفر رساندن من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست. بلکه از

بردباری تو بر من و از تفضّل تو بر من است. برای اینکه از نافرمانی -برانگیزنـده خشم تو- دست بردارم و از بـدی های -خوار کننده ام- جدا شوم. و از آن روست که بخشایش من نزد تو محبوب تر از کیفر من است.

(۲۷) بلکه من -ای خدای من- گناهانم بیشتر و نشانه هایم زشت تر و کردار هایم بدتر و در انجام باطل گستاخ تر و بیداری ام هنگام طاعتت سست تر و نسبت به تهدیدهایت کم هشیار تر و نامراقب تر از آنم که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

(۲۸) و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم -که اصلاح کار گناهکاران به آنست- و امیدواری به رحمت تو -که رهایی گردن های خطاکاران است- می باشد.

(۲۹) خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به گذشت خود آن را آزاد کن و این پشت من است که خطاها آن را سنگین کرده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به بخشش آن را سبک گردان.

(۳۰) ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، و چنان شیون کنم تا صدایم قطع شود، و آنقدر در برابر تو بایستم تا پاهایم ورم کند و برای تو رکوع کنم تا استخوان پشتم کَنده شود و برایت سجده نمایم تا سیاهی چشمانم از کاسه بیرون آید، و همه عمرم خاک زمین خورم، و در مدّت زندگی ام آب خاکستر آلود بنوشم، و در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار

بیفتد، سپس از شرمندگی تو، چشم از کرانه های آسمان بر ندارم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

(۳۱) و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، و ببخشایی آنگاه که مستحقّ بخشایش تو گردم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست و از روی شایستگی من لازم نشده. زیرا کیفر من در نخستین گناهی که کردم، آتش بود. پس اگر مرا عذاب کنی ستمکار به من نیستی.

(۳۲) خدای من، اکنون که مرا به پرده (عفو) خود پوشاندی و رسوایم نکردی، و با بخشش با من مدارا نمودی و در کیفرم شتاب نکردی و به فضل خود از من درگذشتی و نعمتت را بر من تغییر ندادی و نیکی ات را به من تیره نساختی، پس بر بسیاری زاریم و شدّت نیازم و بدی جایگاهم رحم کن.

(۳۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از گناهان حفظ کن و به طاعت خود بگمار و نیکی بازگشت از گناه را روزی ام فرما و با توبه پاکم گردان و با نگهداری از گناه تأییدم کن و صلاحم را با تندرستی بخواه و شیرینی آمرزش را به من بچشان و مرا رهاشده گذشتت و آزاد گردیده رحمتت قرار ده و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و هم اکنون (دنیا) پیش از آینده (آخرت)، مرا به آن مژده ده. مژده ای که آن را بشناسم و در آن مرا از نشانه ای آگاه کن که آن را آشکارا بیابم.

(۳۴) بدرستی که این در برابر گستره توانایی ات بر تو دشوار نیست و در برابر قدرتت سخت نمی باشد و در برابر بردباری ات دشوار

نیست و در برابر بخشش های بسیارت که نشانه هایت بر آن دلالت دارد بر تو سنگین نمی باشد. که تو آنچه می خواهی انجام می دهی و آنچه اراده نمایی حکم می کنی. بدرستی که تو بر هر چیزی توانایی.

دعای ۱۷– و از دعای امام علیه السلام بود هنگامی که از شیطان یاد شد و از او و از دشمنی و مکرش به خدا پناه برد

(۱) خداوندا ما از وسوسه های شیطان –رانده شده– و حیله و مکرهای او و اطمینان به آرزوهای او و وعده ها و فریب ها و دام هایش به تو پناه می بریم.

(۲) و از اینکه در گمراه کردن ما از طاعتت و خوار نمودن ما به نافرمانی ات طمع کند. یا آنچه برای ما می آراید، برای ما زیبا جلوه دهد. یا چیزی را که در نظر ما زشت نموده، بر ما سنگین آید.

(۳) خداوندا او را از ما –به سبب عبادت و بندگی ات– دور کن. و با کوشش مستمر ما –در دوستی ات– او را خوار نما. و میان ما و او پرده ای افکن که نتواند آن را چاک زند. و سد استواری که نتواند آن را بشکافد.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و او را به جای ما به برخی دشمنانت سرگرم نما و ما را با نیکیِ نگهداری ات از او نگهدار. و حیله او را از ما دور کن و او را از ما فراری ده. و اثرش را از ما قطع کن.

(۵) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به اندازه گمراهی او، از رستگاری ات بهره مند گردان. و بر ضدّ گمراهی او، ما را از پرهیزکاری توشه ده. و برخلاف راه هلاکت بارش، ما را به راه پرهیزکاری ببَر.

(۶) خداوندا برای او در دل های ما راه ورودی قرار نده. و او را در آنچه نزد ماست، منزل

نده.

(۷) خداوندا و آنچه از باطل برای ما آراسته، به ما بشناسان. و چون شناساندی، ما را از آن نگهدار. و ما را به راه فریب دادنش، آگاه کن. و آنچه برای (دور ساختن) او باید آماده سازیم، به ما الهام فرما. و ما را از خواب غفلت و فراموشی، که به سبب میل و اعتماد به اوست، بیدار گردان. و به توفیق خود ما را بر ضدّ او، نیکو یاری نما.

(۸) خداوندا و دل های ما را از انکار او سیراب ساز و راه باطل نمودن نیرنگ های او را به ما لطف فرما.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و تسلّط او را از ما بردار و امیدش را از ما قطع کن و او را از حریص بودن به ما باز دار.

(۱۰) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و پدران، مادران، فرزندان، خانواده، خویشان، نزدیکان و همسایگان ما از مردان و زنان با ایمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده و پناهگاهی بازدارنده قرار ده و بر اندام آنان زره های بازدارنده از آزار و اذیّت او بپوشان و سلاح های برنده بر ضدّ او به آنان عطا فرما.

(۱۱) خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که به پروردگاری ات گواهی داد، و به یگانگی ات اخلاص ورزید، و به سبب حقیقتِ بندگی تو، با او دشمنی کرد، و در راه شناخت علم های خدایی از تو یاری خواست تا بر ضدّ او اقدام کند را، اجابت فرما.

(۱۲) خداوندا آنچه (شیطان) گره زد، باز کن. و آنچه بست، بگشا. و آنچه اندیشید، باطل کن. و هر تصمیمی گرفت، از اقدامش بازدار.

و آنچه استوار نمود، درهم شکن.

(۱۳) خداوندا و لشکرش را شکست ده. و فریبش را باطل فرما. و پناهگاهش را ویران ساز. و بینی اش را به خاک بمال.

(۱۴) خداوندا ما را در گروه دشمنانش قرار ده و از شمار دوستانش برکنار فرما تا هرگاه ما را به خود مایل ساخت، فرمانش نبریم و هرگاه که ما را فراخواند، پاسخش ندهیم. هر که فرمان ما را پیروی کند، به دشمنی او فرمان دهیم و هر کس نهی ما را پذیرفت، از پیروی او باز داریم.

(۱۵) خداوندا بر محمّد -آخِرِ پیامبران و سرور فرستادگان- و بر خانواده پاک و پاکیزه او درود فرست و ما و خویشاوندان و برادرانمان و همه مردان و زنان با ایمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده. و از آنچه از ترس آن از تو ایمنی طلبیدیم، امانمان ده.

(۱۶) و آنچه خواسته ایم بشنو و آنچه از ذکرش غافل شدیم به ما عطا فرما و آنچه فراموشش کردیم برای ما نگهدار و به وسیله آن ما را در مرتبه های نیکوکاران و جایگاه های اهل ایمان قرار ده. پروردگار جهانیان اجابت فرما.

دعای ۱۸- و از دعای امام علیه السلام بود هنگامی که آنچه از آن می هراسید، از او دور می شد یا خواسته اش زود روا می گشت

(۱) خداوندا بر سرنوشت نیکی که برایم تقدیر کردی و بلایی که از من برگرداندی، تو را سپاس. پس بهره مرا از رحمتت، تندرستی ای که اکنون برای من پیش انداخته ای، قرار مده که به سبب آنچه دوست دارم، بدبخت شوم و دیگری به سبب آنچه دوست ندارم، خوشبخت شود.

(۲) و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از گرفتاری ای که قطع نمی گردد و گناهی که برداشته نمی شود

باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز و آنچه از من پیش انداخته ای، پس انداز.

(۳) زیرا آنچه سرانجامش نابودیست، زیاد نیست و آنچه فرجامش بقاست، کم نیست. و بر محمّد و خاندانش درود فرست.

دعای ۱۹– و از دعای امام علیه السلام بود هنگام درخواست باران پس از خشک سالی

(۱) خداوندا ما را از باران سیراب نما و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابری که برای رویاندن گیاهِ چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران.

(۲) و با به بار آمدن میوه، بر بندگانت احسان نما و با شکفتن شکوفه، سرزمین هایت را زنده گردان و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود –که فراوانی اش همیشگی، جاری شدنش بسیار، سخت، تند و شتابان باشد– آماده ساز.

(۳) که به سبب آن، آنچه را که مرده است، زنده نمایی. و با آن آنچه را که از دست رفته، برگردانی. و به وسیله آن آنچه که آمدنی است، بیرون آوری. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری درهم فشرده، گوارا، خوش، فراگیر، غرّنده. نه ابری پیوسته بارانی و نه ابری جهنده و بی باران.

(۴) خداوندا ما را از بارانی ثمربخش، خرّمی بخش، سرسبز کننده، پهناور، دامنه دار و پُر آب، سیراب گردان تا با آن گیاه رونده را بازگردانی. و به وسیله آن گیاه پژمرده را اصلاح کنی.

(۵) خداوندا ما را با بارانی که از آن تپه ها را جاری گردانی و چاه ها را از آن پر کنی و رودخانه ها را با آن روان سازی و درخت ها را به وسیله آن برویانی و با آن قیمت ها را –در همه شهرهای بزرگ– ارزان کنی و چهارپایان و سایر آفریدگان را به وسیله آن سرِ پا بداری و روزی های پاکیزه

را با آن برایمان کامل گردانی و کشت ها را به وسیله اش برایمان برویانی و پستان حیوان را با آن پر (شیر) سازی و به وسیله آن نیرویی بر نیروی ما بیفزایی، سیراب نما.

(۶) خداوندا سایه آن (ابر) را بر ما گرم و سوزان قرار نده و سردی اش را بر ما شوم و باریدنش را بر ما تیر بلا قرار نده و آبش را بر ما شور و تلخ نگردان.

(۷) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ما را از برکات آسمان ها و زمین روزی عطا فرما. بدرستی که تو بر هر چیز توانایی.

دعای ۲۰- و از دعای امام علیه السلام بود در اخلاق نیک و کردارهای پسندیده

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ایمان مرا به کامل ترین ایمان برسان و یقینم را برترین یقین قرار ده و نیّت مرا به نیک ترین نیّت ها و عملم را به بهترین اعمال منتهی ساز.

(۲) خداوندا به لطف خود نیّت مرا کامل گردان و یقینم را به آنچه نزد توست درست گردان و امور تباهم را به توانایی خود، اصلاح نما.

(۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از آنچه اهتمام به آن مشغولم می سازد کفایت کن. و مرا به کاری که فردا از آن بازپرسی می نمایی وادار. و سراسر روزهایم را در آنچه مرا برای آن آفریدی صرف نما. و مرا بی نیاز گردان و روزی ات را بر من بگستر و مرا به چشم به راه بودن گرفتار نکن. و مرا گرامی دار و به خود بزرگ بینی گرفتارم نساز. و مرا به عبادت خود وادار ولی بندگی ام را با خودپسندی تباه نگردان. و نیکی کردن به مردم را به دست من جاری ساز ولی آن را

با منّت گذاردن باطل نفرما. و به من بزرگواری های اخلاقی عطا کن و مرا از فخرفروشی حفظ فرما.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و در میان مردم درجه مرا بالا نبر، مگر آنکه به همان مقدار در نظر خودم فرود آوری و عزّتی آشکار برایم پدید نیاور، مگر آنکه به همان اندازه ذلّتی پنهانی در نزد خودم پدید آوری.

(۵) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم و به راه حقّی که از آن به بیراهه نروم و به نیّت درستی که در آن تردید نکنم، بهرمند ساز و تا زمانی که زندگی ام در طاعت تو صرف شود مرا طول عمر ده. پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد -پیش از آنکه دشمنی ات به سوی من شتابد یا خشمت بر من استوار گردد- مرا به سوی خود بازگردان.

(۶) خداوندا مرا در خصلتی عیبناک وانگذار، مگر آنکه اصلاحش نمایی و نه عیبی که بدان سرزنش شوم، مگر آنکه نیکویش گردانی و نه خوی پسندیده ای که در من ناقص باشد، مگر آنکه کاملش فرمایی.

(۷) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و درباره من کینه توزی دشمنان را به محبّت، و حسد متجاوزان را به دوستی و بدگمانی نیکان را به اعتماد، و دشمنی نزدیکان را به دوستی، و بدرفتاری خویشان را به نیکوکاری، و دست از یاری برداشتن کسان را به یاری نمودن، و دوستی (ظاهری) مدارا کنندگان را به دوستی واقعی، و اهانت معاشران را به خوش رفتاری، و تلخی بیم از ستمگران را به شیرینی امنیّت مبدّل فرما.

(۸) خداوندا بر محمّد

و خانـدانش درود فرسـت و برایـم بر آنکـه به من سـتم کرد، دسـتی و بر کسـی که بـا من جـدال کرد، زبـانی و بر آنکه بـا من ناسازگاری نمود، پیروزی ای قرار ده. و مرا بر آنکه به من نیرنگ زند چاره جویی ای، و توانایی ای بر آنکه به من سـتم نمود، و تکـذیبی بر آنکه مرا دشـنام داد، و سـلامتی از آنکه مرا تهدیـد نمود، ببخش. و مرا به اطـاعت از آنکه به راه راست اسـتوارم گرداند و پیروی از کسی که ارشادم کرد، توفیق ده.

(۹) خداونـدا بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و مرا توفیق ده تـا بـا آنکه بـا من نادرستی نموده، از روی خیرخواهی برخورد کنم. و آنکه از من دوری کرده را به نیکی جزا دهم. و به آنکه محرومم نموده، بـا بخشـش پـاداش دهم. و کسـی را که از من جدا شده به پیوسـتن مکافات دهم. و با آنکه از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم. و نیکی (دیگران) را سـپاس گزارم و از بدی (آنها) چشم پوشی کنم.

(۱۰) خداونـدا بر محمّـد و خانـدانش درود فرسـت و مرا بـه زینـت شایسـتگان بیـارا و زیـور پرهیزکـاران را به من بپوشـان. در گستردن عدل و فروبردن خشم و فرونشاندن (آتش) کینه و پیوند دادن پراکندگان و اصـلاح بین مردم و آشکار کردن نیکی و پوشانـدن عیب و نرم خویی و فروتنی و خوش رفتـاری و وقـار و خوش خویی و پیشـی گرفتن به فضـیلت و برگزیـدن احسان و ترک سـرزنش و احسان نکردن به کسـی که شایسته احسان نیست و سخنِ حقّ گفتن، اگر چه سخت باشد و کم شمردن نیکی گفتار و کردارم، اگر

چه بسیار باشد و بسیار شمردن بدی گفتار و کردارم، اگر چه کم باشد و این (اوصاف) را برای من با اطاعت همیشگی و همراهی با جماعت و فرو گذاردن اهل بدعت و هر که به رأی ساختگی خود عمل می کند، کامل گردان.

(۱۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و فراخ ترین روزی ات را بر من، زمانی که پیر شدم و قوی ترین توانایی ات را در من، هنگامی که درمانده شدم قرار ده. و مرا به سستی در عبادتت و به کوری از راهت و پرداختن به کاری خلاف دوستی ات و گرد آمدن با کسی که از تو دوری نموده و جدایی از آنکه به تو پیوسته، گرفتار نساز.

(۱۲) خداوندا مرا چنانم کن که به وقت ضرورت، به (یاری) تو حمله آورم و هنگام نیازمندی از تو درخواست کنم و هنگام تهی دستی، به درگاه تو زاری کنم و مرا به یاری خواستن از دیگران به وقت درماندگی ام و به فروتنی برای درخواست از دیگران به هنگام نیازم و به زاری به درگاه دیگران هنگام ترسم، آزمایش نکن. تا به سبب آن، سزاوار خواری و بی بهرگی و روی گرداندن تو شوم. ای بخشاینده ترین بخشایندگان.

(۱۳) خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو و خیال بافی و رشک، در دل من می افکند، یاد بزرگی ات و اندیشه در قدرتت و تدبیر علیه دشمنت، و به جای آنچه او بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت یا دشنام یا آبروریزی یا گواهی نادرست یا غیبت مؤمن غائب یا ناسزا به شخص حاضر و مانند اینها، سپاس برای خودت و ثنای فراوانت و اقدام به بزرگ دانستنت و شکر نعمتت و اعتراف

به نیکی ات و شمردن بخشش هایت را قرار ده.

(۱۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و (چنان کن که) بر من ستم نشود، در حالی که تو بر دفاع از من توانایی. و بر کسی ستم نکنم، در حالی که تو قادری بازم داری. و گمراه نگردم، در حالی که می توانی هدایتم کنی. و فقیر نگردم، در حالی که دارایی ام از نزد تو می باشد و سرکشی نکنم، در حالی که توانایی ام از نزد توست.

(۱۵) خداوندا به سوی آمرزشت روی آورده ام و به سوی بخشایش تو آهنگ نموده ام و به گذشت تو اشتیاق ورزیده ام و به احسان تو اعتماد کرده ام. در حالی که آنچه موجب آمرزیدن تو گردد، در من نیست و در عملم چیزی که سزاوار عفو تو شوم وجود ندارد و پس از آنکه خود را محکوم کردم، چیزی جز فضل تو ندارم. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من تفضّل نما.

(۱۶) خداوندا و مرا به هدایت گویا کن و پرهیزکاری در دلم افکن و به پاکیزه ترین روش توفیق ده و به پسندیده ترین رفتار وادار.

(۱۷) خداوندا مرا به بهترین راه ببر و چنانم گردان که بر آئین تو بمیرم و زنده شوم.

(۱۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به میانه روی، بهره مند گردان و مرا از درستکاران و راهنمایان به راه راست و از بندگان شایسته قرار ده و رستگاریِ قیامت و رهایی از کمین گاه (دوزخ) را روزی ام فرما.

(۱۹) خداوندا برای خود از من، آنچه را که رهایی ام دهد، بگیر. و از من برایم، آنچه را که اصلاحم نماید، باقی گذار. زیرا نفسم هلاک شونده است، مگر آنکه

تو حفظش نمایی.

(۲۰) خداوندا اگر اندوهگین شوم، مایه دلخوشی ام تویی. و اگر ناامید گردم، امید من به توست. و اگر اندوه مرا فراگیرد، از تو فریادرسی خواهم. و عوض هر آنچه از دست رفته و اصلاح آنچه تباه شده، و تغییر آنچه زشت دانسته ای، نزد توست. پس پیش از گرفتاری، با تندرستی و پیش از درخواست، با توانگری و پیش از گمراهی، با ارشاد، بر من منّت گذار و سنگینی گناهِ عیب جوییِ بندگان را از من بردار. و مرا آسایشِ روز بازگشت ببخش. و خوب ارشاد کردن را به من عطا نما.

(۲۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به لطفت، (هر شرّی را) از من دور کن. و به نعمتت، مرا پرورش ده و به کرم خویش، مرا اصلاح فرما و به احسان خود، مرا درمان کن و در سایه خود، قرارم ده و خوشنودی ات را بر من بپوشان و آنگاه که کارها بر من درهم گشت، به راست ترین آنها و هنگامی که اعمال شبیه (یکدیگر) گردید، به پاکیزه ترین آنها و زمانِ تناقض آئین ها، به پسندیده ترین آنها توفیقم ده.

(۲۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و تاج بی نیازی بر سرم گذار. و نیک سرپرستی نمودن را، بر عهده من قرار ده. و مرا هدایت راستین ببخش. و به توانگری آزمایشم مکن. و آسودگی خاطر به من عطا فرما. و زندگی ام را پر دردسر قرار نده. و دعایم را به خودم باز نگردان. زیرا من برای تو ضدّی قرار نمی دهم و با تو همانندی را نمی خوانم.

(۲۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از اسراف کاری بازدار و روزی ام

را از تلف شدن نگهدار. و دارایی ام را با برکت، افزون ساز. و مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان.

(۲۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از من بردار. و مرا بی حساب روزی ده، تا به جای عبادت تو سرگرمِ روزی جستن نشوم و زیر بار پیامدهای بدِ کسب نروم.

(۲۵) خداوندا پس به قدرت خویش، آنچه طلب می کنم، برایم برآور. و به عزّت خود، از آنچه می ترسم، ایمنی ام ده.

(۲۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آبرویم را با توانگری حفظ کن و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم. و از آفریدگان بدت، عطا طلبم. آنگاه به ستایش آنکه به من عطا کرده، گرفتار شوم و به نکوهش آنکه از من بازداشته، دچار گردم. در حالی که تو عهده دار بخشیدن و باز داشتنی، نه آنها.

(۲۷) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا تندرستی در عبادت و فراغت در زهد و علم با عمل و پرهیز کاریِ از روی میانه روی، روزی فرما.

(۲۸) خداوندا زندگیِ مرا با آمرزش خود پایان ده. و آرزویی را که در امید به رحمتت دارم تحقّق بخش. و راه هایم را برای رسیدن به خوشنودی ات، آسان فرما. و عملم را در همه احوالم، نیکو گردان.

(۲۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. و در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار. و راهی آسان به سوی محبّت، برایم هموار گردان. و بدین وسیله، خیر

دنیا و آخرت را برایم کامل نما.

(۳۰) خداونـدا و بر محمّـد و خاندانش درود فرست، همانند برترین درودی که پیش از او بر کسـی از آفریدگانت فرسـتادی و پس از او بر کسـی خواهی فرسـتاد، و در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی، عطایمان کن. و مرا به رحمت خود از عذاب آتش، حفظ فرما.

دعای ۲۱– و از دعای امام علیه السلام بود هنگامی که چیزی او را اندوهگین می نمود و گناهان او را پریشان می کرد

(۱) خداونـدا ای کفایت کننـده (شـخص) تنهای ناتوان. و نگهدارنـده از هر چیز ترسـناک. خطاها مرا تنها گردانـده و همراهی ندارم. و در برابر خشم تو ناتوان شده ام و یاری دهنده ای ندارم. و به ترس دیدارت نزدیک گشته ام و آرامش دهنده ای برای ترسم ندارم.

(۲) و چه کسـی مرا از تو امـان بخشـد، در حـالی که تو مرا ترسانـده ای؟ و چه کسـی مرا یـاری دهـد، در حالی که تو مرا تنها گذاشته ای؟ و چه کسی مرا نیرومند سازد، در حالی که تو ناتوانم نموده ای؟

(۳) ای خدای من، پرورده را جز پروردگار، پناه نمی دهد. و شکست خورده را جز پیروز، امان نمی بخشد. و طلب شده را جز طلب کننده، یاری نمی رساند.

(۴) و ای خدای من، همه این سبب ها به دست توست و مفر و گریز به سوی توست. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و گریزم را پناه ده و مطلبم را برآور.

(۵) خداوندا اگر روی کریمت را از من برگردانی یا فضل بزرگت را از من بازداری یا روزی ات را بر من دریغ نمایی یا رشته (رحمت) خود را از من ببری، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم و به آنچه نزد توست، با کمک غیر تو دسترسی ندارم. چون من بنده تو و در

مشت توام و موی پیشانی (و اختیار) م به دست توست.

(۶) بـا فرمان تو، مرا فرمانی نیست. حکم تو درباره من جاری است و آنچه برای من تقـدیر نمودی، عادلانه است. و مرا نیرویی برای خروج از سـلطنت تـو نیست. و نمی تـوانم از قـدرت تـو بگریزم. و نمی توانم محبّت تو را جلب نمـایم. و توانـایی (جلب) رضایتت را ندارم. و نائل به آنچه نزد توست نیستم، جز با اطاعت (از) تو و به فزونیِ رحمتت.

(۷) خدای من، صـبح و شام را به سـر کردم، در حالی که بنده خوار توام. جز به یاری تو سود و زیانی را مالک نیستم. بر خود، به این مطلب گواهی می دهم. و به ضعف قوّتم و کمی چاره اندیشی ام اعتراف دارم. پس آنچه به من وعده دادی، انجام ده و آنچه به من عطا کردی، تمام گردان. که من بنـده بینوا، زار، ضـعیف، بـد حال و خوار، ناچیز، پست، فقیر، ترسان و پناه گیرنده توام.

(۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا فراموشکارِ یادت در آنچه به من عطا نمودی، و غافل از احسانت در آنچه به من بخشـیدی، و ناامیـد از اجابتت -گرچه دیر شود- قرار نـده، در خوشـی باشم یا سـختی، یا تنگی یا فراخی، یا تندرستی یا گرفتاری، یا فقر یا نعمت، یا توانگری یا تنگدستی، یا تهی دستی یا ثروت.

(۹) خداونـدا بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و سـتایش مرا ویژه خودت و مدح مرا بر خودت و سـپاسم را در همه حالات، برای خودت قرار ده. تا به آنچه از دنیا به من داده ای، خوشحال نشوم و به آنچه مرا از آن باز

داشته ای، غمگین نگردم و قلبم را به جامه پرهیز از خود بپوشان. و بدنم را در آنچه از من می پذیری به کار گیر. و مرا از هر چه به من برسد، به طاعت خویش مشغول دار. تا چیزی که تو را به خشم می آورد، دوست نداشته باشم و از چیزی که خوشنودی توست، خشمگین نشوم.

(۱۰) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و دلم را برای دوستی ات خالی گردان و به یادت مشغول دار و به خوف و ترس از خود بلندمرتبه کن و به رغبت به سوی خود، توانایی ده و به طاعتت متوجّه ساز و در محبوب ترین راه ها به سویت روانه فرما و آن را با رغبت به آنچه نزد توست، در همه روزهای زندگی ام رام گردان.

(۱۱) و پرهیزکاری را توشه من از دنیا، و کوچ مرا به سوی رحمتت، و ورود مرا در خوشنودی ات قرار ده. و سرای مرا در بهشتت مقرّر گردان. و به من نیرویی عنایت کن تا بتوانم همه خوشنودی ات را حمل کنم. و گریزم را به سوی خود، و رغبتم را در آنچه نزد توست قرار ده. و دلم را به وحشت از بدکاران خلقت بپوشان. و انس با خودت و دوستانت و فرمانبرانت را به من ببخش.

(۱۲) و برای بدکار و کافر، بر من منّت و برای او نزد من نعمت و مرا به سوی آنها حاجت، قرار نده. بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی نیازی ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده.

(۱۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا همنشین آنان قرار ده و مرا یاور آنها قرار ده و

شوق به خودت و عمل -برای خودت- به آنچه دوست داری و خوشنود می شوی را به من ارزانی دار. که تو بر هر چیزی توانایی و (برآوردن) آن (حوائج) بر تو آسان است.

دعای ۲۲- و از دعای امام علیه السلام بود هنگام سختی و مشقّت و دشوار شدن کارها

(۱) خداوندا مرا -درباره خودم- به کاری گماشتی که تو از من به آن تواناتری و قدرت تو بر آن و بر من، از توانایی من چیره تر است. پس آنچه تو را از من راضی می گرداند، به من عطا فرما. و رضای خود را از من در حال عافیت دریافت نما.

(۲) خداوندا طاقت رنج کشیدن، و شکیبایی بر بلا، و تحمّل فقر ندارم. پس روزی ام را از من بازمدار و مرا به خلقت وانگذار. بلکه در خواستم را به تنهایی روا کن و مرا کفایت کن.

(۳) و (به دید رحمت) به من بنگر و در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما. که اگر مرا به خود واگذاری، از انجام آن عاجزم و آنچه را مصلحت من در آن است، انجام ندهم و اگر مرا به آفریدگانت واگذاری، با من ترش رویی کنند و اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند و اگر عطا کنند، اندك و ناگوار عطا کرده اند و بر من منّت بسیار نهند و نکوهش فراوان کنند.

(۴) پس به فضل خود، خداوندا بی نیازم گردان و به عظمت خویش به پایم دار و به توانگری ات گشاده دستم گردان و به آنچه نزد توست، کفایتم فرما.

(۵) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از حسد، رهایی ده. و از گناهان بازم دار. و مرا از حرام ها پرهیز ده. و بر نافرمانی ها جرأتم مده و خواهش مرا، نزد خود

و خوشنودی ام را، در آنچه از تو به من می رسد قرار ده. و برایم در آنچه روزی ام نمودی، و به من ارزانی داشته ای، و به من نعمت داده ای، برکت ده. و مرا در همه حالت هایم، محفوظ، نگاه داشته، (گناهانم را) پنهان شده، (در برابر دشمنانم) حمایت شده، پناه داده شده، (از عذاب الهی) امان داده شده قرار ده.

(۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به انجام آنچه که در جهتی از جهات طاعتت یا برای آفریده ای از آفریدگانت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه بدنم از (انجام) آن ناتوان و نیرویم از آن سست و توانایی ام به آن نرسد و ثروت و دارایی ام گنجایش آن را نداشته باشد. خواه آن را به یاد داشته یا فراموشش کرده باشم.

(۷) آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از عطای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جانب من ادا کن. زیرا تو توانگرِ بخشنده ای. تا چیزی از آن بر من نمانَد که بخواهی به سبب آن از نیکی هایم بکاهی، یا بر بدی هایم بیفزایی، در روزی که تو را دیدار می کنم. ای پروردگار من.

(۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و برای آخرتمْ رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا درستی آن را از (اعماق) دلم بشناسم. و تا آنکه بی رغبتی در دنیا بر من چیره شود. و تا آنکه با اشتیاق به کارهای نیک بپردازم و از نواهی از روی ترس و بیم ایمن بمانم. و مرا نوری

بخش که با آن در بین مردم راه روم و در تاریکی ها با آن راه یابم و به وسیله آن از شک و شبهه ها روشنی یابم.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ترسِ اندوهِ وعده ها(ی عذاب) و اشتیاقِ پاداشِ وعده ها(ی بهشتی) را روزی ام فرما. تا لذّت آنچه را که تو را برای آن می خوانم و اندوه آنچه را که از آن به تو پناه می آورم، دریابم.

(۱۰) خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی. پس به درخواست هایم عنایت فرما.

(۱۱) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که در آسانی و سختی و تندرستی و بیماری به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی و خوشنودی و خشم و زیان و سود رخ می دهد، و (شکر آن) برای تو واجب است، دریابم.

(۱۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا به هیچ یک از آفریدگانت، بر آنچه از فضلت به آنان داده ای، حسد نبرم و تا اینکه نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت در دین یا دنیا یا عافیت یا پرهیزکاری یا گشایش یا رفاه داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو -که یگانه و بی شریکی- آرزو کنم.

(۱۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و

آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته، عامل به طاعتت باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم. تا دشمنم از ظلم و ستم من ایمن باشد و دوستم از میل نفسم و هواداری نادرستم، نا‌امید شود.

(۱۴) و مرا از کسانی قرار ده که هنگام رفاه تو را خالصانه می خوانند. خواندن خالصانِ بیچاره، در نیایش برای تو. به درستی که تو ستوده بزرگواری.

دعای ۲۳– و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که تندرستی و سپاس گزاری بر آن را، از خداوند درخواست می فرمود

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و لباس عافیت را بر من بپوشان و مرا با عافیت فراگیر و به عافیت حفظم کن و به عافیت گرامی ام دار و مرا به عافیت بی نیاز فرما و عافیت را به من صدقه ده و عافیت را به من ببخش و عافیت را برایم بگستران و عافیت را بر من سامان ده و در دنیا و آخرت بین من و عافیت جدایی نینداز.

(۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من عافیت ده. عافیتی کافی، بهبودی بخش، عالی و روزافزون. عافیتی که در جسمم عافیت زایَد، عافیت دنیا و آخرت.

(۳) و با تندرستی و ایمنی و سلامتی در دینم و جسمم و بینایی در دلم و پیشرفت در کارهایم و بیم و هراس از خودت و توانایی بر انجام طاعتت –که مرا به آن فرمان داده ای– و دوری جستن از نافرمانی ات –که مرا از آن باز داشته ای– بر من منّت گذار.

(۴) خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت –که درودهایت بر او و رحمتت

و برکاتت بر او و بر خانـدانش باد- و خاندان پیامبرت -که درود بر ایشان باد- همیشه تا هنگامی که زنده ام، در این سال و در همه سال. و آن را پذیرفته شده، پاداش داده شده، در نظر داشته نزد خود و ذخیره شده نزد خویش، قرار ده.

(۵) و زبانم را به حمد خود و شکرت و یادت و ستایش نیکوی خود، گویا فرما. و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

(۶) و من و فرزندانم را از شـیطانِ رانده شده و از شـرّ جانور زهردار نکشـنده و جانور زهردار کشـنده و سایر جانوران و چشـم زخم و از شـرّ هر شـیطانِ سـرکش و از شـرّ هر پادشاهِ سـتمگر و از شـرّ هر مُرفّه نازپرورده و از شـرّ هر ناتوان و توانا و از شرّ هر بلندمرتبه و فرومایه و از شـرّ هر کوچک و بزرگ و از شرّ هر نزدیک و دور و از شرّ هر جنّ و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند و از شرّ هر جنبنده ای که زلفش در اختیار توست، پناه ده. به درستی که تو بر راه راستی.

(۷) خداونـدا بر محمّد و خاندانش درود فرست و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصـرفش ساز و مکرش را از من بِران و شرش را از من بازدار و فریبش را گریبانگیر خودش ساز.

(۸) و در مقابل او سدّی قرار ده، تا چشمش را از (دیدن) من کور و گوشش را از (شنیدن) یاد من، کر سازی و دلش را هنگام یاد من، قفل زنی و زبانش را درباره من

لال کنی و سرش را بکوبی و عزّتش را به ذلّت تبدیل نمایی و بزرگی اش را بشکنی و گردنش را به خواری فرو آوری و سر افرازی اش را بر هم زنی و مرا از همه زیان و بدی و طعنه و بدگویی و عیب جویی و حسد و دشمنی و بندها و دام های او و نیروهای پیاده و سواره اش ایمن سازی. به درستی که تو پیروز توانایی.

دعای ۲۴– و از دعای امام علیه السلام بود، برای پدر و مادرش که بر آنان درود باد

(۱) خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و بر خاندان پاکش درود فرست و ایشان را به برترین رحمت ها و برکات و سلام خویش، اختصاص ده.

(۲) و خداوندا، پدر و مادر مرا به کرامتِ نزد خود و درود از جانب خود، اختصاص ده. ای بخشاینده ترین بخشایندگان.

(۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آموختن آنچه را که در حقّ آنان بر من واجب است، به من الهام کن و دانستن همه آن را به طور کامل برای من فراهم نما. آنگاه مرا به آنچه به من الهام می کنی، وادار. و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا انجام دادن آنچه به من آموختی، از دستم نرود و اعضایم از انجامِ آنچه آن را به من الهام فرموده ای، سنگین نشود.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، چنانکه ما را به وسیله او شرافت دادی. و بر محمّد و خاندانش درود فرست، چنانکه به سبب او برای ما حقّی بر خلق واجب نمودی.

(۵) خداوندا مرا چنان گردان که از هر دو (پدر و مادرم) همچون ترس از پادشاه خودکامه، بیمناک باشم. و با آن دو همانند نیکیِ مادری مهربان، نیکی کنم. و اطاعت از

پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر و برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده. تا میل ایشان را بر میل خود برتری دهم و خوشنودی آنان را بر خوشنودی خود مقدّم اندازم و نیکی ایشان را درباره خود –اگرچه اندک باشد– بسیار شمارم و نیکی خود را درباره ایشان –اگرچه بسیار باشد– اندک بدانم.

(۶) خداوندا، صدایم را برای ایشان آهسته ساز. و سخنم را با آنها خوشایند فرما و خویم را برایشان نرم نما و دلم را بر آن دو مهربان گردان و مرا با آنان دوست و برایشان دلسوز فرما.

(۷) خداوندا از آنان به پاس پرورش دادن من، قدردانی کن و آنها را بر گرامی داشتنم، پاداش ده و آنچه در کودکی ام از من نگهداری کردند، برای ایشان نگهدار.

(۸) خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده یا ناخوشایندی که از من به ایشان رخ داده یا حقّی از آنها نزد من ضایع شده، پس آن را سبب ریزش گناهانشان و بلندی درجات ایشان و افزایش نیکی هایشان قرار ده. ای تبدیل کننده بدی ها به چندین برابر از نیکی ها.

(۹) خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند یا بر من در کردار، زیاده روی کرده اند یا حقّی را از من ضایع ساخته اند یا نسبت به من از واجبی کوتاهی نموده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم و به آنان ارزانی داشتم و از تو می خواهم، گرفتاری را از آنها برداری. زیرا آنان را نسبت به خودم، متّهم نمی دانم. آنان را در نیکی به خودم، سهل انگار نمی شمارم و از آنچه درباره من به

عهده گرفتند، ناراضی نیستم. ای پروردگار من.

(۱۰) پس حقّ ایشان بر من واجب تر، و احسانشان به من دیرینه تر، و نعمتشان نزد من بزرگ تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم یا بر آنان مثل خودشان، کیفر دهم. ای خدای من، در این هنگام کجاست درازی کار آنها، در پرورش دادن من؟ و سختی هایی که در نگهداری من کشیده اند چه می شود؟ و تنگی هایی که برای گشایش من بر خود گرفته اند، چه می شود؟

(۱۱) هیهات! آنها تمامی حقّشان را از من نمی گیرند و آنچه برای ایشان بر من واجب است را در نمی یابم و من وظیفه خدمت گزاری ایشان را انجام نداده ام. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا یاری ده، ای بهترین کسی که به او یاری خواسته شده. و مرا توفیق ده، ای راهنماترین کسی که به او رغبت شده. و مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران قرار نده، در آن روز که هر نفسی به آنچه کرده، جزا داده شود و هرگز ایشان ستم نشوند.

(۱۲) خداوندا بر محمّد و خاندان او و نسل او درود فرست، و پدر و مادر مرا به برترین چیزی که پدران و مادران بندگان با ایمانت را به آن امتیاز داده ای، اختصاص ده. ای مهربان ترین مهربانان.

(۱۳) خداوندا یاد آنان را بعدِ نمازهایم و در هیچ وقتی از اوقات شبم و در هیچ ساعتی از ساعات روزم، از یادم نبر.

(۱۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به (برکت) دعایم برای آنان، بیامرز. و ایشان را به خاطر نیکیشان بر من، آمرزشی حتمی عنایت کن. و به میانجیگری من از آنها یکسره خوشنود

شو. و ایشان را با کرامت به جایگاه های سلامتی رسان.

(۱۵) خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو و محل آمرزش و رحمتت گرد آییم. به درستی که تو صاحب فضل بزرگ و نعمت دیرینه ای و تو بخشاینده ترین بخشایندگانی.

دعای ۲۵– و از دعای امام علیه السلام بود، برای فرزندانش که بر آنان درود باد

(۱) خداوندا و بر من به بقای فرزندانم و به اصلاح نمودن ایشان برای من و به بهره مندی من از آنان، منّت گذار.

(۲) خداوندا عمرشان را برای من دراز گردان و در مدّت عمرشان برایم بیفزا و خردسالشان را برای من پرورش ده و ناتوانشان را برایم نیرومند نما و بدن و دین و اخلاقشان را برای من سالم بدار و آنان را در جان و اعضا و کارهایشان –که برای من مهم است– تندرستی ده و برای من و به دست من روزی هایشان را بسیار نما.

(۳) و آنان را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود، و دوستدار و پند دهنده دوستانت، و ستیزه جو و کینه توزِ همه دشمنانت قرار ده. (این دعا را) اجابت فرما.

(۴) خداوندا بازوی مرا به وسیله آنان محکم گردان و کجی مرا به وسیله ایشان راست فرما و تعداد مرا به وسیله آنها بیفزا و مجلس مرا به وسیله ایشان آراسته نما و یاد مرا به وسیله آنها زنده گردان و در غایب بودنم، ایشان را جانشین من فرما و در برآمدن حاجتم به وسیله آنان یاری ام ده و آنان را دوستدار من و بر من مهربان، و به من متوجّه

ساز و به راه من مستقیم و فرمانبر من قرار ده و نسبت به من سرکش و عاق و مخالف و خطاکار قرار نده.

(۵) و مرا بر تربیت و ادب آموختن و نیکی به ایشان یاری نما. و از نزد خود افزون بر ایشان، پسران دیگری به من ببخش و آن را برای من خیر قرار ده و ایشان را برای من، بر آنچه از تو خواستم، مددکار قرار ده.

(۶) و مرا و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده، پناه ده. همانا تو ما را آفریدی و امر و نهی نموده ای و در پاداش آنچه ما را امر کردی، رغبتمان و از کیفر نافرمانی خود، بیمان داده ای. و برای ما دشمنی قرار دادی که به ما نیرنگ می زند. او را بر ما تسلّط دادی، و ما را بر او تسلّطی نیست. او را در سینه های ما جا دادی و در رگ های خونمان روان نمودی. اگر از او غافل شویم، او غافل نمی شود. و اگر فراموش کنیم، او فراموش نمی کند. ما را از کیفر تو ایمنی می دهد و از غیر تو می ترساند.

(۷) اگر قصد کار زشتی کنیم، ما را بر آن دلیر گردانَد. و چنانچه قصد کار شایسته ای کردیم، ما را از آن بازدارد. خواهش های نفسانی را برای ما عرضه می دارد. و شبهه ها برای ما برپا کند. اگر ما را وعده دهد، به ما دروغ گوید. و اگر به ما نوید دهد، خلف وعده کند. و اگر فریب او را از ما باز نداری، گمراهمان کند و اگر ما را از تبهکاری اش نگه نداری، به لغزشمان اندازد.

(۸) خداوندا با سلطه خود، تسلّط او را از ما

دور کن، تـا اینکه بـا دعـای زیـاد مـا، او را از مـا بازداری. پس به وسـیله تو از نیرنگ او، در زمره بازداشـته شـدگان (از گناه) درآییم.

(۹) خداونـدا همه خواسـته هـایم را به من عطـا کن و حاجت هایم را برآور و اجابت (دعا) را از من دریغ نکن، که خود آن را ضمـانت کرده ای و دعایم را از خود بازنـدار، که خود مرا به آن امر فرموده ای و هر چه در دنیایم و آخرتم به صـلاحم است، چه آن را به یـاد آوردم یـا آنچه فراموش کردم، و اظهار کردم یا پنهان نمودم، و آشـکار ساختم یا در پنهان خواسـته ام، بر من ارزانی دار.

(۱۰) و مرا در همه آن (امور) به خاطر در خواستم از تو، از شایسته کارانی قرار ده که با درخواست از تو، کامیاب شدند. که با توکّل بر تو، (از لطفت) بازداشته نشدند.

(۱۱) (آنان که) به پناه بردن به تو خو گرفته انـد، در تجارت با تو سود کرده اند، (همان ها که) به عزّت تو پناه آورده اند، و به جـود و کرم تو از فضـل گسـترده ات روزی حلال برای آنـان سـرشار شـده، به یـاری تو از ذلّت به عزّت رسـیده انـد، از سـتم (دیگران) به عدل تو پناه آورده اند و به رحمت تو از بلا رهیده اند و به توانگری تو از فقر به بی نیازی رسـیده اند و با ترس از تو از گناهان و نادرستی و خطا، نگه داشته شده اند و با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفّق گشته اند و به قدرت تو میان آنها و گناهان فاصله افتاده. (آنان که) همه نافرمانی هایت را ترک کرده در همسایگی تو جای گرفته اند.

(۱۲) خداوندا

به توفیق و رحمتت همه آن (درخواست ها) را به ما عطا فرما و ما را از شکنجه آتش پناه ده و به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، مانندِ آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، در دنیای کنونی و آخرت آینده ببخش. همانا تو نزدیک، اجابت کننده، شنوا، دانا، بخشاینده، آمرزنده، دلسوز و مهربان هستی.

(۱۳) و ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی عطا کن و از شکنجه آتش نگاهمان دار.

دعای ۲۶– و از دعای امام علیه السلام بود، درباره همسایگانش و دوستان او، هنگامی که آنان را یاد می کرد

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما و مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما.

(۲) و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان و پر کردن کم و کاست آنان و به عیادت بیمارشان و راهنماییِ راه جویشان و پند دادن مشورت کننده شان و دیدار با از سفر بازگشته شان و کتمان اسرارشان و پوشاندن عیب هایشان و یاریِ ستم دیده شان و همیاری نیکو در مایحتاج زندگی یشان و رسیدگی با ثروت و بخشش فراوان به آنان و عطا کردن آنچه برای آنان ضروری است پیش از درخواست آنان، توفیق ده.

(۳) و خداوندا مرا بر آن دار که بدکارشان را به نیکی پاداش دهم و از ستمگرشان با چشم پوشی صرف نظر کنم و درباره همه آنان، به خوش گمانی رفتار کنم و با نیکی، همه آنان را یاری نمایم و با پاکدامنی، دیده از ایشان فرو بندم و فروتنانه، با آنها نرمی و مدارا کنم و با مهربانی بر بلا دیدگان آنها، دلسوزی نمایم و در نبودشان

دوستی را، آشکار سازم و خیرخواهانه بقای نعمت را نزدشان دوست بدارم و آنچه را برای خویشانم لازم می دانم، برای آنها لازم بدانم و آنچه را برای خاصان خود رعایت می کنم، برای آنان رعایت نمایم.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا مانند همین امور از جانب آنان روزی فرما و از آنچه ایشان دارند، کامل ترین بهره ها را برای من قرار ده و بر حق بینی و فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزا. تا آنان به وسیله من، نیک بخت شوند و من به وسیله آنها، نیک بخت گردم. اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

دعای ۲۷– و از دعای امام علیه السلام بود، برای مرزداران

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به عزّت خود، مرزهای مسلمانان را استوار فرما و به قدرت خویش، نگهبانان آن را یاری ده و از دارایی خویش، بخشش های آنان را فراوان ساز.

(۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و بر تعدادشان بیفزا و سلاح (جنگی) شان را تیز کن و قلمروِ آنان را نگهدار و حومه آنان را نفوذناپذیر کن و جمعشان را الفت ده و امرشان را تدبیر فرما و آذوقه یشان را پیاپی برسان و سنگینی هایشان را به تنهایی کفایت فرما و با پیروزی نیرومندشان کن و با شکیبایی یاریشان ده و چاره اندیشی را به آنها بیاموز.

(۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آنچه را نمی شناسند، به آنان بشناسان و آنچه نمی دانند، به ایشان بیاموز و به آنچه بینایی ندارند، بینا ساز.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن

و بهشت را در مقابل چشمانشان قرار ده و آنچه را در آن آماده ساخته ای از خانه های همیشگی و سراهای کرامت و حوریان زیباروی و جوی هایی که به نوشیدنی های گوناگون روان شده و درختانی که شاخه هایشان به انواع میوه ها خم گشته، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز. تا هیچ یک از آنان آهنگ پشت کردن (به دشمن) نکند و با نفس خود، حدیث فرار از همانند خود را بازگو ننماید.

(۵) خداوندا بدین وسیله، دشمنانشان را درهم شکن و چنگالشان را از آنان جدا کن و میان آنان و سلاح هایشان جدایی انداز و رگ های دلشان را بکن و میان آنها و زاد و توشه اشان جدایی انداز و در راه هایشان سرگردانشان ساز و از هدفشان گمراهشان نما و کمک رسانی را از ایشان قطع کن و از تعدادشان بکاه و دل هایشان را از ترس پر ساز و دست هایشان را از گشودن بازدار و زبان هایشان را از گفتن ببند و با (شکست) ایشان، پشت سری هایشان را پراکنده ساز و آنان را برای کسانی که در پس ایشانند، عبرت گردان و با خواری آنان طمع آیندگانشان را قطع نما.

(۶) خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان و صلب مردانشان را خشک نما و نسل چهارپایان و گاو و گوسفند و شترانشان را قطع کن و آسمانشان را در باریدن و زمینشان را در روییدن، اذن نده.

(۷) خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوّت بخش و شهرهایشان را استوار ساز و ثروت هایشان را بیفزا و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن برای عبادت خویش و کارزار با آنان برای خلوت با خودت آسوده ساز تا در همه جای زمین،

جز تو پرستش نشود و پیشانی هر یک از آنان جز در برابر تو به خاک گذاشته نشود.

(۸) خداوندا مسلمانان هر ناحیه را به جنگ با مشرکانی که در مقابل آنند، گسیل دار و آنان را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آینـد، یاری فرما. تا با کشـتن و اسـیر گرفتن، آنها (مشـرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند، یا به یکتایی تو که معبودی جز تو نیست، تنها و بی شریک هستی، اقرار نمایند.

(۹) خداوندا و همه دشـمنانت را بدین سـرنوشت دچار کن، در هر شـهری که باشند از هند و روم و ترکستان و خزر و حبشه و نوبه و زنگبـار و سـقالبه و دیالمه و دیگر امّت های مشـرک، که نام ها و نشانه هایشان پنهان است و به دانایی، خود آنها را می شناسی و به توانایی ات بر آنان اشراف داری.

(۱۰) خداوندا مشـرکان را به مشـرکان مشـغول گردان و از چیرگی به نواحی مسـلمانان، بازدار و با کاستن عددشان، از کاستن (مسلمانان) جلوگیر باش. و با تفرقه افکنی میان آنان، از گرد آمدن بر ضدّ مسلمانان بازشان دار.

(۱۱) خداونـدا، دل هایشـان را از آرامش و تـن هایشـان را از قـوّت تهی دار و قلب هایشـان را از چـاره جـویی بی خـبر سـاز و اندامشان را از جنگیدن با مردان سست گردان و ایشان را از پیکار با دلاوران بترسان و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را با عذابی از عذاب هایت بفرست. مانند کارت در روز بدر. تا بدین سـبب، ایشان را ریشه کن سازی و سختی و صلابتشان را براندازی و تعدادشان را از هم بپاشی.

(۱۲) خداوندا و آب هایشان را به وبا و خوردنی هایشان را به امراضْ درآمیز و

شهرهایشـان را در زمین فروبر و پیوسـته آن را سـنگباران فرما و آن را به قحطی و خشـکسالی دچار ساز و آذوقه هایشان را در بی برکت ترین و دورترین (نقـاط) زمین خـود قرار ده و پناهگـاه هـای آن را از آنهـا بـازدار، آنـان را دچـار گرسـنگی دائم و بیماری دردناک گردان.

(۱۳) خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد و هر مجاهدی از پیروان سنّت تو که با ایشان جهاد نماید تا دین تو برتر و حزب تو قوی تر و بهره تو کامل تر گردد، پس او را با آسانی روبرو کن و کارش را اصـلاح نما و پیروزی را برای او به عهـده گیر و برای او یارانی برگزین و پشت او را قوی ساز و درآمدش را وسـعت ده و از نشاط بهره مند فرما و گرمی آرزو را از او فرونشان و او را از اندوه تنهایی حفظ کن و یاد خانواده و فرزند را فراموشش ساز.

(۱۴) و او را به نیّت خوش، راهنمـایی فرمـا و تنـدرستی اش را به عهـده گیر و رهـایی از آفت هـا را، همراهش فرما و از ترس، سـالمش دار و دلیری در دلش انـداز و نیرومنـدی را، روزی اش کن و بـا یـاری خـود توانـایش گردان و راه هـا و روش هـا(ی جهاد) و سنّت ها(ی اسلامی) را، به او بیاموز و در داوری نمودن، پایدارش فرما و خودنمایی را از او دور کن و او را از شهرت طلبی نجات ده و فکر و ذکر و مسافرت و اقامتش را، در راه خود و برای خود قرار ده.

(۱۵) پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما

و مقامشان را در دلش کوچک گردان و او را بر آنان پیروز فرما و آنها را بر او چیره نساز. پس اگر (زندگی اش را) برای او به خوش بختی پایان دادی و شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده و با اسیری، ایشان را به سختی افکنده و مرزهای مسلمانان ایمن شده و دشمنت روگردانده، فرار نموده است.

(۱۶) خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا در نبود او خانواده اش را نگهداری کرد، یا او را به پاره ای از دارایی خود یاری داد، یا او را با ساز و برگ جنگ کمک نمود، یا او را بر جهاد تشویق کرد، یا او را با دعا در جهتی که به آن رو آورد همراهی نمود، یا آبرویش را در نبود او نگهداشت؛ پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضلت برای او روان ساخته ای و از بزرگی ات برایش آماده کرده ای، برسد.

(۱۷) خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت و اجتماع مشرکان بر ضدّ ایشان، اندوهگینش نمود، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا فقر او را به درنگ واداشت، یا حادثه ای او را (از جهاد) عقب انداخت، یا مانعی در راه اراده اش ایجاد شد؛ پس نام او را در عبادت کنندگان

بنویس و پاداش مجاهدان را برای او واجب گردان و او را در صف شهیدان و صالحان قرار ده.

(۱۸) خداونـدا بر محمّـد بنـده خود و فرسـتاده ات و خانـدان محمّـد درود فرست، درودی بالای همه درودها و مشـرف بر همه تحیّت هـا. درودی که مـدّتش پایـان نپـذیرد و شـماره اش قطع نگردد. ماننـد کامـل ترین درودهایت که بر هر یک از اولیایت فرستاده شده. به درستی که تو بسیار نعمت دهنده، ستوده، آغازگر، باز گرداننده، انجام دهنده هر چه بخواهی می باشی.

دعای ۲۸– و از دعای امام علیه السلام بود، هنگام پناه بردن به خداوند توانا و بزرگ

(۱) خداوندا همانا من خالصانه از دیگران دل بریده و به تو پیوسته ام.

(۲) و با همه وجودم به تو رو آوردم.

(۳) و از آنکه نیازمند عطای توست، روگرداندم.

(۴) و درخواستم را از آنکه از فضلت بی نیاز نبود، باز گرداندم.

(۵) و دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از سبکی اندیشه و گمراهی خِرد است.

(۶) ای خدای من، چه بسـیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزّت خواسـتند و خوار گشـتند و از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند و بلندی خواستند و پست گشتند.

(۷) پس (شـخص) دورانـدیش، با دیـدن امثال ایشان سالم مانـد. پنـد گرفتنش سـبب توفیق او شد و برگزیدن راه صواب، او را راهنمایی کرد.

(۸) پس –ای سرور من– جایگاه درخواستم تویی، نه هر که از او درخواست شود. و صاحب حاجتم تویی، نه هر که از او طلب شود.

(۹) تویی مخصوص به خوانـدن من، پیش از آنکه کسـی را بخوانم! هیـچ کس در امیـد من، بـا تو شـریک نیست و در دعایم، کسی با تو برابر نیست و ندایم کسی را با تو جمع نمی کند.

(۱۰) خداوندا یگانگیِ شمار و تسلّط قدرتِ همیشگی و فضیلت توان

و نیرو و درجه والایی و بلندی، از آنِ توست.

(۱۱) و غیر تو، در زندگی اش نیازمند رحمت، در کار خود مغلوب، در امورش زیردست، در حالاتش گوناگون، در صفاتش دگرگون می باشد.

(۱۲) پس تو از داشتن مانندها و همتاها برتر و از داشتن همسان و همگون بزرگ تر بودی. پس تو منزّهی. معبودی جز تو نیست.

دعای ۲۹– و از دعای امام علیه السلام بود، چنان که روزی بر او تنگ گرفته می شد

(۱) خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمانْ به بدگمانی، و در مدّت زندگی هایمانْ به آرزوی دراز، آزمودی. تا جایی که روزی های تو را از روزی خواران درخواست نمودیم و با آرزوهایمان، در عمرهای کهنسالان، طمع کردیم.

(۲) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را یقینی راستین ببخش، که بدان سبب ما را از زحمت طلب، بی نیاز نمایی و اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری.

(۳) و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای و در پی آن سوگند خود را در کتابت آورده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای و قطع اشتغال ما به آنچه خود کفایت آن را ضمانت فرموده ای قرار ده.

(۴) پس فرمودی و فرموده تو راست و درست ترین است. و سوگند یاد کردی و سوگند تو محقّق ترین و وفاشده ترین است: «و روزی شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است.»

(۵) سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن (سخن) حقّ و درست است، مانند آنچه شما سخن می گویید.»

دعای ۳۰– و از دعای امام علیه السلام بود، درباره درخواست کمک نمودن بر پرداخت وام

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا معاف دار، از وامی که با آن آبرویم را ببری و ذهنم در آن سرگردان شود و فکرم برای آن پریشان گردد و کارم در چاره آن طول کشد.

(۲) و به تو پناه می برم –ای پروردگارم– از اندوه و اندیشه وام و از کار قرض و بی خوابی اش، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از آن پناه ده. و پناه از تو می جویم –ای پروردگار من– از خواری

آن در زنـدگی و از پیامد آن پس از مرگ، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا با ثروتِ فراوان و روزیِ کافی، از آن نجات ده.

(۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از اسراف و زیاده روی باز دار. و به بخشش و میانه روی، استوار گردان و روش نیکو را به من بیاموز و مرا -به لطف خود- از ولخرجی باز دار و روزی هایم را از اسباب حلال، پیوسته گردان و انفاق نمودنم را در مسیرهای خیر قرار ده و مالی که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند یا در پی آن دچار سرکشی شوم را، از من دور ساز.

(۴) خداوندا، همنشینی نیازمندان را نزد من محبوب گردان و مرا بر همنشینی ایشان، با شکیبایی نیکوْ یاری ده.

(۵) و آنچه از کالای دنیایِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما.

(۶) و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود و وسیله پیوستن به جایگاه بزرگت و وسیله دست یابی به بهشتت قرار ده. به درستی که تو صاحب بخشش بزرگ می باشی و تویی بسیار بخشنده بزرگوار.

دعای ۳۱- و از دعای امام علیه السلام بود، در یاد کردن توبه و درخواست نمودن آن

(۱) خداوندا ای کسی که توصیف وصف کنندگان، او را نمی ستاید.

(۲) و ای کسی که امید امیدواران، از او نمی گذرد.

(۳) و ای کسی که پاداش نیکوکاران، نزد او تباه نمی شود.

(۴) و ای کسی که انتهای ترس عبادت کنندگان است.

(۵) و ای کسی که نهایت هراس پرهیزکاران است.

(۶) این مقام کسی است که بازیچه دست های گناهان گردیده و مهارهای خطاها او را از

پیِ خود کشیده و شیطان بر او چیره گشته. پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده و با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده.

(۷) مانند نادان به قدرت تو بر خودش، یا انکار کننده بسیاری فضل تو به خودش. امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد و ابرهای کوری از مقابلش کنار رفت، آنچه با آن به خود ستم کرده، شمرد و در آنچه با آن پروردگارش را مخالفت کرده، اندیشید. پس گناه بزرگش را بزرگ و ناسازگاری سترگش را سترگ دانست.

(۸) پس امیدوار به تو و شرمنده از تو، به سویت روی آورده و با اعتماد به تو، خواهشش را به سوی تو گردانده است. پس از روی یقین با حرص، تو را قصد کرد و از سِرِ اخلاصْ با ترس، آهنگ تو نمود. در حالی که طمعش از هر که -جز تو- در او طمع کنند، خالی است و ترسش از هر که -جز تو- از او بترسند، برطرف شد.

(۹) پس زاری کنان در پیشگاهت ایستاده و دیده اش را با سرافکندگی به زمین دوخته و با خواریْ برای عزّتت سرش را به زیر افکنده و با خضوع، از رازهایش -آنچه را که خود به آن داناتری- برایت آشکار کرده و با خشوع، -از گناهانش- آنچه تو شماره آن را بهتر می دانی شمرده و در (گناهان) بزرگی که می دانی گرفتار شده و از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته. از گناهانی که لذّت هایش سپری شد و گذشت و پیامدهای آن به جای ماند و پایدار شد.

(۱۰) ای خدای من، اگر او را

عقوبت دهی، عدل تو را انکار نمی کند و اگر از او گذشتی و به او رحم آوردی، گذشتت را بزرگ نشمارد. زیرا تویی پروردگار کریمی، که آمرزش گناه بزرگ در نظر تو بزرگ نیست.

(۱۱) خداوندا، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده ام، در حالی که فرمان تو را که به دعا کردن امر نموده ای، اطاعت کرده ام و وفا به وعده ای را که پیرامون اجابت داده ای، خواستارم. زیرا که می فرمایی: «مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.»

(۱۲) خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و با آمرزش خود به من روآور. همچنان که من با اقرارم به تو رو آوردم. و مرا از افتادنْگاه های گناهان، بلند گردان، چنانکه خود را برای تو فرو افکنده ام. و مرا با پوشش خود بپوشان، آنگونه که در انتقام از من درنگ فرمودی.

(۱۳) خداوندا و نیّت مرا در فرمان برداریت، ثابت بدار و بینش مرا در بندگی ات، استوار گردان و مرا به کارهایی که با آن چرکی خطاها را از من بشویی، توفیق ده و هنگامی که مرا میراندی، بر دین خود و دین پیامبرت محمّد - که درود بر او باد- بمیران.

(۱۴) خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان بزرگ و کوچکم و از بدی های پنهان و آشکارم و از لغزش های گذشته و تازه ام، به درگاهت توبه می کنم. توبه کسی که نافرمانی از ذهنش نمی گذرد و قصد بازگشت به خطا را ندارد.

(۱۵) و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه بندگانت را می پذیری، و از بدی ها درمی گذری، و توبه کنندگان را دوست می داری. پس همانگونه که وعده دادی، توبه ام را بپذیر و آنچنان که

ضمانت کرده ای، از بدی هایم درگذر و همان طور که شرط کرده ای، دوستی خود را برایم واجب گردان.

(۱۶) و ای پروردگار من، با تو قرار می گذارم، در کاری که ناپسند توست، برنگردم و ضمانت می دهم، در کاری که نکوهیده توست، باز نگردم و عهد می بندم، از همه نافرمانی های تو، دوری گزینم.

(۱۷) خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری. پس آنچه (گناه) از من می دانی، بیامرز و به قدرت خود، به آنچه دوست داری، بازگردان.

(۱۸) خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است که به یاد دارم و گرفتاری هایی است که فراموش کرده ام و همه آنها پیش چشم تو که نمی خوابد و در علم تو که فراموش نمی کند، قرار دارد. پس صاحبانش را عوض ده و سنگین باری اش را از من بیفکن و سنگینی اش را از من سبک فرما و مرا از نزدیک شدن به مانند آن، نگهدار.

(۱۹) خداوندا مرا جز به نگهداری تو، وفای به توبه نیست. و جز به قدرت تو، خودداری از خطاها برایم ممکن نیست. پس با قوّتِ کافی، مرا قوی ساز و به نگهداری بازدارنده، سرپرستی ام کن.

(۲۰) خداوندا، هر بنده ای که به درگاهت توبه نمود ولی در علم پنهانت، توبه شکن و بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که اینچنین باشم. پس این توبه ام را توبه ای گردان که پس از آن، به توبه ای نیازمند نشوم. توبه ای سبب محو آنچه گذشته و سلامتی در آنچه مانده است.

(۲۱) خداوندا، به درستی که من از نادانی ام، در پیشگاه تو عذر می خواهم و از زشتی کردارم، از تو بخشش می طلبم. پس به لطف خویش، مرا در پناه رحمت خود

گیر و با فضل خویش، مرا به پرده عافیت بپوشان.

(۲۲) خداونـدا و همانـا من از هر چه مخـالف خواسـته تو یـا دور از دوستی توست؛ از انـدیشه هـای دلم و نگـاه های چشـمم و بیانـات زبـانم، به درگـاهت تـوبه می کنم. تـوبه ای که بـا آن هر عضوی به سـهم خود از کیفرهـایت سـالم مانَـد و از قهرهـای دردناکت که بیدادگران می ترسند، در امان باشد.

(۲۳) خداونـدا، پس به تنهایی ام در برابر تو و تپیـدن دلم از ترست و لرزش انـدامم از شـکوهت، رحم فرما. پس ای پروردگار من، گناهانم به درگاهت، مرا در جایگاه رسواییْ مانـدگار نموده. پس اگر خاموش شوم، کسـی از جانب من سـخن نگویـد. و اگر شفیع خواهم، سزاوار شفاعت نیستم.

(۲۴) خداونـدا بر محمّد و خاندانش درود فرست و کرمت را شـفیع خطاهایم گردان و به گذشت خود بدی هایم را ببخشای و مرا به جزایم که عقـوبت توست، مجـازات نکن و بخشـش خود را بر من بگسـتر و مرا به پرده خویش بپوشـان و بـا من همچون رفتارِ عزیزی که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما. یا همانند توانگری که بنده بینوایی پیش او آمده، پس او را بی نیاز کرده.

(۲۵) خداوندا برای من پناه دهنده ای از (عقوبت) تو نیست، پس باید عزّتت مرا پناه دهد. و شفیعی برای من به سوی تو نیست، پس باید فضلت مرا شفاعت کند. و خطاهایم مرا ترسانده، پس باید بخشایشت مرا ایمن گرداند.

(۲۶) پس هر چـه گفتـم، از جهـل بـه بـدی کردارم و از فراموشـیِ کردار نکوهیـده گذشـته ام نیسـت. بلکـه برای آن است که آسمانت و هر که در آن است و زمینت

و هر که بر روی آن است، پشیمانی ای که به پیشگاهت آشکار نمودم و توبه ای که به سبب آن به درگاهت پناه بردم را بشنود،

(۲۷) شاید برخی از آنها به رحمتتْ بر بدی جایگاهم، به من رحم کند یا بخاطر بدی حالم، بر من دلسوزی نماید؛ پس دعایی از او به من رسد که از دعای من نزد تو شنیدنی تر است، یا شفاعتی کند که از شفاعت من نزد تو کارسازتر است، که رهایی من از خشمت و یافتن خوشنودی ات به وسیله آن حاصل شود.

(۲۸) خداوندا اگر پشیمانی، توبه به درگاه توست، پس من پشیمان ترین پشیمانانم و اگر ترک معصیت تو، بازگشت است، پس من نخستین بازگشت کننده ام. و اگر درخواست آمرزشْ سبب ریختن گناهان است، پس من به درگاه تو از آمرزش خواهانم.

(۲۹) خداوندا، پس چنانکه به توبه فرمان دادی و پذیرفتن را ضمانت کردی و بر دعا ترغیب نمودی و اجابت را نوید دادی، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و توبه ام را قبول کن و مرا به ناامیدی از رحمتت باز نگردان. که تو توبه گنهکاران را می پذیری و بر خطاکارانِ توبه پیشه، مهربانی.

(۳۰) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، همچنانکه ما را به سبب او هدایت کردی و بر محمّد و خاندانش درود فرست، آنچنان که ما را به وسیله او نجات دادی و بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند. زیرا تو بر هر چیز توانایی و آن بر تو آسان است.

دعای ۳۲– و از دعای امام علیه السلام بود، برای خود در اقرار به گناه، پس از تمام کردن نماز شب

(۱) خداوندا ای صاحب پادشاهی پاینده جاوید.

(۲) و ای فرمانروای استوارِ بدون لشکریان

و یاران.

(۳) و ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها و سال های گذشته و گذشتن زمان ها و روزها، ماندگار است.

(۴) فرمانروایی تو، چنان با عزّت است، که حدّی برای اوّلش و پایانی برای آخرش نیست.

(۵) و سلطنت تو، چنان بلندمرتبه است، که همه چیز پیش از رسیدن به پایان آن، ساقط شود.

(۶) و آخرین وصفِ ستایندگان، به پایین ترین مرتبه ای که به خود اختصاص داده ای، نمی رسد.

(۷) اوصاف در تو گمراه شده و تعریف ها پیش از رسیدن به تو، از هم گسسته و تصوّرهای دقیق در بزرگواری ات سرگردان گشته.

(۸) چنین است که تو خدایی هستی که در اوّلیتِ خود اوّل و در این (صفت) دائم و جاویدی.

(۹) و من بنده ای هستم که عملش ضعیف و آرزویش بزرگ است. اسباب پیوندها از دستم بیرون رفته، جز آنچه به رحمتت وصل شده و رشته های آرزو از من بریده، جز بخشایشت که به آن چنگ زده ام.

(۱۰) طاعتی که به شمار آورم، نزد من کم است و معصیتت که بر دوش کشم، بر من زیاد است. و گذشت از بنده ات گر چه بد کرده، بر تو دشوار نیست. پس از من درگذر.

(۱۱) خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما، آگاه است. و هر پوشیده ای نزد آگاهی تو، آشکار است. و کارهای ریز و کوچک، از تو پنهان نمی ماند و رازهای نهان، از تو غایب نیست.

(۱۲) و دشمن تو که برای بیراهه بردن من از تو فرصت خواست، پس فرصتش دادی، و برای گمراه کردنم از تو -تا روز جزا- مهلت طلبید، پس مهلتش دادی، بر من چیره شده است.

(۱۳) پس در حالی که از گناهان کوچکِ هلاکت بار و از کردارهای

بزرگِ نـابود کننـده به سویت می گریختم، مرا بر زمین زد. و همین که به نافرمانی ات پرداختم و با زشتی کردارم، خشـمت را سزاوار گشـتم، پس عنان حیله اش را از من برگرداند و با گفتار کفرش با من روبرو شد و از من بیزاری جست و پشت کنان از من فرار کرد. پس مرا تنها در بیابان خشمت رها نمود و مرا رانده شده، به سوی درگاه انتقامت درآورد.

(۱۴) نه شـفاعت کننـده ای است که برایم نزد تو شـفاعت کند و نه پناه دهنده ای که برایم از تو امان گیرد و نه جای اسـتواری که مرا از تو بازدارد و نه پناهگاهی که از تو بدان پناه برم.

(۱۵) پس این جایگاهِ پناهنده شده به تو، و محل اعتراف کننده برای توست. پس مبادا فضل تو از من تنگی نماید و بخشایشت از من کوتاهی کنـد و مبادا من بی بهره ترین بنـدگانِ توبه کننده ات و از ناامیدترین گروه های آرزومندت باشم. و مرا بیامرز. به درستی که تو بهترین آمرزندگانی.

(۱۶) خداونـدا همانـا تـو مرا امر کردی، پس ترک گفتم و مرا نهی نمـودی، پس مرتکب شـدم و انـدیشه بـدْ خطـا را برای من آراست، پس (از فرمان تو) کوتاهی نمودم.

(۱۷) نه می توانم روزه داریِ روزی را شاهـد گیرم و نه شب زنده داری شبی را پناهِ خود خواهم و نه (عمل) مسـتحبّی به خاطر زنده ساختنش مرا می ستاید، مگر واجبات تو، که هر که آن را انجام نداد، به هلاکت رسد.

(۱۸) و من هیچ گاه با فضـیلتِ (عمل) مسـتحبّ به سویت توسّل نمی جویم، با آنکه از بسیاری از شرایط واجبات غفلت نمودم و از به پا داشتن حدود تو تجاوز کرده، پرده حرام ها را

دریده ام و گناهان بزرگی انجام داده ام که عافیت داشتن تو از رسوایی های آن، برای من پوششی گردید.

(۱۹) و این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت و بر خود خشمگین و از تو خوشنود است. پس با وجودی فروتن و گردنی فرو افتاده و پشتی گرانبار از (بار) خطاها، پیش روی توست، در حالی که میان (دو راهیِ) میل به تو و ترس از تو ایستاده است.

(۲۰) و تو سزاوارترین کسی هستی که به او امید است و شایسته ترین کسی می باشی که باید از او ترسید و از او پرهیز نمود. پس ای پروردگار من، آنچه را امید دارم، به من عطا کن، و از آنچه ترسیده ام، مرا ایمنی ده و سود رحمت خود را به من ارزانی دار. که تو بخشنده ترین کسی هستی که از آنها درخواست می شود.

(۲۱) خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی و (گناه) مرا به فضلت در سرای فانی در حضور همانندانم نهان داشتی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و پیامبران بزرگوار و شهیدان و صالحان، از همسایه ای که بدی هایم را از او نهان می داشتم و از خویشاوندی که در کارهای مخفی خود از او شرم می نمودم، مرا ایمن ساز.

(۲۲) پروردگار من، در رازپوشی بر من، به آنها اعتماد ندارم و پروردگار من، در آمرزش -برای خود- به تو اعتماد نمودم و تو سزاوارترین کسی هستی که به او اعتماد شد و بخشنده ترین کسی می باشی که از او درخواست شد و مهربان ترین کسی هستی که از او رحمت خواسته شد. پس به من رحم کن.

(۲۳) خداوندا و تو مرا

(آن هنگـام که) آبی پست (بودم)، از صـلبی بـا اسـتخوان های درهم تنیـده و راه های تنگ، به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی. مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. تا اینکه مرا به صورت کامل رساندی و در من اندام ها را پابرجا کردی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سـپس خونِ بسـته شده و سـپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی، سپس استخوان ها را با گوشت پوشاندی، آنگاه مرا آنچنانکه خواستی، آفرینشی دیگر دادی.

(۲۴) تـا هنگـامی که به روزی تو محتـاج شـدم و از فریادرسـی فضـلت بی نیاز نبودم. از زیادی خوردنی و آشامیـدنی که برای کنیزت مقرّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همـان (مـادری) که مرا در درون او جـای دادی و مرا در قرارگاه رحم او سپردی.

(۲۵) و ای پروردگـار من، اگر مرا در آن احوال به توانـایی خودم وا می گـذاردی یا مرا ناگزیر می ساختی، به نیروی خود پناه برم؛ همانا توان از من کناره می گرفت و نیرو از من دور می شد.

(۲۶) پس به فضـل خودت مراماننـد نیکوکـاری مهربـانْ خوراک دادی و آن را از روی احسانت تا کنون درباره من به جا می آوری. نیکی ات از دسـتم نمی رود و خوبی احسـانت درباره ام عقب نمی افتـد و با این همه اعتمادم به تو محکم نمی شود، تا برای آنچه که برای من نزد تو خوشایندتر است آسوده خاطر شوم.

(۲۷) شـیطانْ افسار مرا در بـدگمانی و سـست باوری به دست گرفت، پس از بـد همسایگی او با من و اطاعت نفسم از او به تو شکایت می کنم و از تو می خواهم مرا از چیرگی او نگاه داری و به درگاه تو

زاری می کنم، تا فریبش را از من بازگردانی.

(۲۸) و از تو درخواست می کنم که راهی آسان برای روزی ام، (فراهم) نمایی. پس سپاس تو را که نعمت های بزرگ را آغاز نمودی و شکرگزاری بر نیکی کردن و نعمت دادنت را به من الهام کردی. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و روزی ام را بر من آسان فرما و مرا به آنچه برایم مقدّر فرموده ای، قانع سازی و به بهره ام در آنچه برایم قسمت کرده ای، راضی نمایی و آنچه از جسم و عمرم سپری شده، در راه طاعتت قرار دهی. که تو بهترین روزی دهندگانی.

(۲۹) خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن به هر که تو را نافرمانی کرده، سخت گرفتی و با آن هر که را از خوشنودی تو روی گرداند، تهدید نمودی و از آتشی که نورش تاریکی، و آسایشش دردناک و دورش نزدیک است و از آتشی که پاره هایش یکدیگر را می خورد و برخی بر برخی دیگر حمله می برد.

(۳۰) و از آتشی که استخوان ها را می پوساند و اهلش را آب جوشان می نوشاند، و از آتشی که بر زاری کنندگانش مهربان نیست و به مهرجویانش رحم نمی کند، و قادر بر سبک کردن (شعله ها) از کسی که برایش فروتنی نماید و تسلیم او گردد، نیست و با ساکنان خود با سوزان ترین کیفرِ دردناک و عواقب سخت روبرو می شود.

(۳۱) و از عقرب های آن که دهانشان گشوده است و از مارهای آن که با نیش هایشان می زنند و از آشامیدنی اش که روده و دلِ ساکنانش را پاره پاره می کند و دل هایشان را برمی کَنَد، به تو پناه می برم و از تو راهنمایی می خواهم، برای آنچه

از آن (آتش) دور سازد و عقب گردانَد.

(۳۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به بسیاری رحمتت از آن ایمن ساز و به نیکویی گذشتت، از لغزش هایم درگذر و مرا خوار نساز. ای بهترین پناه دهندگان.

(۳۳) خداوندا همانا تو از نا خوشایندی ها نگهداری می کنی و نیکی عطا می کنی و آنچه بخواهی انجام دهی و تو بر هر چیز قادری.

(۳۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست هنگامی که نیکوکاران یاد شوند و بر محمّد و خاندانش درود فرست، تا شب و روز در گردش هستند. درودی که پشتوانه اش قطع نشود و تعدادش به شمار درنیاید. درودی که هوا را آکنده سازد و آسمان و زمین را پر کند.

(۳۵) درود خدا بر او تا اینکه خوشنود شود و درود خدا بر او و خاندانش، پس از خوشنود شدن. درودی که حدّ و نهایتی برایش نیست! ای مهربان ترین مهربانان.

دعای ۳۳– و از دعای امام علیه السلام بود، در استخاره (درخواست خیر و نیکی)

(۱) خداوندا، همانا من به علمت از تو درخواستِ خیر دارم. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و برایم به خیر حکم فرما.

(۲) و معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما و آن را وسیله خوشنودی به آنچه برای ما مقدّر فرمودی و تسلیم به آنچه حکم نمودی، قرار ده. پس آشفتگیِ تردید را از ما دور گردان و ما را به یقینِ اهل اخلاص، توانا فرما.

(۳) و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و مورد رضایت تو را ناپسند داریم و به آنچه که از حسن عاقبت دورتر و به ضدّ عافیت نزدیک تر است، تکیه نماییم.

(۴) آنچه از مقدّراتت که نمی پسندیم، نزد

ما محبوب فرما و آنچه از حکمت که سخت می شماریم، بر ما آسان گردان.

(۵) و گردن نِهی بر خواسته ات را -که بر ما وارد ساختی- به ما الهام فرما، تا تأخیر آنچه را پیش انداختی و تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته ای، دوست نداشته باشیم. و آنچه را دوست داشتی، ناپسند نشماریم و آنچه را ناپسند داشته ای، اختیار نکنیم.

(۶) و کار ما را به آنچه عاقبتش ستوده تر و سرانجامش گرامی تر است، ختم کن. به درستی که تو عطای گرانمایه می دهی و (نعمت) بزرگ می بخشی و آنچه بخواهی انجام می دهی و تو بر هر چیز توانایی.

دعای ۳۴- و از دعای امام علیه السلام بود، موقعی که گرفتار آزمایش می شد یا گرفتارشده به رسوایی گناهی را می دید

(۱) خداوندا سپاس تو را، بر (خطا) پوشاندنت پس از علمت و بر عافیت بخشی ات پس از آگاهی ات. چرا که هر کدام از ما کار ناپسند انجام داد، او را مشهور (در بدکاری) نکردی و کردار زشت به جا آورد، پس او را رسوا ننمودی و عیب های پنهان داشت، پس آن را نمایان نکردی.

(۲) چه بسیار نهی نمودنی که آن را انجام دادیم و امری که ما را بر آن آگاه کردی، پس ما از آن تعدّی نمودیم و بدی ای که آن را کسب کردیم و خطایی که مرتکب شدیم، (و) تو بر آن مطّلع بودی نه (دیگر) بینندگان. و بیشتر از همه قدرتمندان بر آشکار کردنش قادر بودی. امّا عافیت بخشیدن تو برای ما پرده ای پیش چشمانشان و مانعی در برابر گوش هایشان قرار داد.

(۳) پس آن عیب ها که پوشاندی و بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پند دهنده و بازدارنده از بدخویی و خطاکاری و کوشش به توبه محو کننده و (حرکت در) راه ستوده، قرار ده.

(۴) و زمان آن

را نزدیک گردان و ما را گرفتار غفلت از خودت نکن. زیرا ما به سوی تو راغب هستیم و از گناهان، توبه کننده ایم.

(۵) خداوندا و بر برگزیده ات از آفریدگان خود؛ محمّد و خانواده او که از آفریدگان پاک تو هستند، درود فرست و همان طور که فرمان داده ای ما را در برابر ایشان گوش به فرمان و مطیع قرار ده.

دعای ۳۵– و از دعای امام علیه السلام بود، در خوشنودی، هنگامی که به اهل دنیا نگاه می کرد

(۱) سپاس خدای را که راضی به حکم اویم. گواهی می دهم که خدا روزی های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود و با همه آفریدگانش با فضل رفتار کرد.

(۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به آنچه به آنان (دنیاداران) عطا کردی، آزمایش نکن و آنان را به آنچه از من منع داشتی، دچار آزمون نساز که بر آفریدگانت حسد برم و حکم تو را سبک شمارم.

(۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به قضای خود، خوشنود گردان و سینه ام را به احکام خود، فراخ ساز و به من اعتمادی بخش تا به اینکه قضای تو جز به نیکی جاری نگشته، اعتراف کنم. و شکرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی بیش از شکرم به آنچه به من مرحمت کردی، قرار ده.

(۴) و مرا از اینکه به فقیری گمانِ پستی برم و به ثروتمندی گمانِ فضل برم، حفظ فرما. زیرا شرافتمند کسی است که اطاعت تو شریفش گرداند و عزیز کسی است که بندگی تو عزّتش بخشد.

(۵) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را ثروتی که نابود نشود، ببخش. و ما را با عزّتی که از دست نرود، تأیید فرما. و ما را در سلطنت ابدی، رها کن. به

درستی که تو تنها یکتای بی نیازی که فرزند نیاوردی و زاییده نشدی و هیچ کس مانند تو نبوده است.

دعای ۳۶- و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که به ابر و آذرخش نگاه کرد و بانگ غرش ابر را شنید

(۱) خداوندا همانا این دو، دو نشانه از نشانه های تو و دو خدمت گزار از خدمت گزاران تو هستند، که به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار به طاعتت می شتابند. پس به سبب آن دو، باران زیانبار بر ما نباران. و به سبب آن دو جامه بلا بر ما نپوشان.

(۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و سود و برکت این ابرها را بر ما فرود آور و آزار و زیانشان را از ما برگردان و در آنها آفتی به ما نرسان و زیانی بر معیشت ما نفرست.

(۳) خداوندا و اگر آن را برای کیفر بر انگیخته ای و از روی خشم فرستاده ای، پس ما از خشمت، از تو امان می خواهیم. و برای درخواست بخششت، به سوی تو زاری می کنیم. پس خشم را به سوی مشرکان بگردان و آسیاب کیفرت را برای ملحدان به گردش درآور.

(۴) خداوندا خشک سالیِ شهرهای ما را، با آبیاری خویش برطرف ساز و عقده دل هایمان را، با روزی ات بگشا و ما را از خودت به دیگری مشغول نکن و اصل احسانت را از جمع ما قطع نساز. زیرا توانگر کسی است که تو توانگر ساختی و سالم کسی است که تو نگهداری نمودی.

(۵) هیچ کس در نزد تو (قدرت) دفاع ندارد و هیچ کس از غلبه ات امتناع نتواند کرد. به هر چه خواستی، بر هر کس خواستی، حکم می کنی و به آنچه خواستی، بر هر کس خواستی، فرمان می رانی.

(۶) پس سپاس تو راست، بر بلاهایی که ما را از آن نگهداشتی و شکر تو

راست، بر آنچه از نعمت هایت که به ما بخشیدی. سپاسی که سپاس سپاسگزاران را پشت سر گذارَد و سپاسی که زمین و آسمانش را پر سازد.

(۷) همانا تو بهره دهنده بهره های بزرگ، بخشنده نعمت های عظیم، قبول کننده سپاس اندک، پاداش دهنده شکر کم، نیکوکارِ عطا کننده هستی. دارای بخششی. خدایی جز تو نیست. بازگشت (همه) به سوی توست.

دعای ۳۷– و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که به کوتاهی نمودن از انجام شکرگزاری اقرار می نمود

(۱) خداوندا همانا کسی به نهایت شکر گزاری ات نمی رسد، مگر آنکه از احسان تو چیزی به دست آورد که او را شکر (دیگری) لازم آید.

(۲) و در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد، جز آنکه در برابر آنچه شایسته فضل توست، مقصر است.

(۳) پس شکرگزارترین بندگانت از شکر تو، عاجز و عابدترین آنان از اطاعتت، مقصر است.

(۴) هیچ کس در حدّی نیست که به سبب استحقاقش آمرزشت را ایجاب کند و شایستگی اش رضایت تو را لازم سازد.

(۵) پس هر کس را آمرزیدی، از احسان توست و از هر که راضی شوی، از فضل توست.

(۶) اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی و بر اندک طاعتی که از تو شود، پاداش می دهی. تا اینکه گویا شکرگزاری بندگانت -که پاداش آنها را لازم گردانـدی و جزای آنان را بزرگ نمودی- کاری است که آنان بدون تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای یا سبب آن در تصرّف تو نبوده، پس ایشان را پاداش داده ای.

(۷) بلکه ای خدای من، تو زمام امرشان را به دست داشته ای، پیش از آنکه بر عبادت تو توانایی داشته باشند و پاداششان را آماده نموده ای، پیش از آنکه در طاعتت وارد شوند. زیرا سنّت تو

بخشش و عادت تو احسان و راه تو بخشایش است.

(۸) پس همه آفریدگان اعتراف می کنند که تو هر که را عقوبت نمودی، ستمگر نیستی. و گواهند که تو هر که را عافیت بخشی، به فضل رفتار نموده ای. و همگی به تقصیر خود در ادای آنچه تو شایسته آنی، اقرار دارند.

(۹) پس اگر شیطان آنها را از اطاعتت فریبشان نمی داد، هیچ گناهکاری نافرمانی تو را نمی کرد. و اگر او باطل را برای ایشان به صورت حق جلوه نمی داد، هیچ گمراهیْ از راه تو گمراه نمی شد.

(۱۰) پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است، از فرمانبر در آنچه تو برایش فراهم نموده ای، تشکّر می کنی و گنهکار را در آنچه توانایی شتاب در کیفرش را داری، مهلت می دهی.

(۱۱) هر یک از آن دو را چیزی عطا کرده ای که برایش لازم نبود و به هر یک از آنان چیزی تفضّل نموده ای که عملش کمتر از آن است.

(۱۲) و اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن گماشته ای، جزا دهی، چه بسا پاداش تو را از دست می داد و نعمت تو از دستش می رفت. ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش دراز مدّتِ همیشگی دادی و در برابر عمل نزدیک مدّتِ زوال پذیر، پاداش درازمدّت پایدار عطا نموده ای.

(۱۳) سپس از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی. و نسبت به ابزاری که با به کار بردن آنها، به آمرزش تو نائل شد، حساب کشی سخت نکردی. و اگر با او

چنین رفتـار می نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشـیده، در برابر کوچک ترین احسان های تو و نعمت هـایت از دست رفته بـود. و در حضـور تو برای بـاقی نعمت هـایت در گرو می مانـد. پس کی (چنین بنـده ای) مسـتحقّ ثوابی از سوی تو می شد؟ نه! هیچ گاه!

(۱۴) ای خدای من، این وضعیت کسی است که از تو اطاعت نموده و راه کسی است که در بندگی تو کوشیده. و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کنـد و نهی تو را به جـا آورد، پس به کیفرش شـتاب نکردی تـا حـال خود را در نافرمـانی ات به حـال طـاعتت عـوض کنـد و حـال آنکه او در آغـاز که همّت نافرمـانی تـو نمـود، همه عقـوبت هـای تو را که برای همه آفریـدگانت آمـاده ساختی، سزاوار می شد.

(۱۵) پس هر عـذابی که از او به تأخیر انـداخته ای و هر کیفر و عقابی که در انجام آن کُندی نموده ای، ترک کردن حقّ خود و راضی شدن به کمتر از شایستگی خودت بوده است.

(۱۶) پس ای خـدای من، کریم تر از تو کیست؟ و شـقی تر از کسـی که بر اثر نافرمـانی ات به هلاکت افتاده، کیست؟ نه! هیچ کس؟ پس والا‌تر از آنی که جز به احسـان وصف شوی و کریم تر از آنی که جز از عـدالتت ترسـند. بیمی از آن نیست که بر کسـی که تو را معصـیت کرد، سـتم کنی و ترسـی نیست که پاداش آنکه تو را خوشـنود گردانْـد، فروگذاری. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و آرزویم را به من ببخش و هدایت خود را برایم بیفزا، که با آن به توفیق در عملم برسم. که تو بسیار

نعمت دهنده کریم هستی.

دعای ۳۸– و از دعای امام علیه السلام بود، در توبه کردن از داد خواهی های بندگان و از کوتاهی کردن در حقوق ایشان و در رهایی اش از آتش

(۱) خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از ستم دیده ای که در حضور من به او ستم شد، پس او را یاری نکردم. و از نیکی ای که به من شد، پس شکر آن را به جا نیاوردم. و از بد کرداری که از من عذرخواهی کرد، پس عذر او را نپذیرفتم. و از نیازمندی که از من درخواست کرد، پس او را بر خود برتری ندادم. و از حقِّ حقدار مؤمنی که بر من لازم گردانده بودی، پس آن را به تمامی ادا نکردم و از عیب مؤمنی که برای من آشکار شد، پس آن را نپوشاندم. و از هر گناهی که برایم پیش آمد، پس از آن دوری نکردم.

(۲) ای خدای من، از آنها و نظایر آنها از تو عذر می خواهم، عذر خواهیِ از روی پشیمانی، که از مانند آنها مرا در آینده ام، پند دهنده باشد.

(۳) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پشیمانی ام را از لغزش هایی که به آن دچار شدم، و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گردانَد. ای دوستدار توبه کنندگان.

دعای ۳۹– و از دعای امام علیه السلام بود، در درخواست بخشایش و مهربانی

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و خواهش نفس مرا، از هر حرامی بشکن و حرص مرا از هر گناهی دور کن، و مرا از آزار رساندن به هر مرد و زن با ایمان و به هر مرد و زن مسلمان بازدار.

(۲) خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی و آبرویی از من برد که بر او ممنوع ساخته بودی و

او بـا همـان وزر و وبـال از دنیـا رفته یـا وزر و وبال من او را در دنیا در حال حیات گرفته، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیـامرز. و آنچه را از من برد، بر او ببخشـای. و او را به خـاطر آنچه درباره من انجام داد، سـرزنش نکن. و از آنچه بر من کرده، رسوایش نساز و گذشت از ایشان را که من کردم، و بخششـی که بی هیچ عوضی به آنان دادم، پاکیزه ترین صدقه های صدقه دهندگان و بالاترین بخشش های تقرّب جویان قرار ده.

(۳) و به جـای گذشـتم از ایشـان، گـذشت خودت را و به جـای دعـایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده. تا هر یک از ما به فضل تو، سعادتمند شود و هر کدام از ما به سبب نعمتت، نجات یابد.

(۴) خداونـدا و هر بنـده ای از بندگانت که نارواییی از من به او رسـیده یا از ناحیه من به او آزاری رسـیده، یا به دست من یا به وسـیله من، سـتمی به او شـده، پس حقّش را تباه کرده ام یا داد خواهی اش را از بین برده ام، پس بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و او را با توانگری خود، از من خوشنود گردان و حقّ او را به تمامی از نزد خودت بپرداز.

(۵) سـپس مرا از آنچه حکم تـو را واجب می گردانـد، نگهـدار و از آنچه عـدل تو را حکم می کنـد، خلاـص گردان. پس به درستی که نیروی من تـاب انتقـام تو را نـدارد. و همانـا طاقت من، با خشم تو برابری نمی کنـد. زیرا اگر تو مرا به حقّ مکافات دهی، هلاکم. و اگر مرا به

رحمتت نپوشانی، تباهم.

(۶) خداونـدا، ای خدای من، همانا من از تو بخششی می خواهم که بخشیدن آن از تو چیزی نمی کاهد و از تو حمل باری را خواهم که حملش برای تو سنگین نیست.

(۷) ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی یا به وسیله آن به سودی راه جویی. بلکه آن را آفریدی، تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود و بدین سبب بر (آفرینش) شبیه آن، دلیل آوردی.

(۸) و از تو می خواهم گناهانم را از من برداری که حملش بر من فشار می آورد، و از تو یاری می جویم بر آنچه سنگینی اش پشت مرا شکسته.

(۹) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به خاطر ظلمی که به خود کرده ام، ببخش. و رحمتت را به تحمّل بار سنگینم بگمار. پس چه بسیار رحمتت که به بدکاران رسید و چه بسیار عفوت که ستمگران را فرا گرفت.

(۱۰) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی، و به توفیق خود، از منجلاب های مجرمان، رهاندی. پس به واسطه عفوت از قید و بند خشمت، رها گردیده و به واسطه نیکی ات از بند دادگری ات، آزاد شده است.

(۱۱) ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که شایستگی عقوبت تو را انکار نمی کند، و نفس خود را از سزاواری انتقامت، مبرّا نمی داند.

(۱۲) ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست، و کسی

که ناامیـدی اش از نجات، محکم تر از امیـدش به رهایی است. نه اینکه ناامیـدی اش، قطع امیـد باشد. یا طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک و دلیل هایش درباره همه گناهانش ضعیف است.

(۱۳) و امّا تـو ای خـدای مـن، پس شایسـته ای که راسـتگویان به تـو مغرور نشونـد و مجرمـان از تـو مـأیوس نگردنـد. زیرا تو پروردگار بزرگی هستی که فضل خود را از کسی باز نمی دارد و حقّ خود را از کسی طلب نمی کنی.

(۱۴) یاد تو از یاد شـدگان برتر است و نام هایت از نسب داران مقدّس تر است و نعمتت در همه آفریدگان پراکنده است. پس تو را بر همه اینها سپاس. ای پروردگار جهانیان.

دعای ۴۰– و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که خبر مرگ کسی به او می رسید یا مرگ را یاد می کرد

(۱) خداونـدا، بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و مـا را از آرزوی دراز بـازدار و بـا عمـل راستین، آن را از مـا کوتاه کن، تا بدانجا که تمام کردن ساعتی را پس از ساعتی و یافتن روزی را پس از روزی و پیوستگی نفسی را به نفسی و در پی هم آمدن گامی را به گامی، آرزو نکنیم.

(۲) و ما را از فریبش سـلامتی ده و از شـرورش ایمن ساز و مرگ را پیش روی ما مجسم بدار و گهگاه یاد کردنش را برای ما قرار نده.

(۳) و از اعمـال شایسـته، عملی برای مـا قرار ده که بـا آن بـازگشت به سوی تو را کُنـد شـماریم و به زود رسـیدن به تو حرص ورزیـم. تـا جـایی که مرگ برای مـا محـل انسـی باشـد که به آن انس گیریم و محـل الفـتی باشـد که به سـوی آن مشـتاقیم و (همانند) خویشاوند نزدیک ما باشد که

نزدیک شدن به او را دوست داریم.

(۴) پس هنگـامی که آن را نزد ما وارد نمودی و آن را بر ما فرود آوردی، ما را به زیارت آن سعادتمند گردان. و ما را به آن تازه وارد انس ده. و در پذیرایی از او ما را به شقاوت میفکن. و از دیدارش ما را خوار نساز و آن را دری از درهای آمرزشت و کلیدی از کلیدهای رحمتت قرار ده.

(۵) مـا را ره یافتگانِ ناگمراه، و فرمان برداران بی اجبار، توبه کنندگان غیر گنهکار و اصرار کننده، بمیران. ای ضامن پاداش نیکوکاران و خواهان اصلاح عمل تبهکاران.

دعای ۴۱– و از دعای امام علیه السلام بود، در درخواست پرده پوشی و نگهداری (از گناه و کیفر)

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و بسترهای کرامتت را برای من بگستر و مرا در آبشخورهای رحمتت درآور و مرا در میان بهشتت جای ده و با دست رد زدن بر سینه ام، مرا خوار نساز و به ناامیدی از خود، مرا محروم نکن.

(۲) و مرا به خـاطر آنچه انجـام دادم، تقـاص نکن و به آنچه کسب کردم، بر من سخت مگیر و رازم را آشکار مکن و (عیب) پوشیده ام را نمایان نساز و عملم را در ترازوی انصاف نگذار و حال (و چگونگی) مرا در پیش چشم بزرگان علنی نکن.

(۳) آنچه انتشارش (مایه) ننگ من می باشد را، از آنان پنهان کن و آنچه نزد تو مرا به زشتی می رساند، از آنان بپوشان.

(۴) درجه مرا به خوشنودیت، شرافت ده و به آمرزشت، کرامت مرا کامل گردان و مرا در جماعت یاران دست راست درآور و مرا به سوی راه های ایمن شدگان بفرست و در گروه رستگاران قرار ده و مجالس شایستگان را به وسیله من آباد ساز.

اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

دعای ۴۲- و از دعای امام علیه السلام بود، هنگام به پایان رساندنِ (خواندن همه) قرآن

(۱) خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی و آن را بر هر کتابی که نازل کرده ای، گواه قرار دادی و آن را بر هر سخنی که حکایت کرده ای، برتری دادی.

(۲) و (آن را) جدا کننده ای (قرار دادی) که به وسیله آن بین حلال و حرامت جدا کردی. و قرآنی که با آن راه های احکامت را روشن ساختی و کتابی که برای بندگانت با تفصیل بیان نمودی و وحیی که بر پیامبرت محمّد -که درودهای تو بر او و خاندانش باد- به تدریج نازل فرمودی.

(۳) و آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم و شفا برای کسی که با فهم و تصدیق به آن گوش فرا داد و استماعش نمود، و ترازوی عدلی که زبانه اش از راستی به بیراهه نمی رود، و نور هدایتی که برهانش از (دید) شاهدان، خاموش نمی شود و نشانه نجاتی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود و هر که به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی رسد.

(۴) خداوندا، پس هنگامی که ما را بر تلاوتش یاری نمودی و زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند و با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند و خود را در پناه اقرار به (آیات) متشابه و دلایل روشنش قرار می دهند.

(۵) خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد

–که درود خدا بر او و خاندانش باد–، بدون تفصیل و شرح نازل کردی و علم به شگفتی هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی و علم آن را تفسیر شده، به ما ارث دادی و ما را بر کسی که به علم آن نادان بود، برتری بخشیدی و ما را بر (دریافت) آن قوّت دادی، تا بدین سبب بر کسی که طاقت تحمّل آن را نداشت، رفعت بخشی.

(۶) خداوندا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن قرار دادی، و به رحمت خود شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمّد که با آن سخن راند و بر خاندانش، گنجینه داران آن، درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا شکّی جلودار تصدیق ما نشود و انحرافی ما را از راه راستش جدا نسازد.

(۷) خداوندا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان آن چنگ می زنند و از متشابهات به پناهگاه محکمش پناه می برند و در سایه بال آن ساکن می شوند و با نور صبحگاهش راه می یابند و به درخشش روشنایی آن اقتدا می کنند و از نور چراغ آن، روشنی می افروزند و در غیر آن هدایت را نمی جویند.

(۸) خداوندا و چنان که به وسیله قرآن، محمّد را نشانه ای برای راهنمایی به خود نصب نمودی و به وسیله خاندانش، راه های خوشنودی به سوی خود را آشکار ساختی، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت و نردبانی برای عروجمان به محل سلامت، و

دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت و وسیله ای برای قدم نهادن ما بر نعمتِ سرای اقامت، قرار ده.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز و زیبایی خوهای نیکوکاران را به ما ببخش و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند، تا به پاک کنندگی آن، ما را از هر آلودگی پاک کنی و ما را در پی کسانی گردانی که از نور آن، روشنی جستند و آرزو، آنان را از کار (نیک) سرگرم نکرد تا آنها را با نیرنگ های فریبنده اش بازدارد.

(۱۰) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب و نگهبان ما از وسوسه های شیطان و از اندیشه های بد، و نگهدار گام های ما از حرکت به سوی گناهان، و بند آورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشد، و مانع برای اندام های ما از انجام گناهان، و ناشر پندهایی که غفلت از دید ما می پوشاند، قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های باز دارنده اش را که کوه های استوار با محکمیشان از تحمّل آن ناتوانند، به دل های ما برسانی.

(۱۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و با قرآن ظاهرِ نیک ما را بادوام گردان و با آن خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار و به وسیله آن چرکی دل هایمان و وابستگی های گناهانمان را بشوی و با آن کارهای پراکنده ما را گرد آور و با آن تشنگی شدید ما را در جاهای

گرم در جایگاهی که در پیشگاه توست، سیراب فرما و با آن ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که از قبرها سربرمی آوریم، به جامه های امان بپوشان.

(۱۲) خداوندا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و به وسیله قرآن، تنگدستی ما را به نداشتن نیازمندی جبران کن و به وسیله آن، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده و با آن ما را از خوی های نکوهیده و اخلاق پست، دور کن. و با آن ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در قیامت جلودار ما به سوی خوشنودی تو و بهشت هایت، و در دنیا بازدارنده ما از خشم تو و تجاوز از حدودت، و شاهد ما به آنچه نزد توست به حلال دانستن حلالش و حرام شمردن حرامش، باشد.

(۱۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به وسیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن و سختی ناله و خرناسه های پی درپی زمان جان کندن را بر ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می رسد و می گویند: کجاست طبیب؟ و فرشته مرگ برای گرفتن آن از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جدایی از کمان آرزوها نشانه گیرد و برای آن (جان ها)، جامی از شوکران مرگ -که چشیدن آن زهرآلود است- آمیخته سازد و کوچ کردن و رفتن ما به جهان دیگر نزدیک شود و اعمال، گردن بندهای در گردن ها گردد. و گورها تا هنگام قیامت، جایگاه ماندن باشد.

(۱۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) و ماندن طولانی در میان طبقه های خاک را برای ما

مبـارک گردان و قبرهـا را پس از فراق از دنیـا، بهترین خـانه های ما قرار ده. و به رحمتت، تنگی لحـدهایمان را برای ما گشاد گردان و ما را با گناهان هلاک کننده مان، در برابر حاضرانِ قیامت، رسوا نکن.

(۱۵) و بـه (برکت) قرآن، در جـای ایسـتادن که به پیشـگاهت عرضه می شـویم، بر خـواری مـا رحم کن و هنگـام لرزیـدن پل دوزخ، در آن روز کـه بر آن عبـور می کنیـم، لغزش گـام هـای مـا را بـه وسـیله آن پابرجـا گردان و پیش از برانگیخته شـدن، تاریکی قبرهایمان را با آن روشن ساز و ما را در روز رسـتاخیز از هر انـدوهی و از ترس های سـخت روز قیامت، به وسـیله آن نجات ده.

(۱۶) و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان و دوستی ما را در سینه های مؤمنان، قرار ده و زندگی را بر ما دشوار نگردان.

(۱۷) خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه رسالت تو را ابلاغ کرد و فرمانت را با صدای رسا بیان کرد و بندگانت را نصیحت کرد.

(۱۸) خداونـدا پیـامبر مـا را -که درودهای تو بر او و بر خانـدانش باد- روز رسـتاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود و بلند مرتبه ترین شفاعت کنندگان ایشان و بزرگوار ترین آنها نزد خود، و آبرومند ترین آنان نزد خود قرار ده.

(۱۹) خداونـدا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بنیاد او را شـرافت ده و برهان او را عظمت بخش و میزانش را سـنگین گردان و شفاعت او را بپذیر و دستاویزش را نزدیک نما و روسفیدش فرما و نورش را کامل ساز و

درجه اش را رفیع گردان.

(۲۰) و ما را بر سنّت او زنده بدار و بر آئین او بمیرانمان و ما را در راه روشن او سِیر ده و ما را به راه او ببر و از فرمانبران او قرارمان ده و ما را در گروه او محشور کن و به حوض او واردمان کن و از جام او سیرابمان ساز.

(۲۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد، برسانی. که تو دارای رحمت گسترده و بخشش کریمان هستی.

(۲۲) خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود و آیه هایت را رساند و بندگانت را نصیحت کرد و در راه تو مجاهدت کرد، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود و پیامبران فرستاده شده برگزیده ات دادی. و درود و رحمت و برکات فزاینده خداوند، بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.

دعای ۴۳– و از دعای امام – که بر او درود باد– بود، هنگامی که به سوی ماه نو نگاه کرد

(۱) ای آفریده فرمانبردار، و کوشای شتابنده، که در منزل های قرار داده شده، آمد و شد می کنی و در فلک تدبیر تصرّف می کنی.

(۲) ایمان آوردم به کسی که به وسیله تو ظلمت ها را نورانی ساخت و با تو مبهمات را واضح نمود و تو را نشانه ای از نشانه های پادشاهی اش و علامتی از علامت های سلطنتش قرار داد و تو را با فزونی و کاستی، و طلوع و غروب، و نور فشانی و گرفتگی، به خدمت گرفت. و در همه آن حالات، تو مطیع او هستی و به سوی خواسته اش، شتابنده ای.

(۳) پاک و منزّه است او. چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو

تدبیر نمود! و چقدر لطیف است، آن صنعتی که درباره کار تو انجام داد! تو را کلید ماهی نو برای کاری نو قرار داد.

(۴) پس از خـدایی که پروردگار من و پروردگار تو، و آفریننـده من و آفریننـده تو، و تقـدیر کننـده من و تقـدیر کننـده تو، و صورتگر من و صورتگر تو است، درخواست می کنم که بر محمّد و خاندانش درود فرستد و تو را ماه با برکتی قرار دهد، که (گذشت) روزها از بینش نبرد و طهارتی که گناهان آن را آلوده نکند.

(۵) ماه ایمنی از آفت ها و سـلامتی از بدی ها، ماه سعادتمندی بی تیره بختی، و برکتی بی گرفتاری با آن، و آسانی نیامیخته با دشواری، و خیر ناآلوده با شرّ، ماه ایمنی و ایمان و نعمت و احسان و سلامت و اسلام.

(۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از خوشنودترین کسانی که ماه بر او طلوع کرده و پاک ترین کسانی که به سوی آن نگریسـته(انـد) و نیکبخت ترین کسانی که تو را در آن (ماه) بنـدگی نموده(انـد)، قرار ده و ما را در آن برای توبه توفیق ده و ما را در آن از گناه حفظ کن و ما را در آن از انجام دادن نافرمانی ات نگهدار.

(۷) و در آن (ماه) شـکر نعمتت را به ما الهام کن و در آن پوشش های عافیت را به ما بپوشان و با کامل کردن طاعتت در آن، نعمت را بر ما تمام گردان. به درستی که تو بسیار نعمت دهنده و ستوده ای. و خدا بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد.

دعای ۴۴– و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که ماه رمضان رسید

(۱) سپاس خدای را که ما را

برای سپاس گزاری اش راهنمایی فرمود، و از اهل سپاس قرار داد. تا برای احسانش از شکرگزاران باشیم و ما را بر آن، پاداش نیکوکاران دهد.

(۲) و سپاس خدای را که دین خود را به ما هدیه کرد، و ما را به آئین خویش اختصاص داد، و در راه های احسانش، ما را راهی نمود، تا در آن (راه ها)، به وسیله نعمتش به سوی خوشنودی اش رویم. سپاسی که آن را از ما بپذیرد و به سبب آن از ما خوشنود شود.

(۳) و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه روزه و ماه اسلام و ماه پاکی و ماه پاکسازی و ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فرو فرستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه های آشکار از هدایت و جدا سازی (حقّ از باطل) است.

(۴) پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به حرمت های فراوان و فضایل مشهور آشکار ساخت. پس در آن به خاطر بزرگ داشتش، آنچه در غیر آن حلال بود، حرام کرد و از جهت گرامی داشتش، خوردنی ها و آشامیدنی ها را در آن ممنوع نمود و برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود و نمی پذیرد که از آن وقت به تأخیر افتد.

(۵) آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد، و آن را شب قدر نامید. که در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، بر هر یک از بندگانش که بخواهد، با آنچه از تقدیرش که محکم نموده، برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام (به

همراه) برکتی است که تا برآمدن سپیده دم دوام دارد.

(۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و شناختِ فضیلتش، و بزرگداشتِ احترامش، و خویشتن داری از آنچه را که در آن حرام نموده ای، به ما الهام کن. و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما. تا با گوش هایمان هیچ لغوی گوش ندهیم، و با چشم ها یمان به سوی هیچ لهوی نشتابیم.

(۷) و تا دست هایمان را به سوی هیچ ممنوعی دراز نکنیم، و با پاهایمان به سوی هیچ حرامی نرویم، و تا شکم هایمان جز آنچه تو حلال نموده ای در خود جای ندهد، و زبان هایمان جز به آنچه تو بیان کرده ای، سخن نگوید. و خود را جز در آنچه به پاداش تو نزدیک کند، به رنج نیندازیم، و جز آنچه از کیفر تو نگاه دارد، انجام ندهیم. سپس همه آن را از خودنمایی ریاکاران و شهرت جویی شهرت طلبان، خالص گردان. که احدی را در آن با تو شریک نسازیم و جز تو در آن مرادی را نطلبیم.

(۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و واجباتش که واجب کردی و وظایف آن که معین نمودی و اوقاتش که تعیین گرداندی، آگاه فرما.

(۹) و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که مراتبش را درک کرده اند، ارکانش را محافظت نموده اند، و آن را در اوقات خود -به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو]که درودهایت بر او و خاندانش باد[در رکوع و سجود آن و همه فضیلت هایش

قرار داد- با پاکی تمام و فراگیر، و روشن ترین و نهایی ترین خشوع به جا آورده اند.

(۱۰) و ما را در آن ماه توفیق ده، که با نیکی و بخشش، به خویشاوندانمان نیکی کنیم و با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم. و دارایی هایمان را از مظالم خالص گردانیم و آن را با بیرون کردن زکات ها پاک کنیم و به کسی که از ما دوری نموده، بازگردیم و با کسی که به ما ظلم نموده، منصفانه رفتار کنیم و با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم. مگر آنان که در راه تو و برای تو با آنها دشمنی شده. که او دشمنی است که با او دوستی نمی کنیم و حزبی است که با او صمیمی نمی شویم.

(۱۱) و در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی و از آلوده شدن به عیب های تازه در این (ماه) ما را نگهداری کنی. تا هیچ یک از فرشتگانت به درگاهت نیاورد، مگر کمتر از طاعت های گوناگون برای تو و انواع تقرّبی که به سوی تو انجام می دهیم.

(۱۲) خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ این ماه و به حقّ کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده اند؛ از فرشته ای که او را مقرّب ساختی، یا پیامبری که او را فرستادی یا بنده صالحی که او را برگزیدی، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستانت وعده داده ای، سزاوار نما و برای ما در این (ماه)، آنچه برای کوشش گران

در طاعتت لازم کرده ای، لازم گردان و ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو، مستحقّ بالاترین مرتبه گشته اند، قرار ده.

(۱۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از کجروی در یگانگی ات و کوتاهی در بزرگ داشتنت و شکّ در دینت و کوری از راهت و سهل انگاری حرمتت و فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان.

(۱۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که عفو تو، آنها را آزاد می کند، یا گذشتت ایشان را می بخشد، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده. و ما را برای ماه مان از بهترین خویشان و یاران قرار ده.

(۱۵) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و با محو شدن هلال ماه، گناهان ما را محو کن و با گذشتن روزهایش سختی ها یمان را از ما بکن. تا (این ماه) در حالی از ما بگذرد که ما را در آن از خطاها پاکیزه ساخته ای و در این (ماه) از بدی ها خالصمان نموده ای.

(۱۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و اگر در آن کجروی کرده ایم، پس ما را بازگردان و اگر در آن منحرف شده ایم، ما را استوار بدار. و اگر دشمن تو شیطان، بر ما چیره شده، پس ما را از او رهایی ده.

(۱۷) خداوندا این (ماه) را از عبادت های ما، پر گردان و اوقاتش را به طاعت ما برای خود، زینت ده و ما را در روزش به روزه داری آن و در شبش بر نماز و زاری به درگاهت و خشوع برای تو و خواری

در پیشگاهت، یاری نما. تا روزش بر ما به غفلت و شبش به کوتاهی نمودن گواهی ندهد.

(۱۸) خداوندا و ما را تا زمانی که عمر می دهی در بقیه ماه ها و روزها، این چنین قرار ده و ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که بهشت را ارث می برند، و در آن جاودانند و آنان که آنچه را بخشیدند، در حالی می بخشند که دل هایشان از بازگشت به سوی پروردگارشان ترسان است و از آنان که در نیکی ها می شتابند و ایشان برای آن پیشی می گیرند.

(۱۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، در هر وقت و هر آن و بر هر حال. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده ای، و چندین برابر همه آن به چندین برابر که جز تو شمار آنها را نداند. به درستی که تو هر آنچه را که بخواهی، به جا می آوری.

دعای ۴۵– و از دعای امام علیه السلام بود، در خداحافظی و بدرود ماه رمضان

(۱) خداوندا ای کسی که پاداش نمی خواهد.

(۲) و ای کسی که بر عطا (و بخشش) پشیمان نمی شود.

(۳) و ای کسی که بنده خود را همسان (عملش) جزا نمی دهد.

(۴) بخشش تو ابتدا(یی و بدون مقدّمه) و بخشایشت از روی تفضّل است، و کیفرت از روی عدل، و فرمانت خیر است.

(۵) اگر عطا کنی، عطایت را با منّت نیامیخته ای و اگر منع کنی، منع داشتنت از روی ستم نیست.

(۶) هر که تو را شکر کرد، قدردانی کنی و حال آنکه شکرگزاری را تو به او الهام کرده ای.

(۷) و هر که تو را سپاس گزارد، جزا دهی و حال آنکه سپاس گزاری را تو به او آموخته ای.

(۸) می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی، و می بخشی بر کسی که اگر می خواستی، محرومش می کردی. و

حال آنکه هر دو از جانب تو سزاوار رسوایی و محرومیّتند. مگر آنکه تو کارهایت را بر تفضّل قرار داده ای و قدرتت را بر گذشت، جاری ساخته ای.

(۹) و با کسی که نافرمانی ات را نموده، با بردباری رفتار می کنی و کسی را که به خود قصد ستم نموده، مهلت داده ای. با حوصله اتْ منتظر بازگشت ایشان می مانی و تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا هلاک شونده ایشان، به خاطر تو هلاک نشود و بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او و پس از حجّت های پیاپی آوردن بر او. که (این همه) کرامت، از گذشت توست، ای کریم!. و سودی از مهربانی توست، ای بردبار!.

(۱۰) تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایشت گشوده ای و آن را توبه نامیده ای، و بر آن درْ از وحی خود، راهنمایی قرار داده ای تا از آن گمراه نشوند. پس تو که نامت مبارک است، فرمودی: «به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزداید و شما را به بهشت هایی داخل کند که نهرها از زیر آن جاری است.

(۱۱) روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند. نورشان پیش رو و از سمت راستشان حرکت می کند، گویند: «پروردگارا، نورمان را برای ما کامل گردان و ما را بیامرز. به درستی که تو بر هر چیزی توانایی.» پس -بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما- عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!

(۱۲) و تویی آنکه در داد و ستد با بندگانت، در بهای آن

بر خود افزوده ای. می خواهی در تجارت کردنشان با تو، سود برند و در آمدن به سوی تو و افزونی یافتن از جانب تو، رستگار شونـد. پس تو که نـامت مبـارك و بلنـدمرتبه است، فرمودی: «هر کس کار نیکی به جا آورَد، پس برای او ده برابر آن است و هر کس کار بدی کند، جز مانند آن جزا داده نمی شود.»

(۱۳) و فرمـودی: «داسـتان کسـانی کـه دارایی هایشـان را در راه خـدا می بخشـند، ماننـد داسـتان دانـه ایسـت که هفت خوشـه رویانـده، که در هر خوشه صـد دانه باشـد و خـدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.» و فرمودی: «کیست آنکه به خدا وام دهـد، وامی نیکو. که خـدا آن را برایش به چنـدین و چنـد برابر افزون نمایـد؟.» و مانند های آن (آیه هایی) که از افزایش های نیکی ها در قرآن فرو فرستادی.

(۱۴) و تویی آنکه ایشـان را بـا سـخن غیبی خود و با ترغیب نمودنت که بهره آنان را دربر دارد، راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشانـدی دیدگانشان آن را در نمی یافت، و گوش هایشان آن را فرا نمی گرفت و اندیشه هایشان به آن نمی رسـید. پس فرمودی: «مرا یاد کنیـد تا شـما را یاد کنم و مرا شـکر گزاریـد و مرا کفران نکنید.» و فرمودی: «اگر شـکر گزارید، شما را فزونی دهم و اگر کفران نمایید، همانا عذاب من شدید است.»

(۱۵) و فرمودی: «مرا بخوانیـد تـا شـما را اجابت کنم. همانا کسانی که از عبادت من کبر می ورزنـد، به زودی با خواری داخل جهنّم خواهند شد.» پس دعا کردن را عبادت و ترک آن را استکبار نامیدی و بر ترک آن، داخل

شدن در جهنّم با خواری را هشدار دادی.

(۱۶) پس با نعمتِ خودت، تو را یاد کردند و با تفضّلت، تو را شکر گزاردند و به فرمانت، تو را خواندند و جهت طلبِ افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند و در (همه) اینها نجات ایشان از خشمت و دست یافتنشان به خوشنودی ات نهفته بود.

(۱۷) و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به احسان وصف می شد و به بخشندگی تعریف می گشت و به هر زبانی (مورد) ستایش قرار می گرفت. پس ستایش برای توست، تا آنجا که راهی در ستایش تو یافت شود و برای ستایش کلمه ای که با آن ستایش شوی باقی ماند و مقصودی که به آن بازگردد، وجود داشته باشد.

(۱۸) ای آنکه با احسان و تفضّل، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته ای و با بخشش و نعمت، ایشان را پوشانده ای. چه آشکار است در (جمع) ما نعمت تو! و چه سرشار است بر ما بخشش تو! و چه مخصوص گشته است نیکی ات به ما!.

(۱۹) ما را به دینت که آن را برگزیدی و به آئینت که آن را پسندیدی و به راهت که آن را آسان نمودی، هدایت کردی و ما را به (راه) نزدیکی نزد خودت و رسیدن به کرامت، بینا نمودی.

(۲۰) خداوندا و تو از کارهای برگزیده و واجبات مخصوصه، ماه رمضان را قرار دادی. همان که آن را از بقیه ماه ها مخصوص داشتی و از همه زمان ها و روزگارها برتری اش دادی. و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه

از قرآن و نور نازل کردی و ایمان را در آن چندین برابر نمودی و روزه را در آن واجب کردی و در آن به برپا خاستن (شب) ترغیب نمودی و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی.

(۲۱) سپس ما را بر بقیه امّت ها به وسیله آن (ماه)، برتری دادی و به فضیلت آن ما را -نه اهل آئین های دیگر را- برگزیدی. پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم و به یاری تو شبش را به پا خاستیم. در حالی که در معرض روزه داشتن و به پا خاستن (شبانه) بودیم، از رحمتت -بدان خاطر- به ما عرضه داشتی. و آن را وسیله پاداش تو قرار دادیم و تو دارنده هر آن چیزی هستی که از درگاهت خواسته شود. بخشنده هر آن چیزی هستی که از فضلت درخواست گردد. و نزدیک به هر آن کسی هستی که برای قرب به تو کوشد.

(۲۲) و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد و با ما همچون یارِ نیکو همراه شد و ما را به برترین سودهای جهانیان، سودمند نمود. سپس هنگام تمام شدن وقتش و به سر آمدن مدّتش و پایان یافتن عدد (روزهای) ش، از ما جدا شد.

(۲۳) پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که فراقش بر ما دشوار است و رفتنش از (میان) ما، اندوهگین و بیمناکمان می سازد و بر ما لازم است برای او پیمان نگه داریم و حرمت رعایت کنیم و حقّ ادا نماییم. پس می گوییم: درود بر تو، ای بزرگ ترین ماه خدا، و ای عید دوستان او.

(۲۴) درود بر تو،

ای گرامی ترین وقت هایی که همراه بودی و ای بهترین ماه در روزها و ساعت ها.

(۲۵) درود بر تو ماهی که آرزوها در آن نزدیک شد و اعمال در آن گسترده گشت.

(۲۶) درود بر تو همنشینی که تـا بودی، احترامش بزرگ بود و چون از دست رفت، فقـدانش غم انگیز بود و مـایه امیـدی که فراقش رنج آور بود.

(۲۷) درود بر تو همـدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت. و چون سپری شـد، بیمناک ساخت و بی تاب گرداند.

(۲۸) درود بر تو همسایه ای که دل ها در آن فروتن گردید و گناهان در آن کم شد.

(۲۹) درود بر تو یاوری که در برابر شیطان یاری کرد و همراهی که راه های احسان را آسان نمود.

(۳۰) درود بر تو. چه بسیار است آزاد شدگان (از عذاب) خدا در تو! و چه نیک بخت است کسـی که به سـبب تو، حرمتت را رعایت کند!.

(۳۱) درود بر تو. چه محو کننده بودی، گناهان را! و چه پوشنده بودی، انواع عیب ها را!.

(۳۲) درود بر تو. چه طولانی بودی، بر گناهکاران! و چه با هیبت بودی، در سینه های مؤمنان!.

(۳۳) درود بر تو ماهی که روزها(ی دیگر) با آن برابری نمی کند.

(۳۴) درود بر تو ماهی که از هر چیز سلامت است.

(۳۵) درود بر تو که همراهی اش ناپسند و معاشرتش نکوهیده نیست.

(۳۶) درود بر تو همان طور که با برکت ها بر ما وارد شدی و چرکی خطاها را از ما شستی.

(۳۷) درود بر تو نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد. و نه آنکه ترک روزه اش از سر ملالت باشد.

(۳۸) درود بر تو که پیش از زمان آمدنش، طلب شده و پیش از

از دست رفتنش، بر آن اندوه خورند.

(۳۹) درود بر تو. چه بسیار بدی ها که به سبب تو، از ما برطرف شد! و چه بسیار نیکی ای که به وسیله تو، بر ما فزونی یافت!.

(۴۰) درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه.

(۴۱) درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! و فردا چه سخت به سوی تو مشتاقیم!.

(۴۲) درود بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم شدیم و بر نیکی های گذشته ات که از دست دادیم.

(۴۳) خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را به وسیله آن شرافت دادی و ما را برای آن به وسیله نعمتت، توفیق دادی، آنگاه که تیره بختان، وقت آن را نشناختند و بر اثر شقاوتشان، از فضل آن ماهْ محروم گشتند.

(۴۴) تویی مولایی که ما را به وسیله شناخت آن، برتری دادی و ما را به روش آن، راهنمایی نمودی و ما را -با (همه) کوتاهیْ (کردن هایمان) - توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم. و در آن اندکی از بسیار را انجام دادیم.

(۴۵) خداوندا، پس سپاس برای توست، در حالی که به بد کرداری، اقرار کننده و به سهل انگاری، اعتراف کننده ایم و پشیمانی قطعی دل هایمان و عذر خواستن راستین زبان هایمان، برای توست. پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما رسیده، پاداش ده. پاداشی که با آن فضل پسندیده را دریابیم و با آن اندوخته های گوناگون که بر آن حریص و آزمند شده ایم را عوض بستانیم.

(۴۶) و (قبول) عذر ما را که در آن (ماه) بر حقّت

کوتاهی کرده ایم، بر ما لازم گردان و عمر ما –که در پیش روی ماست– را، به ماه رمضان آینده برسان. پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما. و ما را بر قیام به طاعتی که سزاوار آن ماه است، موفّق بدار. و از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.

(۴۷) خداوندا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شدیم یا گناهی که در آن انجام دادیم و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم، یا فراموشی ای که در آن به خود ستم کردیم یا با آن حرمت دیگری را پرده دری نمودیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان و به عفو خود از ما درگذر و ما را در آن، پیش چشمان شماتت کنندگان قرار نده و زبان طعنه زنندگان را در آن (ماه) بر ما نگشا و به مهربانی ات که نابود نمی شود و به فضلت که کم نمی گردد، ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار.

(۴۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. مصیبت ما را در (رفتن) ماه مان جبران کن. و برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان. و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده که جلب کننده ترین روز، برای عفو و محو کننده ترین آن، برای گناه باشد. و

گناهان پنهان و آشکار ما را بیامرز.

(۴۹) خداوندا با گذشتن این ماه، ما را از خطاها درآور. و با بیرون رفتنش، ما را از بدی هایمان بیرون بر. و به وسیله آن، ما را از سعادتمندترین اهل آن و از پر نصیب ترین آنان در آن ماه و از بهره مند ترین ایشان از آن قرار ده.

(۵۰) خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حقّ رعایتش است، و حرمتش را آن طوری که حقّ بوده نگه داشته، و حدودش را آن طوری که حقّش بوده به پا داشته و از گناهان خویش به طوری که حقّ پرهیز کردن بوده پرهیز نموده، یا به وسیله عمل تقرب آوری به سوی تو تقرب جسته، که خوشنودی تو را برای او لازم گردانده و رحمتت را به او برگردانده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش و از فضلت، چندین برابر آن را به ما عطا فرما. به درستی که فضل تو کاستی پذیر نیست و همانا گنجینه های تو کم نمی شود، بلکه فزونی می یابد و به درستی که معادن احسانت فنا نمی شود و به درستی که عطای تو، عطایی گواراست.

(۵۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و برای ما مانند پاداش کسانی که روزه گرفته اند یا در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس.

(۵۲) خداوندا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل ایمانْ عید و شادی و برای اهل دینتْ محل اجتماع و گردهمایی قرار دادی، از هر گناهی که آن را مرتکب شده ایم یا بدی ای که در گذشته انجام داده ایم یا اندیشه بدی که در دل

داشته ایم، به درگاه تو توبه می کنیم. توبه کسی که بازگشتن به گناه را در دل ندارد و پس از توبه به خطایی باز نمی گردد. توبه خالصی که از تردید و دودلی پاک باشد. پس آن را از ما بپذیر و از ما خوشنود باش و ما را بر آن ثابت گردان.

(۵۳) خداوندا ترسِ کیفرِ هشدار داده شده و شوقِ پاداشِ وعده داده شده را روزی ما گردان. تا خوشی آنچه از تو می خواهیم و اندوه آنچه از آن به تو پناه می بریم، دریابیم.

(۵۴) و ما را در نزد خود از توبه کنندگانی قرار ده که دوستی ات را برای آنها واجب نموده ای، و بازگشت به طاعتت را از آنان پذیرفته ای. ای عادل ترین دادگران.

(۵۵) خداوندا از پدران و مادران و همه هم کیشان ما، هر که از ایشان درگذشته و مرده و هر که زنده مانده، تا روز رستاخیز درگذر.

(۵۶) خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. همچنانکه بر فرشتگان مقرّبت درود فرستادی. و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی. و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی. و برتر از آن ای پروردگار جهانیان، درودی که برکت آن به ما رسد و سودش ما را دریابد و دعای ما به سبب آن مستجاب گردد. به درستی که تو کریم تر کسی هستی که از او درخواست شده و بی نیاز کننده تر کسی هستی که بر او اعتماد شده و بخشنده تر کسی هستی که از فضل او درخواست شده و تو بر هر چیزی توانایی.

دعای ۴۶– و از دعای امام علیه السلام بود، در روز فطر و در روز جمعه، هنگامی که سلام گفت و از نمازش فارغ شده، ایستاد. سپس رو به قبله کرد و گفت:

(۱) ای کسی که رحم می کند، به آنکه بندگان به او رحم

نمی کنند.

(۲) و ای کسی که می پذیرد، آن را که (اهل) شهرها او را نمی پذیرند.

(۳) و ای کسی که حاجتمندانش را خوار و پست نمی شمارد.

(۴) و ای کسی که اصرار کنندگان خود را ناامید نمی کند.

(۵) و ای کسی که دست رد بر پیشانی آنان که به محبّت او اعتماد دارند، نمی زند.

(۶) و ای کسی که تحفه خردی را که به او داده می شود، برمی گزیند و اندک عملی را که برای او انجام می شود، سپاس می دارد.

(۷) و ای کسی که (عمل) کم را سپاس می گذارد و پاداش بزرگ می دهد.

(۸) و ای کسی که به هر که به او نزدیک شود، نزدیک می شود.

(۹) و ای کسی که به سوی خود می خواند کسی را که، از او روی گردانَد.

(۱۰) و ای کسی که نعمت را تغییر نمی دهد و به کیفر سخت، شتاب نمی کند.

(۱۱) و ای کسی که نیکی را بارور می کند، تا آن را بیفزاید و از بدی در می گذرد، تا آن را محو کند.

(۱۲) آرزوها پیش از رسیدن به پایان کرمت، با حاجت ها برآورده شده است و ظرف خواسته ها با زیادی جودت، پر گشته است و توصیف ها پیش از رسیدن به وصف تو، از هم گسیخته اند. پس بلندترین بلندی بر فوق هر بلندی، و بزرگ ترین بزرگی بر فوق هر بزرگی برای توست.

(۱۳) هر بزرگی نزد تو کوچک، و هر بزرگواری در کنار بزرگواری ات حقیر است. آنان که بر جز تو وارد شدند، ناامید گشتند و آنان که به غیر تو پرداختند، زیان دیدند و آنان که بر درگاه جز تو رفتند، ضایع شدند و جویندگان که غیر از فضل تو جویا شدند، دچار خشکسالی گردیدند.

(۱۴) درِ تو برای

آنان که خواهانند، باز است و بخشش تو برای درخواست کنندگان، روا است و فریادرسی ات به فریاد رس خواهان، نزدیک است.

(۱۵) آرزومندان از (درگاه) تو بی بهره نمی شوند و آنان که به تو پرداختند، از عطایت مأیوس نمی گردند و آمرزش خواهان به کیفرت تیره بخت نمی شوند.

(۱۶) روزیِ تو برای کسی که تو را نافرمانی کرده، گسترده است و حلمت به کسی که با تو دشمنی نموده، پرداخته است. عادت تو احسان به بدکاران، و روش تو مهربانی با تجاوز کنندگان است. تا اینکه مهلت دادن تو آنان را از بازگشتن فریب داد و فرصت دادن تو، آنها را از دست برداشتن بازداشت.

(۱۷) همانا از این رو با آنان درنگ کرده ای، تا به فرمان تو بازگردند و از آن جهت مهلتشان داده ای که به دوام پادشاهی خود اعتماد داری. پس هر که از سعادتمندان باشد، برایش به سعادت پایان دهی و هر که از شقاوتمندان باشد، او را از آن جهت خوار می کنی.

(۱۸) همه ایشان به حکم تو می رسند و کردارشان به فرمان تو خواهد رسید. درازی زمانِ ایشان، سلطنت تو را سست نکرده و از جهت شتاب نکردن در عذاب آنان، برهان تو باطل نشده است.

(۱۹) حجّت تو پابرجاست که باطل نمی شود و سلطنت تو ثابت و بی زوال است. پس افسوس همیشگی، برای کسیست که از تو برگشته و یأس ذلّت بار برای کسیست که از تو ناامید شده و بدبخت ترین بدبختی برای کسیست که به تو مغرور گشته.

(۲۰) چه زیاد است از حالی به حالی گشتن او، در عذاب تو! و چه طولانی است پی درپی بازگشتنش، در کیفرت! و چه دور است که در پایان

(کـار) او گشـایش حاصـل شود! و چه نااميـد است از به آسـانی رهـایی یـافتن! (همه گرفتـاری هایش) از روی عـدل در حکم توست، که در آن ستم نمی کنی. و از حکم منصفانه توست، که بر او جفا نمی نمایی.

(۲۱) پس به تحقیق حجّت ها را، پی درپی آشکار کرده ای و عذرها را، بیان نموده ای و هشدارها را، پیشتر داده ای و با لطف خـود، ترغیب نموده ای و مَثَـل هـا زده ای و مهلتِ طولانـی داده ای و بـا آنکه بر شـتاب نمودن توانـایی، (عـذاب را) به تـأخیر انداخته ای و با آنکه به پیش دستی کردن قادری، درنگ نموده ای.

(۲۲) درنـگ نمـودن تـو از روی نـاتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سـستی، و خودداری ات نه از روی غفلت، و به تأخیر انـداختنت نه از روی نرمی کردن است. بلکه برای آنست که حجّت تو رساتر، و کرم تو کامل تر، و احسان تو فراوان تر، و نعمت تو تمام تر باشد و همه آن ها از ازل بوده است، و آنها تا ابد پایدار خواهد بود.

(۲۳) حجّت تو بزرگ تر از آنست که به همه آن وصف شود، و بزرگی تو بالاتر از آنست که حقیقت آن به حدّی درآیـد، و نعمت تو بیشتر از آنست که تمامش به شماره آید، و احسان تو افزون تر از آنست که بر کمترین آن شکر توان کرد.

(۲۴) و سـکوت، مرا از سپاس تو به کوتاهی انداخته، و خودداریْ (از سـخن)، مرا از بزرگ داشـتن تو درمانده کرده، و نهایت تلاش من اقرار به درماندگی است. نه از روی بی رغبتی -ای خدای من- بلکه از روی ناتوانی است.

(۲۵) پس اینک منم که آهنگ آمدن به درگاه تو را نمودم و

پذیرایی نیکو از تو می خواهم. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و نجوایم را بشنو و دعایم را مستجاب کن و روزم را به ناامیدی به پایان نرسان و در خواهشم، دست رد بر پیشانی ام نزن و رفتنم را از نزدت و بازگشتم را به سویت، گرامی دار. به درستی که تو آنچه بخواهی، برایت سخت و دشوار نیست و از آنچه از تو درخواست شود، ناتوان نیستی و تو بر هر چیزی توانایی و هیچ حرکت و نیرویی نیست، مگر به یاری خداوند بلندمرتبه بزرگ.

دعای ۴۷– و از دعای امام علیه السلام بود، در روز عرفه

(۱) سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است.

(۲) خداوندا سپاس برای توست. پدیدآورنده آسمان ها و زمین. دارای بزرگواری و کرم. دارنده دارندگان و خدای خدایان و آفریدگار آفریدگان و وارث هر چیز. چیزی مانند او نیست و چیزی از علم او پنهان نیست و او به هر چیزی احاطه دارد و او بر هر چیز نگهبان است.

(۳) تویی خدایی که معبودی جز تو نیست. یکتای یگانه تنهای بی نظیر.

(۴) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بسیار با کرم در نهایت کرامت، عظیم در نهایت عظمت، بزرگ در نهایت بزرگی.

(۵) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بلندمرتبه در نهایت بلندیِ مرتبه، سخت کیفر می کند.

(۶) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بخشنده مهربان، دانای حکیم.

(۷) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. شنوای بینا، قدیم آگاه.

(۸) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. کریم بزرگوار، ابدی پایدار.

(۹) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. نخستین پیش از هر کس و آخرین بعد از هر شمار.

(۱۰) و تویی خدایی که جز تو معبودی

نیست. با وجود بلندی خودْ نزدیک، و با وجود نزدیکی خودْ بلندی.

(۱۱) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایشی.

(۱۲) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که اشیا را بدون هیچ اصلی آفریدی و صورت ها را بدون نمونه نگاشتی و نو پیداها را بدون پیروی (از الگویی) پدید آوردی.

(۱۳) تویی آنکه هر چیزی را اندازه معلوم زدی و هر چیز را برای هدفش، آماده ساختی و ما سِوای خود را اداره نمودی.

(۱۴) تویی آنکه در آفریدنت، شریکی یاری ات نداد و در کارت، وزیری تو را کمک نکرده و برای تو بیننده و مانندی نبوده است.

(۱۵) تویی آنکه اراده کردی و اراده ات حتمی شد و قضاوت کردی و قضاوتت از روی عدل بود و حکم دادی و حکمت از روی انصاف بود.

(۱۶) تویی آنکه مکانی تو را فرا نمی گیرد و در برابر سلطنت تو، سلطنتی پابرجایی ندارد و دلیل روشن و سخن آشکاری، تو را عاجز نکرده است.

(۱۷) تویی آنکه هر چیز را یک یک شمرده ای و برای هر چیز پایانی قرار داده ای و هر چیز را به اندازه معلوم ایجاد نموده ای.

(۱۸) تویی آنکه اندیشه ها از حقیقت ذات تو قاصرند و فهم ها از کیفیّت تو عاجزند و دیده ها جا و مکان تو را در نیافتند.

(۱۹) تویی آنکه حدّی نداری، تا محدود باشی و به چیزی مانند نشده ای، تا آفریده شده باشی و فرزندی نیاورده ای، تا زائیده شده باشی.

(۲۰) تویی آنکه ضدّی نداری تا با تو دشمنی کند. و همانندی برایت نیست، تا در فزونی با تو رقابت کند و مانندی نداری تا با تو معارضه کند.

(۲۱)

تویی آنکه بدون نمونه آفرید و اختراع نمود و پدید آورد و تازه آفرید و آفرینش آنچه را که آفرید، نیک گرداند.

(۲۲) پاک و منزّهی! چه بزرگ است شأن تو! و چه بلند است در مکان ها، مکان تو! و چه آشکار کننده حقّ است کتاب فرق گذار (قرآن) تو!

(۲۳) پاک و منزّهی! ای لطیفی که چه بسیار لطیفی! و رئوفی که چه بسیار رئوفی! و حکیمی که چه بسیار آگاهی!

(۲۴) پاک و منزّهی! ای پادشاه که شکست ناپذیری! و بخشنده که بسیار توانگری! و بلندمرتبه که بسیار بلند مرتبه ای! تویی دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایش.

(۲۵) پاک و منزّهی! دستت را به نیکی ها گشوده ای و هدایت از جانب تو شناخته شد. پس هر که برای دین یا دنیا به دنبال تو گشت، تو را می یابد.

(۲۶) پاک و منزّهی! هر که در علم تو قرار گرفت، برای تو فروتن گشت و آنچه زیر عرش تو است، برای بزرگی تو خاشع شد. و همه آفریدگانت برای تسلیم در برابر تو، گردن نهاده اند.

(۲۷) پاک و منزّهی! نه حس می شوی و نه قابل جستجو هستی و نه لمس می گردی و نه نیرنگ می خوری و نه با مقاومت برکنار می روی و نه قابل نزاع هستی و نه با کسی کشمکش داری و نه بگو مگو می کنی و نه فریب می خوری و نه با تو حیله گری شود.

(۲۸) پاک و منزّهی! راه تو هموار، و فرمانت هدایتگر است و تویی زنده بی نیاز.

(۲۹) پاک و منزّهی! گفتارت حکمت، و فرمانت واجب، و اراده ات حتمی است.

(۳۰) پاک و منزّهی! برای مشیّت تو باز گرداننده ای، و برای کلماتت تغییر دهنده ای نیست.

(۳۱) پاک

و منزّهی! ای که نشانه هایت آشکار است. آفریننده آسمان، پدیدآورنده جان ها.

(۳۲) سپاس برای توست. سپاسی که با همیشگی بودن تو، همیشگی است.

(۳۳) و سپاس برای توست. سپاسی که همراه نعمت تو، جاوید مانَد.

(۳۴) و سپاس برای توست. سپاسی که با لطف تو، برابری کند.

(۳۵) و سپاس برای توست. سپاسی که بر خوشنودی ات بیفزاید.

(۳۶) و سپاس برای توست. سپاسی که همراه با سپاس هر سپاس گزار باشد، و ستایشی که ستایش هر ستاینده ای از آن بازمانَد.

(۳۷) سپاسی که جز برای تو، سزاوار نباشد و به وسیله آن جز به سوی تو، تقرّب نتوان جست.

(۳۸) سپاسی که دوام اوّلین و بقای آخِرین، به وسیله آن درخواست گردد.

(۳۹) سپاسی که با گردش زمان ها، چندین برابر شود و پیوسته، چندین برابر افزایش یابد.

(۴۰) سپاسی که نگهبانانِ (اعمال) از شمردنش عاجز باشند، و بر آنچه نویسندگان (اعمال) در کتاب تو به شمار آورده اند، افزونی یابد.

(۴۱) سپاسی که با عرش بزرگ تو هم سنگ باشد، و با کرسی بلند پایه ات برابری نماید.

(۴۲) سپاسی که پاداش آن نزد تو کامل باشد، و جزایش همه جزاها را فراگیرد.

(۴۳) سپاسی که ظاهرش با باطنش همخوان باشد و باطنش با نیّت صادقانه موافق باشد.

(۴۴) سپاسی که هیچ آفریده ای مانند آن، تو را ستایش نکرده باشد و احدی جز تو، فضیلت آن را نداند.

(۴۵) سپاسی که هر که در بسیاری آن کوشید، یاری گردد و هر که زیاده روی نمود در کامل به جا آوردن آن، تأیید شود.

(۴۶) سپاسی که آنچه از سپاس ها آفریدی را گرد آورد، و هر سپاسی که پس از آن بیافرینی را دربر گیرد.

(۴۷) سپاسی که هیچ سپاسی نزدیک تر از آن به سپاسی که

(در) گفتار توست، نباشد و هیچ سپاس گزاری، سپاس گزارتر از آنکه تو را سپاس گزارَد، نباشد.

(۴۸) سپاسی که با بسیاری اش به همراه کرمت، فراوانی (نعمت) را لازم گردانَد و تو آن را از روی احسانت، با افزونی پی درپی پیوند دهی.

(۴۹) سپاسی که سزاوار ذاتِ کریم تو، و با عزّتِ جلال تو برابر باشد.

(۵۰) پروردگار من، بر محمّد و خاندان محمّد که برگزیده، اختیار شده، گرامی و مقرّب داشته شده اند، برترین درودهایت را بفرست و کامل ترین برکت هایت را بر او روان ساز و با سودمندترین رحمت هایت، بر او رحمت فرست.

(۵۱) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درود پیراسته ای که درودی پیراسته تر از آن نباشد. و بر او درود فرست، درود فراوانی که درودی فراوان تر از آن نباشد. و بر او درود فرست، درود خوشنود کننده ای که درودی بالاتر از آن نباشد.

(۵۲) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که خوشنودش سازد و بر خوشنودی اش بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که تو را خوشنود کند و بر خوشنودی ات برای او بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که برای او جز به آن راضی نشوی و جز او را سزاوار آن نبینی.

(۵۳) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که از خوشنودی تو درگذرد و اتّصالش به بقای تو پیوند خورد و تمام نشود، همچنانکه کلمات تو تمام نمی شود.

(۵۴) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و فرمانبران تو را فراگیرد و درودهای بندگانت از جن و اِنست و اجابت کنندگان دعوتت را شامل شود و درود هر که آفریده ای

و ایجاد نموده ای از انواع آفریدگانت را دربرگیرد.

(۵۵) پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که هر درود گذشته و تازه ای را فراگیرد. و بر او و بر خاندانش درود فرست، درودی که نزد تو و غیر تو پسندیده باشد و با آن درودهای دیگر پدید آوری، که درودهای گذشته را با آن چندین برابر کنی و آن را با گذر روزگار بیفزایی، افزودنی در چندین برابر که جز تو (کسی) نتواند آن را شمارش کند.

(۵۶) پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را گنجینه داران علمت و نگهبانان دینت و جانشینان خود در زمینت و حجّت های خویش بر بندگانت قرار دادی. و به خواست خویش، آنان را از پلیدی و آلودگی پاک نمودی و آنها را وسیله ای به سوی خود و راهی به سوی بهشتت قرار دادی.

(۵۷) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامتت را برای ایشان بسیار سازی و چیزهایی از عطاها و بخشش هایت را برای آنها کامل گردانی و بهره یِ آنان را از نعمت ها و سودهایت فراوان گردانی.

(۵۸) پروردگار من، بر او و بر آنها درود فرست، درودی که مرزی در اوّلش و زمانی برای پایانش و نهایتی برای آخرش نباشد.

(۵۹) پروردگار من، بر ایشان هم وزن عرش خود و آنچه زیر آن است و به گنجایش آسمان هایت و آنچه در بالای آنهاست و به تعداد زمین هایت و آنچه زیر آنها و میان آنهاست، درود فرست. درودی که ایشان را هر چه بیشتر به تو نزدیک گرداند و برای تو و برای ایشان پسندیده باشد و

تا ابد به مانندهای آن (درودها) متّصل باشد.

(۶۰) خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت و علامتی در شهرهایت به پا داشتی، پس از آنکه ریسمان او را به ریسمان خود پیوستی و او را سبب رسیدن به خوشنودی ات قرار دادی و فرمانبری او را واجب گرداندی و از نافرمانی اش برحذر داشتی و فرمان دادی که به امرهای او امتثال کنند و از نهی های او بازایستند و هیچ پیشی گیرنده ای از او پیشی نگیرد و هیچ بازمانده ای از او بازنماند. پس او نگهدارنده پناهندگان و پناهگاه مؤمنان و دستاویز چنگ زنندگان و ارجمندیِ جهانیان است.

(۶۱) خداوندا، پس به ولیّ خود، شکرِ آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما و مانند آن (شکر) را در نعمت، به ما الهام نما و او را از جانب خود، سلطنتی پیروزمند عطا فرما و برای او پیروزی به آسانی بگشای و او را به تواناترین تکیه گاه (نیروی) خود، یاری فرما و پشتش را محکم ساز و بازویش را قوّت ده و تحت نظر خود، از او نگهداری کن و با حفظ خویش، او را پشتیبانی کن و با فرشتگانت یاری اش نما و با چیره ترین لشکرت، به او کمک رسان.

(۶۲) و کتاب خود و احکامت و قوانینت و روش های پیامبرت را - خداوندا درودهایت بر او و خاندانش باد- به وسیله او به پا دار و با او آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان و با او زنگار ستم را از راهت بزدای و به سبب او سختی را از راهت دور

کن و به وسیله او منحرفان را از راهت بیرون کن و به وسیله او آنان که می خواهند راه راست تو را کج کنند، نابود گردان.

(۶۳) و خوی او را برای دوستانت نرم فرما و دستش را بر دشمنانت بگستر و محبّت و رحمت و عطوفت و دلسوزی او را به ما روا دار و ما را برای او شنوندگان، فرمانبران، و کوشا در خوشنودی او، و در مدد نمودنش و دفاع از او یاری کنندگان و بدین وسیله جویای تقرّب به سوی خود و پیامبرت -که خداوندا درودهایت را بر او و خاندانش بفرست- قرار ده.

(۶۴) خداوندا و بر دوستان آنها که اعتراف کنندگان به مقامشان، پیروان راه روشنشان، رهروان نشانه هایشان، چنگ زنندگان به دستاویزشان، تمسّک جویان به ولایتشان و اقتدا کنندگان به امامتشان، تسلیم شدگان فرمانشان، کوشش کنندگان در طاعتشان، منتظران روزهای (دولت) آنان، و چشم دوختگان به ایشانند، درودهای مبارک، پاک، فزاینده (در) هر صبح و شام، بفرست.

(۶۵) و بر آنان و بر جان هایشان سلام فرست و کردارشان را بر پرهیزکاری سامان ده و احوالشان را برای آنها اصلاح نما و توبه آنان را بپذیر. همانا تو بسیار توبه پذیرِ مهربانی و بهترین آمرزندگانی. و ما را به همراه آنان در خانه سلامتی (بهشت) قرار ده. به رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان.

(۶۶) خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده ای و رحمتت را در آن گسترده ای و بخشایشت را در آن ارزانی داشته ای و عطایت را در آن فراوان نموده ای و به وسیله آن بر بندگانت تفضّل کرده ای.

(۶۷) خداوندا و من آن بنده تو هستم که پیش از آفرینشت

و پس از آفرینشت، او را نعمت داده ای. پس او را از کسـانی قرار دادی، که به دین خـود راه نمودی و برای ادای حقّ خود، به او توفیق دادی و او را به ریسمان خویش، نگه داشتی و او را در حزب خود وارد کردی و او را به دوستی با دوستانت و دشمنی با دشمنانت راهنمایی نمودی.

(۶۸) سـپس او را فرمان دادی، پس فرمان نبرد و او را باز داشتی، پس باز نایستاد و او را از نافرمانی نهی کردی، پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شـتافت. نه از روی عناد با تو و نه از روی گردنکشـی کردن بر تو. بلکه خواهش نفسش به آنچه او را از آن باز داشتی و به آنچه از آن برحذر نمودی، فراخواندش و دشـمن تو و دشـمن او (شـیطان)، او را بر آن یاری کرد. پس با علم به تهدیـدت و امیـدواری به بخشایشت و اعتماد به گذشـتت، بر آن نافرمانی ها اقـدام کرد. و حال آنکه با آن عنایت هایی که به او داشته ای، سزاوارترین بندگانت بود که نافرمانی ات را نکند.

(۶۹) و اینکَ منم در پیشـگاه تو، پست، ذلیل، فروتن، متواضع، ترسان، اعتراف کننده به بزرگی گناهانی که زیر بار آن رفته ام و به سترگیِ خطاهـایی که مرتکب آن شـده ام، پناهنـده به بخشـایشت، پنـاه خواه به رحمتت و باور دارنـده به اینکه هیـچ امان دهنده ای مرا از تو امان نمی دهد و هیچ بازدارنده ای مرا از (بلای) تو باز نمی دارد.

(۷۰) پسْ بر من از پوشـشت، همان چیزی را که به کسـی که گناه کرده می دهی، عطا کن. و به من ببخش همان چیزی را که به کسی که

به خاطر عفوت تسلیم تو گردیده است می بخشی. و به من ارزانی دار آنچه بر تو گران نیست و به کسی که آمرزش تو را آرزو می کند ارزانی می داری.

(۷۱) و در این روز برای من نصیبی قرار ده که با آن به بهره ای ویژه از خوشنودی ات برسم و مرا تهی دست از آنچه بندگانِ پرستشگرت با (دستی پر از) آن بازمی گردند، بازنگردان.

(۷۲) و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو و نفی شریکان و همتایان و مانندهایی از تو را، پیش فرستاده ام. و از همان درهایی که فرمان داده ای از آنها وارد شوند، نزد تو آمده ام. و به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام.

(۷۳) سپس بازگشت به سوی تو و فروتنی و زاری برای تو و خوش گمانی به تو و اعتماد به آنچه نزد توست را، در پی آن روانه ساخته ام. و آن را جفت امید به تو کردم. همان (امیدی) که با وجود آن، امیدوار به تو کمتر ناامید می شود.

(۷۴) و از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال، نیازمند، ترسان، پناهنده. و با آن احوال، در خواستم به همراه ترس و زاری و پناه خواهی و پناه جویی است، نه از روی برتری جستنْ به تکبر متکبران و نه از روی بلندی خواهیْ به گستاخی و اعتمادِ فرمانبران و نه از روی گردنکشی نمودن به شفاعتِ شفاعت کنندگان.

(۷۵) و من بعد از این، کمترین کمتران و خوارترین خواران و مانند ذرّه ای یا کمتر از آنم. پس ای آنکه بر (کیفر) گنهکاران شتاب نمی کنی و ناز پروردگان را

نمی رانی و ای آنکه با احسان خود لغزش کاران را می بخشایی و با تفضّل خود خطاکاران را مهلت می دهی.

(۷۶) منم بدکارِ اعتراف کننده خطاکار لغزش کار.

(۷۷) منم آنکه گستاخانه بر تو جرأت نمودم.

(۷۸) منم آنکه از روی عمد، تو را نافرمانی کردم.

(۷۹) منم آنکه (گناهم را) از بندگانت پنهان کرده و نزد تو آشکار نمودم.

(۸۰) منم آنکه از بندگانت ترسیده و از تو آسوده خاطر بودم.

(۸۱) منم آنکه از قهر (و غلبه) تو نترسیده و از عذابت نهراسیده ام.

(۸۲) منم جنایتکار بر خود.

(۸۳) منم در گروی گرفتاری خویش.

(۸۴) منم کم شرم.

(۸۵) منم که گرفتاری ام دراز است.

(۸۶) به حقّ آنکه او را از آفریدگانت برگزیده ای و آنکه برای خودت پسندیده ای، به حقّ کسی که او را از مردمت اختیار کرده ای و کسی که او را برای کار خود انتخاب نموده ای، به حقّ کسی که اطاعت از او را به اطاعت خود پیوند زده ای و کسی که نافرمانی از او را مانند نافرمانی از خود قرار داده ای، به حقّ کسی که دوستی اش را با دوستی خود قرین کرده ای و کسی که دشمنی اش را به دشمنی خویش مرتبط نموده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده، و با حال توبه، پناه به آمرزش خواستن از تو آورده.

(۸۷) و مرا سرپرستی کن همانگونه که فرمانبرانت و نزدیکانت و منزلت دارندگانت را سرپرستی می کنی.

(۸۸) و تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که به عهد تو وفا کرده و برای تو خود را به سختی انداخته و

در خوشنودی ات کوشیده.

(۸۹) و مرا به کوتاهی نمودنم در حقّت و تعدّی کردنم در حدودت و تجاوز از احکامت کیفر نکن.

(۹۰) و مرا با مهلت دادنت، غافلگیر نکن. همانند غافلگیر نمودن کسی که مرا از نیکی آنچه نزدش است، بی بهره گردانده، در حالی که در رسیدن نعمتش به من شریک تو نبوده است.

(۹۱) و مرا از خواب غافلان و از خواب آلودگی اسراف کاران و از چرت خوار شدگان، بیدار فرما.

(۹۲) و دلم را به سوی آنچه نیایشگران را به آن گماشته ای و پرستش کنندگان را با آن به بندگی گرفته ای و سهل انگاران را با آن نجات داده ای، متوجّه ساز.

(۹۳) و از چیزی که مرا از تو دور می کند و میان من و بهره ام از تو، مانع می شود، و از آنچه نزد تو می خواهم، بازم می دارد، مرا نگهدار.

(۹۴) و راه خیرات به سوی خود و پیشی گرفتن به آنها را از جهتی که فرمان داده ای و رقابت در آنها را آنگونه که تو خواسته ای، برای من آسان گردان.

(۹۵) و مرا در شمار نابود شوندگانی که تهدید تو را سبک می شمارند، نابود نکن.

(۹۶) و مرا همراه هلاک شوندگانی که دشمنی تو را می طلبند، هلاک نگردان.

(۹۷) و مرا در شمار شکستگانی که از راه های تو منحرف شده اند، در هم نشکن.

(۹۸) و از گرداب های فتنه نجاتم ده و از کام های بلا رهایی ام بخش و از مؤاخذه مهلت دادن پناهم ده.

(۹۹) و میان من و دشمنی که مرا گمراه می کند، و خواهش نفس که مرا هلاک می گرداند، و نقیصه ای که مرا فرامی گیرد، جدایی انداز.

(۱۰۰)

و از من رونگردان همانند روگرداندن از کسی که پس از خشمت از او خوشنود نمی شوی.

(۱۰۱) و از

امید به خود ناامیدم نکن، که ناامیدی از رحمتت بر من چیره شود.

(۱۰۲) و آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از بار گران دوستی ات که بر دوشم گذارده ای، بشکنی.

(۱۰۳) و مرا از نزد خود رها نکن همانند رها کردن کسی که در او خیری نیست و تو را با او کاری نیست و بازگشتی برای او وجود ندارد.

(۱۰۴) و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده و کسی که از جانب تو خواری او را شامل شده. بلکه از سقوط پرت شدگان و وحشت گمراهان و لغزش فریفتگان و گرداب هلاک شدگان دستم را بگیر (نجاتم ده).

(۱۰۵) و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزانت را به آن مبتلا نموده ای، عافیت بخش و مرا به درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای و به او نعمت داده ای و از او خوشنود گشته ای پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته و نیک بخت میرانده ای.

(۱۰۶) و طوقِ دست برداشتن از آنچه نیکی ها را باطل کرده و برکت ها را از بین می برد، به گردنم انداز.

(۱۰۷) و دلم را به خودداری از بدی های زشت و نافرمانی های رسوا کننده بپوشان.

(۱۰۸) و مرا به چیزی که آن را در نمی یابم، مگر به (کمک) تو، مشغول منما، تا از چیزی که جز آن تو را از من خوشنود نمی کند، باز مانم.

(۱۰۹) و دوستی دنیای پست که از آنچه نزد توست، بازمی دارد و از طلبیدن دستاویز به سوی تو، منع می کند و از نزدیکی جستن به تو، غافل می نماید را از دلم بَر کن.

(۱۱۰) و تنهایی مناجات با خودت را در

شب و روز برایم بیارا.

(۱۱۱) و به من عصمتی بخش که مرا به ترس از تو نزدیک کند و از انجام دادن حرامت بازم دارد و از بند گناهان بزرگ رهایم سازد.

(۱۱۲) و پاک گشتن از چرکی گناه را به من ببخش و آلودگیِ خطاها را از من ببَر و لباس عافیت خود را به من بپوشان و ردای تندرستی ات را بر تنم کن و مرا به نعمت های گسترده خود فراپوش و فضل و بخشش خود را بر من پوسته گردان.

(۱۱۳) و مرا به توفیق و راهنمایی ات، نیرو ده و بر (داشتن) نیّت صالح و گفتار پسندیده و کردار نیکو یاری ام فرما و مرا به توانایی و نیروی خودم بدون توانایی و نیروی خودت وامگذار.

(۱۱۴) و روزی که مرا برای دیدارت برمی انگیزی، خوارم نساز و در برابر دوستانت رسوایم نگردان و یاد خود را از خاطرم نبر و شکرگزاریت را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجّهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من همراه گردان و به من الهام کن که به خاطر آنچه به من داده ای، ثنا (ی تو را) گویم و به آنچه به من عنایت نموده ای، اعتراف نمایم.

(۱۱۵) و رغبت مرا به سوی خود، بالاتر از رغبتِ همه راغبان و سپاس گزاری ام را در حقّ خودت، بالاتر از سپاسِ همه سپاس گزاران قرار ده.

(۱۱۶) و هنگام نیازمندی ام به سویت خوارم نساز و به وسیله آنچه به سوی تو آورده ام، مرا هلاک نکن. و همانگونه که دست رد بر پیشانی ستیزه جویان با خود زده ای، دست رد بر پیشانی ام نزن. همانا من فرمانبردار تو هستم. می دانم دلیل روشن از آنِ توست و

به بخششْ سزاوارتر و به احسانْ بخشنده تر هستی و شایسته ای که از تو بترسند و سزاواری که بیامرزی و به درستی که تو به بخشایش شایسته تری تا اینکه کیفر کنی. و به پرده پوشی نزدیک تری تا اینکه آشکار سازی.

(۱۱۷) پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که آنچه می خواهم فراهم گردد و به آنچه دوست دارم پایان یابد. در صورتی که آنچه را نمی پسندی، انجام ندهم و آنچه را نهی نموده ای، مرتکب نشوم و مرا بمیران، همچون مردن کسی که روشنایی اش در پیش رویش و از سمت راستش در حرکت است.

(۱۱۸) و مرا در پیشگاهت ذلیل کن و در نزد آفریدگانت عزیز دار و چون با تو خلوت کردم، مرا فروتن گردان و مرا در میان بندگانت سربلند فرما و از کسی که از من بی نیاز است، بی نیازم گردان و بر فقر و نیازم به درگاهت بیفزا.

(۱۱۹) و مرا از سرزنش دشمنان و از فرود آمدن بلا- و از خواری و سختی پناه ده. مرا در آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان، آنگونه که می پوشاند قادر بر سختگیری، (و) اگر بردباری اش نبود (خطاها را ظاهر می کرد) و (مانند) کیفر کننده بر گناه، (که) اگر شکیبایی اش نبود (کیفر می داد).

(۱۲۰) و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فرو فرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات ده و حال آنکه مرا در دنیایت در مقام رسوایی به پا نداشتی، پس مانند آن در آخرتت (در مقام رسوایی) مرا به پا ندار.

(۱۲۱) و برای من اولین نعمت هایت را، با آخِرین آن و سودهای دیرینت را، با تازه های آن توأم ساز و مرا عمر طولانی که با

آن سنگدل شوم، نده. و بر من مصیبت بزرگی که با آن، آبرویم از بین برود، وارد نکن و پستی ای را که با آن، مرتبه ام خُرد گردد، دچارم مساز و عیبی را که به خاطر آن، منزلتم دانسته نشود، بر من ثابت نگردان.

(۱۲۲) و مرا چنان وحشت نده که ناامید گردم. و چنان بیم نده که همیشه هراسان باشم. (بلکه) هراس مرا در تهدیدهایت، و بیم مرا از مهلت دادن ها و ترساندنهایت، و هول مرا هنگام تلاوت آیات خود، قرار ده.

(۱۲۳) و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و تنها بودنم به شب زنده داری برای تو، و کوشش کردنم برای خو گرفتن با تو و درخواست نمودن حاجت هایم از تو و رجوع کردن پیاپی من بر آزاد ساختنم از آتشت و حفظ نمودنم از عذابت که سزاوارش]دوزخیان[، در آن به سر می برد، آباد گردان.

(۱۲۴) و مرا در سرکشی ام سرگردان و در گرداب غفلتم، تا مدّت زمانی بی خبر رها نکن. و مرا پندِ پندگیران و درس عبرت پذیران و موجب گمراهیِ بینندگان، قرار نده. و در میان کسانی که با آنها مکر می کنی، با من مکر نکن. و دیگری را جایگزین من نکن و نامم را تغییر نده و تنم را دگرگون نکن و مرا سبب خنده آفریدگانت و مسخره خود و جز پیرو خوشنودی ات قرار نده و جز برای انتقام گرفتن برای تو، خدمت گزارم نگردان.

(۱۲۵) و مرا از لذّت بخشایشت و شیرینی رحمتت و آسودگی و آسایش و بهشت پر نعمتت، کامیاب گردان و به وسیله گشایشی از گشایشگری ات، طعم فراغت برای (پرداختن به) آنچه را دوست داری و (طعم) کوشش را در آنچه (موجب) نزدیکی

به پیشگاه تو و درگاه توست، به من بچشان. و تحفه ای از تحفه هایت را به من ارمغان ده.

(۱۲۶) و تجارت (اخروی) مرا سودمند و باز گشتنم (به قیامت) را بی زیان قرار ده. و مرا از مقامت بترسان و به دیدارت مشتاق گردان و توبه ام ده، به توبه خالصی که بـا آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاشته و با آن (گناهان) آشکار و نهان را وانگذاری.

(۱۲۷) و کینه داشتن برای مؤمنان را از سینه ام بر کن، و دلم را بر فروتنان مهربان گردان، و با من چنان باش که با شایستگان هستی، و مرا به زیور پرهیزکاران بیارای، و برای من یاد نیکو در بازمانـدگان و آوازه بلند در آیندگان قرار ده، و مرا به جایگاه (رستاخیز) پیشینیان برسان.

(۱۲۸) و فراخی نعمتت را بر من تمـام کن، و کرامت هـای آن را نزد من پیوسته گردان، و دستم را از سودهای خود پر نما، و بخشش هـای گرامی ات را به سوی من روان فرما، و در باغ هایی که آنها را برای برگزیـدگانت آراسته ای، مرا با پاک ترین دوستانتْ همسایه گردان، و در مکان هایی که برای دوستانت آماده کرده ای، به عطاهای والایت مرا بپوشان.

(۱۲۹) و برایم نزد خود استراحت گاهی که آسوده خاطر در آن آرام گیرم، و بازگشتگاهی که در آن اقامت گزینم و چشم را روشن سازمْ قرار ده، و مرا با گناهان بزرگ مَسَنج، و در روزی که پنهان ها آشکار می شود هلاکم نکن، و هر شکّ و شبهه ای را از من دور ساز، و برای من در راستای حقّ، از هر رحمتی راهی قرار ده، و سهم مرا از بخشش هـا به لطف خود فراوان کن و

نصیب مرا از احسان، به فضل خود فراوان گردان.

(۱۳۰) و دلم را به آنچه نزد توست، مطمئن، و قصدم را برای آنچه برای توست، یکسره قرار ده. و مرا به آنچه دوستانت را به آن می گماری، وادار کن و دلم را هنگام غفلتِ عقل ها، به طاعت خود سیراب کن و بی نیازی و پاکدامنی و آسایش و سلامتی و تندرستی و فراخی و آرامش و عافیت را، برایم فراهم ساز.

(۱۳۱) و کارهای نیک مرا با درآمیختن به نافرمانی ات، و تنهایی هایم را با آزمایش های فسادانگیزت که برایم آشکار می شود، باطل نکن و آبرویم را از درخواست به سوی احدی از جهانیان، حفظ کن و مرا از طلبیدنِ آنچه نزد فاسقان است، باز دار.

(۱۳۲) و مرا پشتیبان ستمگران و یاور آنان در محو کتاب خود، قرار نده و مرا از جایی که نمی دانم، احاطه کن. احاطه کردنی که با آن مرا نگهداری نمایی. و درهای توبه و رحمت و رأفت و روزی فراخت را بر من بگشای، همانا من از رو آورندگان به سوی توام. و نعمت دادنت را برایم کامل کن، به درستی که تو بهترین نعمت دهندگانی.

(۱۳۳) و باقی زندگی ام را برای رضای خودت، در حجّ و عمره قرار ده. ای پروردگار جهانیان. و خداوند بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد و بر او و بر ایشان سلامی همیشگی باد.

دعای ۴۸– و از دعای امام علیه السلام بود، روز عید قربان و روز جمعه

(۱) خداوندا این روزیست مبارک و خجسته و در آن مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند، درخواست کننده و جویا و خواهان و ترسان، آنان همگی حاضر می شوند و تو بیننده بر نیاز هایشان هستی. پس از تو می خواهم به بخشش

و کرمت و آسانی آنچه درخواست نمودم بر تو، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.

(۲) خداونـدا، ای پروردگـار ما، از آنجا که پادشاهی برای توست و سپاس ویژه توست، معبودی جز تو نیست، بردبارِ بزرگوار مهربـانِ بسیار نعمت دهنـده دارای بزرگواری و احترام، پدیدآورنـده آسـمان ها و زمین، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی یا عافیت یا برکت یا هدایت یا عمل به طاعتت یا خیری را به ایشان عنایت می کنی و بدین وسیله آنان را به سوی خود هدایت می کنی یا درجه ای را که از ایشان نزد خود بالا می بری، یا خیری از خیرهای دنیا و آخرت را به ایشان عطا می کنی، قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

(۳) و خداونـدا، از آنجـایی که پادشـاهی و سپاس مختص به تـوست، معبـودی جز تـو نیست، از تـو درخواست می کنم که بر محمّـد بنـده و فرسـتاده و دوست و برگزیـده و انتخـاب شـده خود از آفریـدگانت و بر خانـدان محمّـد که نیکو کـارانِ پاکـانِ برگزیده اند، درود فرستی. درودی که جز تو کسـی بر شـمردن آن توانایی نداشته باشد و ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شـریک گردانی، ای پروردگار جهانیان، و ما و ایشان را بیامرزی. به درستی که تو بر هر چیزی توانایی.

(۴) خداوندا، برای نیازم به سوی تو قصد نمودم و در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی چیزی ام را به سوی تو فرود آوردم، و حال آنکه اطمینانم به آمرزش و رحمت تو، از (اطمینانم به) عملم بیشتر است و آمرزش و رحمت

تو، از گناهانم وسیع تر است. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و برآوردن هر درخواستی را برای من به عهده گیر، به قدرتی که بر آن داری و آسان بودن آن بر تو، و به نیازمندی من به تو و به بی نیازی تو از من. پس به درستی که هرگز به خیری جز از جانب تو نرسیده ام و هیچ کس جز تو بدی ای را از من بر نگردانده است. و برای کار آخرت و دنیایم به احدی جز تو امید ندارم.

(۵) خداوندا، هر کسی خود را مهیّا و آماده می کند و ساز و برگ تهیه می نماید تا بر مخلوقی وارد شود، بدین امید که به صله و عطا و درخواستِ بخشش و احسان او نائل شود. پس ای سرور من، امروز مهیّا و آماده گشته و ساز و برگ تهیه نموده تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آمرزش و صله و درخواستِ بخشش و احسان تو نائل شوم.

(۶) خداوندا، پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و امروز این امید مرا ناامید نکن. ای کسی که درخواست کننده ای او را به رنج نمی اندازد و هیچ بخششی، (گنج های) او را نمی کاهد. زیرا من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم و شفاعتِ آفریده ای که به او امید بسته باشم به درگاه تو نیامده ام، جز شفاعت محمّد و خانواده او -که درود تو بر او و بر ایشان باد-.

(۷) به درگاه تو آمده ام، در حالی که اقرار به گناه و بدی بر خود دارم. به درگاه تو آمده ام، در حالی که به بخشایش بزرگت امیدوارم، بخشایشی که با آن

از (تقصیر) خطاکاران گذشتی، سپس اصرار بسیارِ آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، باز نداشت.

(۸) پس ای کسی که رحمتش وسیع و گذشتش بزرگ است. ای بزرگ، ای بزرگ. ای بزرگوار، ای بزرگوار. بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و به رحمتتْ بر من نیکی کن و به فضلتْ بر من مهربان باش و به آمرزشتْ به من گشایش ده.

(۹) خداوندا، به درستی که این مقام، برای جانشینان و برگزیدگانت و جایگاهِ امانت دارانت است، در درجه والایی که به ایشان اختصاص دادی، (و دشمنان آن را) ربودند و تویی که چنین تقدیر کرده ای. زیرا فرمان تو مغلوب نمی شود و از تدبیر قطعی تو، به هر گونه و هر زمان که بخواهی نمی توان درگذشت. برای اینکه تو به آن داناتری و در آفریدنت و اراده ات متّهم نیستی. تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب و شکست خورده شده حقوقشان به غارت رفت. می بینند که احکامت تغییر یافته و کتاب تو دور افتاده و واجباتت از جهاتی که قانون نهاده ای، تحریف شده و روش های پیامبرت ترک شده است.

(۱۰) خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان و هر که را به کردارشان خوشنود می شود و دوستان و پیروانشان را لعنت کن.

(۱۱) خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. به درستی که تو ستوده بزرگواری. مانند درودها و برکت ها و تحیّت هایی که بر برگزیدگانت: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی. و در فرج و آسایش و نصرت و تسلّط دادن و تأیید آنان، شتاب فرما.

(۱۲) خداوندا و مرا از یکتاپرستان و ایمان آورندگان به خود و از باور

داران به پیامبرت و امامانی که اطاعتشان را واجب نمودی، قرار ده. از کسانی که آن (توحید و ایمان) به وسیله و به دست آنان اجرا می گردد. اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

(۱۳) خداونـدا، غضب تـو را جز بردباری ات دور نمی سازد، و خشـم تـو را جز بخشـایشت فرو نمی نشانـد و از کیفرت جز رحمتت پناه نمی دهـد و جز زاری به درگاهت و در پیش رویت، مرا از (عـذاب) تو نجات نمی دهـد. پس بر محمّد و خاندان محمّـد درود فرست و مـا را -ای خـدای من- از جـانب خـود به توانـایی ای که بـا آن بنـدگان مرده را زنـده می کنی و بـا آن سرزمین های مرده را زندگی می بخشی، گشایش ده.

(۱۴) و ای خـدای من، مرا انـدوهگین نمیران، تا اینکه اجابتم کنی و از روا شـدن دعایم آگاهم نمایی و طعم عافیت را تا پایان مدّت زندگی ام به من بچشان و دشمنم را بر من شاد نگردان و او را بر من توانا نساز و او را بر من مسلّط نگردان.

(۱۵) خـدای من، اگر تو مرا بلنـدمرتبه گردانی، پس کیست آنکه مرا پست نماید؟ و اگر مرا پست کنی، پس کیست آنکه بلند مرتبـه ام گردانـد؟ و اگر مرا گرامی داری، پس کیسـت آنکه خـوارم کنـد؟ و اگر مرا خـوار کنی، پس کیست آنکه گرامی ام دارد؟ و اگر مرا عـذاب کنی، پس کیسـت آنکـه بـه مـن رحم کنـد؟ و اگر مرا نـابود کنی، پس کیست آنکه دربـاره بنـده ات معترض تو شود یا درباره کار او، تو را بازخواست کند؟ و دانسـته ام که در فرمان تو ستم، و در انتقام تو شتاب، نیست. و همانا کسی شتاب می کند که از گذشتن فرصت

می ترسد و همانا ضعیف، نیازمند به ستم کردن است. و تو -ای خدای من- از این (امور) برتر و والاتری.

(۱۶) خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا هدف بلا و نشانه انتقام خود نگردان و به من مهلت ده و اندوهم را برطرف کن و از لغزشم درگذر و مرا گرفتار بلاهای پی درپی نساز. زیرا ناتوانی و بیچارگی و زاری ام را به درگاه خود می بینی.

(۱۷) خداوندا امروز از غضبت به تو پناه می آورم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پناهم ده.

(۱۸) و امروز از خشمت به تو پناه آورده ام، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست، و مرا پناه ده.

(۱۹) و ایمنی از عذابت را از تو می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا ایمن ساز.

(۲۰) و از تو راهنمایی می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا راهنمایی کن.

(۲۱) و از تو یاری می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا یاری ده.

(۲۲) و از تو رحمت می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من رحم کن.

(۲۳) و از تو کفایت می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا کفایت کن.

(۲۴) و از تو روزی می طلبم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا روزی ده.

(۲۵) و از تو کمک می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا کمک کن.

(۲۶) و برای گناهان گذشته ام از تو آمرزش می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا بیامرز.

(۲۷) و از تو می خواهم که مرا (از گناه) بازداری، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست

و مرا (از گناه) باز دار. پس به درستی که اگر تو بخواهی، من هرگز به چیزی که آن را از من نپسندیده ای، بر نمی گردم.

(۲۸) ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای بسیار مهربان، ای بسیار نعمت دهنده، ای دارای بزرگواری و کرم، بر محمّد و خاندانش درود فرست و همه آنچه را که از تو خواسته ام و طلب کرده ام و به آن میل نموده ام، برایم مستجاب فرما و آن را بخواه و مقدّر کن و فرمان ده و اجرا کن. و به من در آنچه از آن برایم حکم می کنی، خیر ده و آن را برای من مبارك کن و با آن بر من تفضّل نما و مرا به آنچه از آن عطا می کنی، نیک بخت گردان و برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزا. پس همانا تو توانگر بخشنده ای. و آن را به خیر آخرت و نعمت فراوانش پیوسته گردان. ای مهربان ترین مهربانان.]سپس دعا کن. آنچه را برایت آشکار شد و بر محمّد و خاندانش هزار بار درود فرست که امام -که درود بر او باد- اینچنین انجام می داد.[

دعای ۴۹- و از دعای امام علیه السلام بود، در دور نمودن مکر دشمنان و بازگرداندن سختی آنان

(۱) خدای من، مرا راه نمودی، پس به کار بیهوده مشغول شدم و پند دادی، پس سنگدل گشتم و عطای نیکو نمودی، پس نافرمانی کردم. سپس چون آگاهم کردی، آنچه را صادر نموده بودی شناختم. پس آمرزش خواستم و تو درگذشتی. پس (باز به نافرمانی) برگشتم و تو پوشاندی. پس خدای من، تو را سپاس.

(۲) در وادی های هلاکت رفتم و به درّه های نابودی وارد شدم، در آنها خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده، با عقوبت هایت روبرو شدم.

(۳) و وسیله من به

سویت یگـانه دانسـتن توست و دسـتاویزم آن است که چیزی را بـا تو شـریک نکرده ام و با تو به خـدایی اعتقاد نداشـته ام و با جانم به سوی تو گریخته ام و گریزگاه بدکار و پناهگاه آنکه بهره اش را تباه کرده و پناهنده گشته، به سوی توست.

(۴) پس چـه بسـیار دشـمنی که شمشـیر دشـمنی اش را بر روی من کشـید، و لبه تیغش را برای من تیز نمـود و طرف تیز آن را برایم نـازک کرد و آن را برای من بـا زهرهـای کشـنده اش درهم آمیخت و تیرهـای هـدف گیری خود را، به سوی من نشـانه گرفت و چشم نگهبانی اش از من نخفت و در دل قصدِ آسیب رساندن به من داشت و آب بسیار تلخِ زهرآگین را جرعه جرعه به من نوشاند.

(۵) ای خدای من، پس تو ناتوانی ام را از تحمّل مصـیبت های سخت و عجزم را از انتقام گرفتن از کسی که قصد جنگ با من نموده و تنهـایی ام را در برابر (سـپاهیانِ) بی شـمار کسـی که بـا من دشـمنی کرده و برای گرفتـار سـاختنم در آنچه درباره آن نیندیشیده ام، در کمین نشسته، مشاهده کردی.

(۶) پس به یاری کردنم آغاز نمودی و به توانایی ات پشتم را نیرومند ساختی. سپس تیزی (تیغ) او را برای من شکستی و پس از آنکـه در گروهی بسـیار بـود، او را تنهـا گـذاشتی و مرا بر او پیروز نمـودی و آنچـه آن را نشـانه گرفتـه بـود، بر خـودش برگرداندی و در حالی که خشمش را بهبودی نداده و کینه اش قرار نگرفته بود، او را بازگرداندی. سرانگشتان خود را گزید و پشت کرده، فرار نمود. در حالی که سپاهیانش از آنچه گفته بودند، تخلّف کردند.

(۷)

و چه بسیار ستمگری که با نیرنگ هایش به من ستم کرد و دام های خود را برایم گسترد و مراقبت و جستجویش را بر من گماشت و همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در کمین من نشست. در حالی که چاپلوسانه برایم خوش رویی می کرد، و با خشم سخت به من می نگریست.

(۸) پس همین که –ای خدای مبارک و والای من– تباهی باطن او و زشتی آنچه در دل داشت، ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی. و او را در پرتگاه گودالش باز گرداندی، تا پس از آن همه گردن کشی، با خواری در بند دامی که در نظر داشت مرا در آن ببیند، درآمد. و اگر رحمت تو نبود، نزدیک بود بر من فرود آید، آنچه بر خودش فرود آمد.

(۹) و چه بسیار حسودی که به خاطر من اندوهش گلوگیر او شد و سختی خشمش از من، گلویش را گرفت و با زبان تیزش مرا آزرد و با نسبت دادن عیب های خود به من، سینه اش را از خشم بر من پر ساخت. و آبروی مرا هدف تیرهای خود قرار داد و ویژگی هایی را که همیشه در خود او بود، به من نسبت داد. و با مَکر خویش بر من خشم نمود و با نیرنگش آهنگ من کرد.

(۱۰) ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که از تو یاری خواسته و به اجابت سریع تو اطمینان داشتم، و می دانستم هر که به سایه رحمت تو پناه بَرَد، شکست نمی خورد. و هر که به پناهگاه

یاری تو پناهنده شود، هراسی ندارد. پس تو به قدرت خویش، مرا از سختی و نیروی او باز داشتی.

(۱۱) و چه بسیار ابرهای مصیبت باری که از من برطرف نمودی و ابرهای نعمت افزایی که بر من باراندی و جوی های رحمتی که روان نمودی و (جامه های) تندرستی ای که (بر من) پوشاندی و چشم های مصیبت آفرینی که کور گرداندی و پرده های اندوه که برداشتی.

(۱۲) و چه بسیار گمان نیکو که به حقیقت پیوستی، و کمبودهایی که جبران نمودی، و به زمین خوردن هایی که بلند کردی، و نیازمندی هایی را که تغییر دادی.

(۱۳) همه آنها نعمت و احسان از جانب توست، و در همه آنها، من سرگرم نافرمانی تو بودم و بد کرداری من تو را از تمام نمودن احسانت باز نداشت. و آن مرا از ارتکاب آنچه تو را به خشم می آورَد، جلوگیری ننمود. تو از آنچه انجام می دهی، بازخواست نخواهی شد.

(۱۴) و چون از تو درخواست شد، پس عطا کردی و درخواست نشد، پس به بخشش آغاز نمودی و فضل تو خواسته شد، پس کم نگذاشتی. و تو ای مولای من، جز احسان و بخشش و لطف و انعام کاری نکرده ای و من هم جز وارد شدن در حرام های تو و تعدّی از حدود تو و غفلت از تهدیدهای تو کاری نداشته ام. پس خدای من، سپاس برای توست. توانایی که شکست نمی خورد و مهلت دهنده ای که شتاب نمی کند.

(۱۵) این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده و آنها را با کوتاهی مقابله نموده و به تباه ساختن (نعمت ها)، به ضرر خود گواهی داده است.

(۱۶) خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی و مقام

گرامی علوی، به سوی تو نزدیکی می جویم و به وسیله آنان به درگاهت رومی آورم که مرا از شرّ این و آن پناه دهی. پس به درستی که این (کار) در برابر دارایی ات بر تو دشوار نیست و در برابر قدرتت بر تو سخت نمی باشد و تو بر هر چیز توانایی.

(۱۷) پس ای خدای من، از رحمتت و توفیق همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم و به وسیله آن از کیفرت ایمن گردم. ای مهربان ترین مهربانان.

دعای ۵۰- و از دعای امام علیه السلام بود، در ترس (از خداوند)

(۱) خداوندا، تو مرا بی عیب و نقص آفریدی، و در کوچکی پرورش دادی، و به قدر کفایت، به من روزی دادی.

(۲) خداوندا، همانا من در کتابت که فرو فرستاده ای و بندگانت را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.» و پیش از این از من (گناهانی) سر زده که تو می دانی و از من به آنها داناتری. پس وای بر رسوایی من، از آنچه نامه تو برایم برشمرده است.

(۳) پس اگر جایگاهی که از بخشایشت آرزومندم و هر چیزی را فرا می گیرد نبود، خود را هلاک می ساختم و اگر کسی می توانست از پروردگار خود بگریزد، من به گریختن از تو سزاوارتر بودم. و تویی که هیچ چیز پنهانی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست، مگر آن را حاضر نموده ای و همین بس که تو جزا دهنده و همین بس که تو حسابگری.

(۴) خداوندا، همانا تو جویای منی، اگر بگریزم. و دستگیر کننده منی، اگر فرار کنم. پس

اینک منم در پیشگاهت فروتن، خوار، زبون. اگر مرا عذاب نمایی، پس به درستی که من سزاوار آنم و آن -ای پروردگار من- از جانب تو عدل است. و اگر از من درگذری، پس از دیر زمانیست که بخشایشت مرا فراگرفته و عافیت خویش را بر من پوشانده ای.

(۵) پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتابت را ندارد، پس چگونه گرمای آتشت را توانایی دارد؟ و توانایی صدای غرش ابرت را ندارد، پس چگونه بانگ خشمت را توانایی دارد؟

(۶) پس خداوندا، بر من رحم کن. زیرا من فردی حقیرم، و منزلتم اندک است و عذاب من، چیزی نیست که ذرّه ای بر پادشاهی تو بیفزاید. و اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم و دوست داشتم که آن (فزونی) بر (ملک) تو باشد. ولی خداوندا، سلطنت تو بزرگ تر و پادشاهی ات پایدارتر از آن است که طاعتِ فرمانبران بر آن بیفزاید، یا نافرمانی گنهکاران (چیزی) از آن بکاهد.

(۷) پس بر من رحم کن، ای مهربان ترین مهربانان. و از من درگذر، ای دارای بزرگی و کرم. و توبه ام را بپذیر، به درستی که تویی توبه پذیرِ بسیار مهربان.

دعای ۵۱– و از دعای امام علیه السلام بود، در زاری نمودن و فروتنی کردن

(۱) خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر نیکویی نیکی ات به من، و فراخی نعمت هایت بر من، و بسیاری عطاها و بخشش هایت درباره من، و بر رحمتت که مرا به وسیله آن برتری دادی، و بر نعمتت که بر من روا

داشتی. پس تو آنچنان به من نیکی کردی که شکر من از ادای آن عاجز است.

(۲) و اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی رسیدم و اصلاح خویش را نمی یافتم. ولی تو احسانت را در حقّ من آغاز نمودی و بی نیازی را در همه کارهایم به من روزی دادی و سختی گرفتاری را از من دور کردی و مقدّراتی که موجب ترس است را از من باز داشتی.

(۳) خدای من، پس چه بسیار بلاهای سختی که از من برگرداندی! و چه بسیار نعمت فراخی که دیده ام را به آن روشن نمودی! و چه بسیار نیکیِ بزرگ، که برای تو نزد من است!

(۴) تویی که هنگام بیچارگی، دعایم را اجابت نمودی و هنگام (به گناه) افتادن، از لغزشم درگذشتی و داد مرا از دشمنانم گرفتی.

(۵) خدای من، هنگامی که از تو درخواست نمودم، تو را بخیل نیافتم و هنگامی که قصد تو نمودم، تو را درهم کشیده ندیدم. بلکه تو را برای نیایشم، شنونده و برای خواسته هایم، بخشنده یافتم. و نعمت هایت را بر خود، در هر حالی از حالم و هر وقتی از اوقاتم، گسترده یافتم. پس تو نزد من ستوده ای و نیکی ات پیش من پسندیده است.

(۶) تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. سپاسی که به کمال و حقیقت ستایش رسد. سپاسی که به اندازه خوشنودی تو از من باشد. پس مرا از خشم سختت نجات ده.

(۷) ای پناه من، وقتی که راه ها مرا ناتوان می کند و راه نمی نماید، و ای درگذرنده از لغزشم که اگر عیب پوشی تو (از موجبات) شرمندگی ام نبود، هر آینه از

رسوا شدگان بودم، و ای نیرو دهنده با یاری نمودن، که اگر یاری کردن تو نبود، هر آینه از شکست خوردگان بودم، و ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر گردن هایشان نهاده اند و از قهرها و غلبه های او ترسانند، و ای سزاوار پرهیزکاری، و ای کسی که نیکوترین نام ها برای اوست؛ از تو می خواهم که مرا ببخشایی و بیامرزی ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم و دارای توانی نمی باشم تا پیروز شوم و مرا گریزگاهی نیست تا بگریزم.

(۸) و از تو می خواهم که از لغزش هایم درگذری و به درگاه تو از گناهانم که تباهم ساخته و مرا فراگرفته تا هلاکم کند، پوزش می طلبم. پروردگار من، از آن (گناهان)، با حال توبه به سوی تو گریخته ام، پس توبه ام را بپذیر. پناهنده ام، پس پناهم ده. زنهار خواهنده ام، پس خوارم نکن. درخواست کننده ام، پس بی بهره ام نگردان. چنگ زننده ام، پس رهایم نکن. خواهانم، پس مرا ناامید برنگردان.

(۹) تو را خواندم – ای پروردگار من – در حالی که بینوا، فروتن، حذر کننده، ترسان، بیمناک، فقیر و بیچاره درگاه تو هستم.

(۱۰) ای خدای من، از ناتوانی جسمم در شتافتن به آنچه به دوستانت نوید داده ای، و دوری نمودن از آنچه دشمنانت را به آن بیم داده ای، و از بسیاری اندوه هایم و از وسوسه های دلم، به تو شکایت می کنم.

(۱۱) خدای من، به (ناپاکی) درونم مرا رسوا نکردی و به گناهم مرا هلاک ننمودی. تو را می خوانم، پس مرا اجابت می کنی و اگر چه هنگامی که مرا می خوانی، کُند هستم. و هر حاجتی که می خواهم، از تو درخواست می کنم و هر کجا که باشم راز خود را نزد تو

می گذارم. پس جز تو را نمی خوانم و به جز تو امیدوار نیستم.

(۱۲) در فرمانبری ات پابرجایم. کسی را که به درگاه تو شکایت کند، می شنوی و به کسی که بر تو اعتماد کرده، رو می آوری و هر کس را که به (رشته) تو دست آویزد، می رهانی و غم و اندوه را از کسی که به تو پناه آورده، برطرف می کنی.

(۱۳) خدای من، پس مرا به خاطر سپاس اندکم، از خیر آخرت و دنیا بی بهره نگردان و گناهانی را که از من می دانی، بیامرز.

(۱۴) اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکار، سهل انگار، تباه کننده، گنهکار، مقصّر، اهمال کننده، واگذارنده بهره خویشم و اگر بیامرزی، پس تو بخشاینده ترین بخشایندگانی.

دعای ۵۲– و از دعای امام علیه السلام بود، در اصرار به خداوند بلندمرتبه

(۱) ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست. و چگونه آنچه را که خود آن را آفریده ای – ای خدای من – بر تو پنهان باشد؟ و چگونه آنچه را که خود ساخته ای، شمار آن را ندانی؟ یا چگونه از تو پنهان شود، آنچه که خود آن را تدبیر می نمایی؟ یا چگونه می تواند از تو بگریزد، آنکه جز به وسیله روزی اتْ زندگی برایش نیست؟ یا چگونه از تو رهایی یابد، کسی که در غیر قلمرو تو، راهی برایش نمی باشد؟

(۲) پاک و منزّهی! ترسنده ترین آفریدگانت از تو، آگاه ترین آنها به (کبریایی) توست. و خاضع ترین آنان از تو، عمل کننده ترین ایشان به فرمان توست. و پست ترین آنها نزد تو، کسیست که تو او را روزی می دهی و او غیر تو را می پرستد.

(۳) پاک و منزّهی! کسی که به تو شرک آورَد و پیامبرانت را دروغگو شمارد، از فرمانروایی ات نمی کاهد. و کسی که حکم تو

را نپسندید، نمی تواند فرمانت را بازگرداند. و کسی که قدرت تو را تکذیب نمود، نمی تواند خود را از تو بازدارد. و کسی که جز تو را پرستید، از دست تو گریزی ندارد. و کسی که (مرگ و) دیدار تو را نپسندید، در دنیا عمر جاودان نیابد.

(۴) پاک و منزّهی! چه بزرگست مرتبه تو! و چه غالب است پادشاهی ات! و چه شدید است قدرت تو! و چه نافذ است فرمانت!

(۵) پاک و منزّهی! مرگ را برای همه آفریدگانت - آنکه تو را یگانه دانست و آنکه به تو کفر ورزید - رقم زده ای. و همه چشنده مرگ هستند. و همه به سوی تو برگشت کننده اند. پس تو مبارک و برتری. جز تو معبودی نیست. یگانه ای هستی که برای تو شریکی نمی باشد.

(۶) به تو ایمان آوردم و پیامبرانت را تصدیق نمودم و کتابت را پذیرفتم و به هر معبودی جز تو کفر ورزیدم و از هر که جز تو را پرستید، بیزاری جستم.

(۷) خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که عملم را اندک می بینم و به گناهم اعتراف دارم و به خطاهایم اقرار می کنم. من به خاطر زیاده روی بر خود، خوار گشته ام. عملم مرا به هلاکت افکنده و هوای نفسم مرا تباه ساخته و خواهش های نفسانی ام مرا محروم گردانده.

(۸) پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که نفس او به خاطر آرزوهای درازش سرگرم شده و تن او به خاطر آرامش رگ هایش، غافل مانده و دلش به سبب زیادی نعمت ها بر او، فریفته شده و اندیشه اش برای آنچه به سوی آن بازمی گردد، اندک است.

(۹)

درخـواست کسـی که آرزو بر او چیره گشـته، و خـواهش نفس او را گمراه نموده و دنیـا بر او تسـلّط یـافته و مرگ بر او سـایه افکنـده اسـت. درخـواست کسـی کـه گناهـانش را بسـیار دانسـته، و بـه خطـایش اعـتراف نمـوده است. درخـواست کسـی که پروردگاری برای او جز تو و سرپرستی برایش غیر تو نیست، و نجات دهنده ای برای او از تو نمی باشد، و پناهگاهی برای او از تو، جز به سوی تو نیست.

(۱۰) خـدای من، به آن حقّ واجب خود که بر همه آفریدگانت داری، و به آن نام بزرگت که پیامبرت را فرمان دادی که تو را با آن تسبیح گوید، و به آن بزرگی ذات بزرگوارت که کهنه و دگرگون نمی شود، و تغییر حال نمی دهد، و نابود نمی گردد، از تو می خواهم که بر محمّـد و خانـدان محمّـد درود فرسـتی و مرا به وسـیله بنـدگی ات از هر چیزی بی نیـاز گردانی و مرا با ترس از خود، در دوری از دنیا، تسلّی بخشی. و با رحمت خویش مرا به بسیاریِ بخشش خود بازگردانی.

(۱۱) پس فقط به سوی تو می گریزم و تنها از تو می ترسم و تنها از تو فریادرسـی می خواهم و فقط به تو امیدوارم و تو را می خوانم و تنهـا به سوی تو پنـاه می برم و به تو اعتمـاد می کنم و فقـط از تو یـاری می جویم و تنهـا به تو ایمان دارم و فقط بر تو توکّل می کنم و تنها بر بخشش و بزرگواری تو دل می بندم.

دعای ۵۳– و از دعای امام علیه السلام بود، در فروتنی برای خداوند ارجمند و بزرگوار

(۱) ای پروردگـار من، گناهـانم خـاموشم نموده و گفتـارم قطع گردیـده. پس برای من هیـچ حجّتی نیست. از این رو من اسـیر بلای خود، گروگان عمل

خویش، مردد در خطای خود، متحیّر از مقصد خویش و در راه مانده ام.

(۲) خود را در جایگاه خوارانِ گناهکار، جایگاه بدبختانی که بر تو جرأت یافته اند و سبک شمارندگان وعده تو، واداشته ام.

(۳) پاک و منزّهی! به کدامین جرأت بر تو تجرّی نمودم؟ و به کدام هلاک، خود را به هلاکت افکندم؟

(۴) مولای من! بر به رو افتادنم با تمام رخسارم، و بر لغزش گام هایم رحم کن. و با بردباری ات بر نادانی ام، و با احسانت بر بدکرداری ام تلافی کن. زیرا من به گناه خود، اقرار داشته و به خطای خویش، اعتراف می کنم. و این دست من و موی جلوی سرم است. برای قصاص خویش، فروتن می شوم، بر پیری ام و به آخر رسیدن روزهایم و نزدیک شدن مرگم و ناتوانی ام و نیازمندی ام و بیچارگی ام رحم کن.

(۵) مولای من! هنگامی که اثرم از دنیا قطع شود، و یادم از میان آفریدگان محو گردد، و مانند کسی که فراموش شده، از فراموش شدگان گردم، به من رحم کن.

(۶) مولای من! هنگام دگرگون شدن صورتم، و حالم هنگامی که جسدم پوسیده گردد، و اعضایم گسسته شود، و مفاصلم پاره پاره شود، بر من رحم کن. ای وای از بی خبری من از آنچه درباره ام خواسته می شود!.

(۷) مولای من! و در برانگیخته شدن و زنده شدنم به من رحم کن، و جایگاهم را در آن روز با دوستانت، و بازگشتم را در میان یارانت، و خانه ام را در جوار خود قرار ده، ای پروردگار جهانیان.

دعای ۵۴– و از دعای امام علیه السلام بود، در درخواست برطرف نمودن اندوه ها

(۱) ای برطرف کننده اندوه و ازبین برنده غم. ای بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در آن دو. بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و

اندوه مرا برطرف کن و غمم را بزدا.

(۲) ای یگانه، ای یکتا، ای بی نیاز، ای که نزائیده و زائیده نشده ای و برای او همتایی نبوده است، مرا حفظ کن و پاک گردان و گرفتاری مرا از میان ببر. «و آیهالکرسی و سوره های ناس و فلق و قل هو اللّه احد را بخوان و بگو: »

(۳) خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند، و نیرویش ضعیف، و گناهانش بسیار است. درخواست کسی که فریادرسی برای نیازش، و نیرو دهنده ای برای ضعفش، و بخشاینده ای برای گناهانش جز تو نمی یابد. ای صاحب عظمت و کرامت! از تو عملی را درخواست می کنم که به سبب آن هر کسی را که آن را انجام دهد، دوست داری. و یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو یقین پیدا کند، سود می دهی.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بر راستی بمیران و نیازم را از دنیا قطع کن و در آنچه نزد توست، رغبتم را، آرزومندی دیدارت قرار ده. و توکّل راستین به خود را، به من ارزانی دار.

(۵) از تو نیکی آنچه نوشته شده و گذشته را درخواست می نمایم و از بدی آنچه نوشته شده و گذشته، به تو پناه می برم. ترس عبادت کنندگان و پرستش فروتنان برای تو و یقین توکّل کنندگان بر تو و توکّل مؤمنان بر تو را، از تو درخواست می نمایم.

(۶) خداوندا، رغبت مرا در درخواستم، همانند رغبت اولیای خود در خواسته هایشان، و ترسم را مانند ترس اولیائت قرار ده. و مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن

چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم.

(۷) خداوندا خواسته من این است. پس رغبت مرا در آن افزون گردان و عذرم را در آن آشکار فرما و حجّتم را در آن به من بفهمان و تنم را در آن عافیت بخش.

(۸) خداوندا، هر کس صبح کرد، در حالی که اعتماد یا امیدش به جز تو بود. پس من صبح کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی. پس آنچه سرانجامش بهترین است را برایم مقدّر فرما و مرا از فتنه های گمراه کننده نجات ده. به رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان.

(۹) و درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا که برگزیده است و بر خاندان پاکش باد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

